
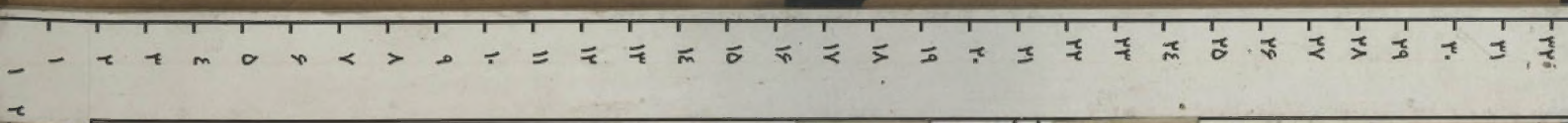


محمد عارف
١٨٥٦

کتابخانه مجلس شورای اسلامی		 جمهوری اسلامی ایران
کتاب فتح مبین = شرح حصن الحصین		
مؤلف	ابوبکر محمد بن عبدجبار	
مترجم		
شماره قفسه	۱۷۸۷۱	
شماره ثبت کتاب	۲۹۰۳۶	



خطی	کتابخانه
مجلس شورای اسلامی	۱۷۸۷۱

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

کتاب: فتح قیس - فتح حصن الحصین

مؤلف: ابوبکر محمد بن رجبی

مترجم


شماره قفسه: ۱۷۸۷۱

۲۹۰۳۶

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی

۱۷۸۷۱

کتابخانه مجلس شورای اسلامی		 جمهوری اسلامی ایران شماره ثبت کتاب
کتاب	فتح مبین = فتح حصن الحصین	
مؤلف	ابوبکر محمد بن رجبی	۲۹۰۲۶ شماره قفسه
مترجم		
شماره قفسه ۱۷۸۷۱		

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	خطی
۱۷۸۷۱	

نشره حسن حسن

۱۷۸۷۱



خطی
VI



بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله الذي خلقنا من غير حساب
 حصنا حصينا لم يفتح لاحد واتالا فتحا بينا وفياء
 بلا عدد وجعل عصمه له بالمدد واسر بالدعاء فاجتنب
 قصور مواطن ويوم لا يخرب وزاد بترب كنه عيونهم عبي
 فقال وسار ميت اذ ربيت ولكن الله ري فظفر على كثره مع قلته
 فقال ولقد نصر الله رسوله وانشأ له وهلا به جليا
 وجزيلا وبصر به دوا وحضرا وجعل القرآن له صفة والقرآن
 باقله فاصح بالجد كل جادة وجده صلى الله عليه
 وعلى آله الذين هم قرة و واصحاب الذين هم كواكب دة انما بعد

کتاب سیر
 در ملک محمد اکبر
 در خبر محمد و محمد
 شد و شد
 سیر محمد

بنده سلطه ابو بکر بن محمد بهر و حسنی که چون
 سلطان اعظم خان اکبر بادشاه سر فلان خسر و
 حصان نواز بهر سلاطین سر و خوافین شمس
 را است بدر فلان خلافت مرفوع قدر شروح
 صدر بلند سر بر و شن ضمید غنیزین فارچ غم و کرب و
 نعم و ارب فاتح قلاع و دبا صاحب اولاد و قرب ملجا عجم و
 پناه عالم نگاه بی آدم قبله حاجات عباد دعوات کریم پرورد
 خزینه انوار بحر صفای و فاعظیم جود کریم وجود کثیر عطا
 و فضایل کاشف غطا اسایل حمید خدایا بسند خصله
 ستوده افکار شاه دلاور منصورها موزنیک صورت و سیرت
 اهل عقل و بصیرت صبح منظر و جیه انور فصیح لسان ملج و
 زین محافل عین افاضل می سنن رسالت ماحی سنن خلافت
 تاج سرملوک سراج اهل سلوک ناشر پیماز ملحم ناشر دینا
 و در اعم مطعم انواع مطامع مکرم اسناف مکرم باذل خیول و
 باحم مساکین و فقر و جامع کریم و کرامت سزاوار امامت خلد
 رای و فراست منعم اهل علم و دراست کریم و طرفا حاوی شرف
 عالی از د و نیز ناشی از د و خیر قائل صواب نایلا توان شانی
 جواب و ای خطاب کاسی ثیاب ناسی عتاب داکر رحمان شاکر
 مطیع حق مطاع خلق دالی اهل عقول قالی در رسول عالمی

کامل فاضل میکل آفری حرز تقوی امام اظم قوام اسلام امین
 المؤمنین کبریا مسلمین یا صمد الدنیا والین عیانت لا اسلام ولسلمین
 الحاق با الله للثانی والمؤید بتأید الرحمن الو العز **سلطان**
شاه خلد الله ملک و سلطان و نصر جند و عون له
 و فاض بدمه و احسانه **شعر** شمر خدایه چون تو شمر
 نظیر را **بیدار** از کرم اندر زمان ما حکمت باد دایم در افلاک
 و بیادش و کلامین ارضاک **ترا** یاد ایش باد نشانی ملک قدر ملک
 اقبال عزت ملک و ادب جهان **نرم** استقامت الملك لا لاک
 بدین لطفی که داری خلای **علی** راس الوری الله احیای
 تراستی قوی اندر عیون **و** فهم فی مانیها باد لاک
 تو نبی در وقت خود مقبول **و** شینا ما سالت الله اعطاک
 الا ای شد تو بی محمود عالم **لان** الفضل کلا الفضل اولاک
 زبان شک و صفت جون تو **بد** قامت جریم الباب املاک
 هران جیزی که از حق بیجا **بفضل** عاجل ایلا اتاک
 ز بهر مرجه دست خود براری **اجابانه** یا سلطان دعوائک
 هیشک باد دشمن در مملکت **و** فی الاعزاز انک کما کن بهوالک
 ذکر او یاد را شمار خود ساختد **و** دعوائ ماثوره را دثار خود بر
 و کتاب حصن حصین که تصنیف است از متاخرین شیخ محمد بن
 جندی رحمه الله بنایت اختصار است جامع ادعیه ماثوره

خطی
VI

و صحاح اخبار است بر قراء تا آن ملازمت نهاده این خالک و بیجا
 خود را فرمود که کتاب را ترجمه پارسی باید تا عرایض
 معانی از نقاب عربی جمال نماید این بنده اول جماعت اولیای
 امتثال امر است شایع واجب الاتباع خلد ملک **دید** پس فاده اله
 در کوی اجابت کشید **بیدار**
 گشتی ملا عش گردن کشید **بشیر** وفا با دایم بر
 و این کتاب را بقیقین بر دانی و بین عزم میمون سلطان شریح
 پارسی داد و نام او را فتح مبین نهاد و از هر کتاب مقبول منه
 رسوم کشاد و در صحن ادراک بر وفای داد و زبردت خلعت
 نام را وی بنیشت سکر جانی که راوی معلوم نکست هر که معلوم کرد
 قلم بکتابت دند و هر خطائی بیند عیب بر شد و بر اصلاح کرد
 و چندان دیگر درین مختصر بنقل فایده معتبر بنیشت شده است
 تا هر که بخواند بی بهره نماند **اللهم** جعلت حبیبی لک و سائر
 اهل الاسلام را جعل هذا حبیبنا الجنة و اقیه و عده باقیه لمولای
 السلطان الامار و طهره اللهم **بد** علی الدوام و اجعل الملک فی
 و فی عقبه الی یوم القیامة و انصر بذاته الشریف دین نبی
 علیه الصلوة و السلام و اجعل کل یوم خیر الیام و امدد
 فضله و عدله علی کل کافذ اهل الاسلام و زد لا اللهم فی الملك
 و العظمة و العزة و الامار و عمن فی رضاك و طاعة رسولك

نظم

جسم اسرار الله باقواله صمد
روح خلاقه ببيشكاره او غير محرم

بسم الله الرحمن الرحيم

قال صافى الحق لفظ الحق يعنى الحقايق
مما هو باطنه واللفظ فى الحق المروق
من اسم التوفيق والعلم والحق
كلها الى الله به

This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with some faint smudges and discoloration, characteristic of old paper. The left edge of the page shows the binding of the book.

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

قال مائة العلى لطف اللى لطف لطفه
من الله التوفيق والعلم ولطفه
بالحسن

نصف الفلف و در باغ
نصف الفلف و در باغ
نصف الفلف و در باغ
نصف الفلف و در باغ

بشیراز وفات یافت در مدینه او که بجهت قایمان ساخته
بود منور گشت هشتاد و دو سال عمر داشت رحم الله
و كافة المسلمين **أما بعد** **حمد الله تعالى الذي جعل الأئمة**
رد القضاء والصلوة والسلام على محمد الأنبياء
الله وصحبه الأتقياء الأصفياء اما بعد از حرحر
تعالی که مرید دعا را سبب برای مرقضاء و بعد از درود
بر محمد که مختار انبیاء است و بر ائمه اصحابی که پیغمبر کاروان و
برگزینگاه اشیکویم **فإن هذا الفضل العظيم من كمال**
سيد المرسلين وسلاح المؤمنين من خزانة الامين في
الهيكال العظيم من قلوب رسول الكرم والقرآن المنير
من أفضى للعصم المأمون بذات فيه النصيحة وأخبر
من الأحاديث الصريحة
پس بدین معنی این حصار می بخشد استوار از کلام سید المرسلین
وسلاح مومنان که از خزانه پیغامبر امین است و این بنای فایده
که از قول رسول کرام است و این مقام محفوظه از لفظ
ما مومن است نصیحت خود را در آن بنده کردیم و از آنجا حدیث
صیحه بیرون آوردیم و این در نه عده **عندك** **شدة**
جدة نه جنة **لبي** **نور** **النبي** ظاهر کردیم تا این حد
لنصیحه را در آن حال که ساختگی است نزدیک معنی و خاص
لهم از ائمه در آن حال که سیری است از پیغمبر و ائمه

تکامل در حصص به نسیاهم من المصيبة واعصمت
من كل ظالم بها حوي ومن السهام المصيبة وفات
حصا گرفت بدان حصص حصص در مصیبت که تا که است
و باز نامم از هر طرف المصیبت تیرها رسد یعنی در
که حصص حصص از ارجاع است و گفت این
لا قولوا الشخص قوتوي علی صفی ولا تخش تیریه
خباته له سمانا فی اللیل و از جوان نکون له مصیبة
بگوید من شخصی را که قوی شد است بر ضعف و ضعیف
از نکاهات که بنهادم برای تیرها دعا در شبها و میداد
که آن تیرها و راسند یا گویند امیدارم که آن تیرها و
سبب مصیبت شوند **سأله الله عظیم ان ینع بدوان**
یفرح عن سلسله میخوام از خدا عظیم که نفع
حصص حصص نفع عام دفع کرد این سبب او از دور
از امر اسلام **قال یدع اقتصار فریج حدیثی**
فی الاصح این کتاب به کوتاهی قلت جم
خود هیچ حدیث صحیح را نگذاشت مگر که حاضر در فرق
میان اقتصار و اختصار اینست که اقتصار مختصر بمعانیست
و اختصار مختص با الفاظ است و **لما املت ترتیب**
و هرگاه که
نویسد طلبی علی لا یمل انیل فعد الله تعالی

خطی
VI

قد استأذن من مولاي في ان ياتيكم في هذا اليوم
 من اجل اني قد اتممت من هذا الكتاب ما كان
 في خاطري من ان يكتبه في هذا اليوم
 من اجل اني قد اتممت من هذا الكتاب ما كان
 في خاطري من ان يكتبه في هذا اليوم

١٠٠
 ١٠١
 ١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠
 ٢٠١
 ٢٠٢
 ٢٠٣
 ٢٠٤
 ٢٠٥
 ٢٠٦
 ٢٠٧
 ٢٠٨
 ٢٠٩
 ٢١٠
 ٢١١
 ٢١٢
 ٢١٣
 ٢١٤
 ٢١٥
 ٢١٦
 ٢١٧
 ٢١٨
 ٢١٩
 ٢٢٠
 ٢٢١
 ٢٢٢
 ٢٢٣
 ٢٢٤
 ٢٢٥
 ٢٢٦
 ٢٢٧
 ٢٢٨
 ٢٢٩
 ٢٣٠
 ٢٣١
 ٢٣٢
 ٢٣٣
 ٢٣٤
 ٢٣٥
 ٢٣٦
 ٢٣٧
 ٢٣٨
 ٢٣٩
 ٢٤٠
 ٢٤١
 ٢٤٢
 ٢٤٣
 ٢٤٤
 ٢٤٥
 ٢٤٦
 ٢٤٧
 ٢٤٨
 ٢٤٩
 ٢٥٠
 ٢٥١
 ٢٥٢
 ٢٥٣
 ٢٥٤
 ٢٥٥
 ٢٥٦
 ٢٥٧
 ٢٥٨
 ٢٥٩
 ٢٦٠
 ٢٦١
 ٢٦٢
 ٢٦٣
 ٢٦٤
 ٢٦٥
 ٢٦٦
 ٢٦٧
 ٢٦٨
 ٢٦٩
 ٢٧٠
 ٢٧١
 ٢٧٢
 ٢٧٣
 ٢٧٤
 ٢٧٥
 ٢٧٦
 ٢٧٧
 ٢٧٨
 ٢٧٩
 ٢٨٠
 ٢٨١
 ٢٨٢
 ٢٨٣
 ٢٨٤
 ٢٨٥
 ٢٨٦
 ٢٨٧
 ٢٨٨
 ٢٨٩
 ٢٩٠
 ٢٩١
 ٢٩٢
 ٢٩٣
 ٢٩٤
 ٢٩٥
 ٢٩٦
 ٢٩٧
 ٢٩٨
 ٢٩٩
 ٣٠٠
 ٣٠١
 ٣٠٢
 ٣٠٣
 ٣٠٤
 ٣٠٥
 ٣٠٦
 ٣٠٧
 ٣٠٨
 ٣٠٩
 ٣١٠
 ٣١١
 ٣١٢
 ٣١٣
 ٣١٤
 ٣١٥
 ٣١٦
 ٣١٧
 ٣١٨
 ٣١٩
 ٣٢٠
 ٣٢١
 ٣٢٢
 ٣٢٣
 ٣٢٤
 ٣٢٥
 ٣٢٦
 ٣٢٧
 ٣٢٨
 ٣٢٩
 ٣٣٠
 ٣٣١
 ٣٣٢
 ٣٣٣
 ٣٣٤
 ٣٣٥
 ٣٣٦
 ٣٣٧
 ٣٣٨
 ٣٣٩
 ٣٤٠
 ٣٤١
 ٣٤٢
 ٣٤٣
 ٣٤٤
 ٣٤٥
 ٣٤٦
 ٣٤٧
 ٣٤٨
 ٣٤٩
 ٣٥٠
 ٣٥١
 ٣٥٢
 ٣٥٣
 ٣٥٤
 ٣٥٥
 ٣٥٦
 ٣٥٧
 ٣٥٨
 ٣٥٩
 ٣٦٠
 ٣٦١
 ٣٦٢
 ٣٦٣
 ٣٦٤
 ٣٦٥
 ٣٦٦
 ٣٦٧
 ٣٦٨
 ٣٦٩
 ٣٧٠
 ٣٧١
 ٣٧٢
 ٣٧٣
 ٣٧٤
 ٣٧٥
 ٣٧٦
 ٣٧٧
 ٣٧٨
 ٣٧٩
 ٣٨٠
 ٣٨١
 ٣٨٢
 ٣٨٣
 ٣٨٤
 ٣٨٥
 ٣٨٦
 ٣٨٧
 ٣٨٨
 ٣٨٩
 ٣٩٠
 ٣٩١
 ٣٩٢
 ٣٩٣
 ٣٩٤
 ٣٩٥
 ٣٩٦
 ٣٩٧
 ٣٩٨
 ٣٩٩
 ٤٠٠
 ٤٠١
 ٤٠٢
 ٤٠٣
 ٤٠٤
 ٤٠٥
 ٤٠٦
 ٤٠٧
 ٤٠٨
 ٤٠٩
 ٤١٠
 ٤١١
 ٤١٢
 ٤١٣
 ٤١٤
 ٤١٥
 ٤١٦
 ٤١٧
 ٤١٨
 ٤١٩
 ٤٢٠
 ٤٢١
 ٤٢٢
 ٤٢٣
 ٤٢٤
 ٤٢٥
 ٤٢٦
 ٤٢٧
 ٤٢٨
 ٤٢٩
 ٤٣٠
 ٤٣١
 ٤٣٢
 ٤٣٣
 ٤٣٤
 ٤٣٥
 ٤٣٦
 ٤٣٧
 ٤٣٨
 ٤٣٩
 ٤٤٠
 ٤٤١
 ٤٤٢
 ٤٤٣
 ٤٤٤
 ٤٤٥
 ٤٤٦
 ٤٤٧
 ٤٤٨
 ٤٤٩
 ٤٥٠
 ٤٥١
 ٤٥٢
 ٤٥٣
 ٤٥٤
 ٤٥٥
 ٤٥٦
 ٤٥٧
 ٤٥٨
 ٤٥٩
 ٤٦٠
 ٤٦١
 ٤٦٢
 ٤٦٣
 ٤٦٤
 ٤٦٥
 ٤٦٦
 ٤٦٧
 ٤٦٨
 ٤٦٩
 ٤٧٠
 ٤٧١

(Faint handwritten notes at the bottom of the page)

فقد كتبت هذه اليك يا اخي
في شهر ربيع الاول سنة ١٢٠٢
الاولى من الهجرة النبوية
والسلامة

مات

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

الحمد لله الذي هدانا لهذا
والعلم لا ينفك عنها ولا يزل يزيدها

بسم الله

و شد جائز است که زیادت شود چنانچه در آیه دیگر است
وَمَا يَسْتَوِي فِي الْقِيَامَةِ الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرَ و در آیه
 نشود هیچ یکی را عز و یزاد و نقصان کرده نشود از عز و یزاد
 در لوح محفوظ مکتوب است آنست که اگر در لوح محفوظ باشد
 که فلاحتی که یا خدا کند عز و یزاد باشد و اگر مرد و کند
 عمران شصت سال بود پس اگر او حج نکرده باشد شصت
 سال بعد از نقصان شدن اگر مرد و حج آورد بنسبت جعل سال
 عمر او زیاد نکند و بعضی گویند زیادت عمر بدین اعتبار است
 او را از زندگی صالح یا غیر صالحی باشد که بعد از وفات
 رسد پس چنانست که عمر او زیادت شد **لَا يَسْتَوِي فِي الْقِيَامَةِ الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرَ**
الْعَمَىٰ مَحْضًا وَالْبَصِيرَ الْبَصِيرَ در صحیح مسلم
 حاکم است و سند بزار و وسط صحیح طبرانی است بروایه
 عاتقه رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و آله فرمودی بیا نزد
 من بنشین که ترا در هر روز از قدر و عانت بگذرانم قدری که نازد
 بدین آسان شود و از قدری که غیر نازد است بدین که در
 گرد و بدین که بلا نازد شود و از راه عایشه پرسید
 بدین قیامت یا یکدیگر میاورند عاتقه گفت که بلا نیست و شود
أَيُّهَا النَّبِيُّ لَا تَقْرَأُ الْقُرْآنَ إِلَّا فِي حِلِّهِ در سنن

آنکه

در حدیث دیگر آمده است که هر که در روز قیامت با کسی از این دو گروه باشد...

در حدیث دیگر آمده است که هر که در روز قیامت با کسی از این دو گروه باشد...

ترمذی و ابن ماجه و صحیح ابن حبان و صحیح مسلم
 حاکم است بروایه ابو هریر رضی الله عنه که رسول
 الله علیه و سلم هیچ چیزی برزق نبرد خدای تعالی از
 دعائیت سوره فاتحه الله تعالی علیه است در سنن
 ترمذی و صحیح مسلم حاکم بروایه ابو هریر رضی الله عنه
 که رسول صلی الله علیه و آله فرمود هر که از خدای تعالی بخواند خدا
 تعالی بروشتم کند زیرا که خداوند تعالی دوست دارد
 که آن را بخواند پس هر که بخواند میفرماید پس ناچار
 علیه گردد **مَنْ لَمْ يَدْعُ اللَّهَ قَبْلَ عِلْمِهِ** در مصنف
 ابی یوسف است بروایه انس که رسول صلی الله علیه و سلم
 فرمود هر که خدای را بخواند خدای تعالی بروشتم کند
لَا تَجْزِي فِي الصَّلَاةِ الدُّعَاءُ يَا لَيْلَى يَا لَيْلَى
أَيُّهَا حَبِيبُ در صحیح ابن حبان و صحیح مسلم
 حاکم است بروایه انس رضی الله عنه که رسول صلی
 علیه و سلم فرمود عاجر شریف در دعای کردن زیرا که
 بدین سبب است آنست هرگز هلاک نشود هیچ یکی را
مَنْ دَعَا اللَّهَ يَجِيبُ اللَّهُ لَهُ عَشْرًا لَمْ يَدْعُ اللَّهَ
فَلْيَكُنِ الدُّعَاءُ فِي الرَّغَاةِ در سنن ترمذی است بروایه
 ابو هریر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم

فرمود

در مصنف

در حدیث دیگر آمده است که هر که در روز قیامت با کسی از این دو گروه باشد...

در حدیث دیگر آمده است که هر که در روز قیامت با کسی از این دو گروه باشد...

فمود هرگاه که خوشتر گردانند این که خدای تعالی در حقش
و اندر هم او را اجابت کند پس گوید در فراخی و اسانی دعا
بسیار کند عبادت مومن شکرانست که پیش از اضطراب
الهی بخدای تعالی آرد و پیش خورشید از پیش راست
بخدای کافران که در حالت اضطراب تضرع کند در حالت قنوت
دم گران زند جناح در قنوت سجده خست سید محمد **السلام**
المؤمنین و عباد الدین قنوت الحوائط و الاشیاء
در سجده مستی دعا که است بروایه ابوهریر رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود دعاء سلاح مومنین
است و ستوت دین است و نور اسمانها و زمین است و سر
رسول الله صلی الله علیه و سلم بقوله و یستلین فقال اما
کان هؤلاء یسألون الله العاقبة در دست بردار است برده
افسوسها که عند بگذشت رسول صلی الله علیه و سلم
بقویی که مبتلا بود ندیس فرمود که ایشان از خدای
عافیت نخواهند یافت پس بسم ینصب وجهه لله تعالی
فیسأله الا اعطاه ایاه اما ان یصلی لهم و اما ان ینزل
سکة در دست امام احمد حنبل است بروایت هریر رضی
الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود نیست
هیچ سلی که روی خود را برای خدای تعالی در سجده کند

در قنوت دعا که است بروایه ابوهریر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود دعاء سلاح مومنین است و ستوت دین است و نور اسمانها و زمین است و سر رسول الله صلی الله علیه و سلم بقوله و یستلین فقال اما کان هؤلاء یسألون الله العاقبة در دست بردار است برده افسوسها که عند بگذشت رسول صلی الله علیه و سلم بقویی که مبتلا بود ندیس فرمود که ایشان از خدای عافیت نخواهند یافت پس بسم ینصب وجهه لله تعالی فیسأله الا اعطاه ایاه اما ان یصلی لهم و اما ان ینزل سکة در دست امام احمد حنبل است بروایت هریر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود نیست هیچ سلی که روی خود را برای خدای تعالی در سجده کند

یعنی بر زمین خد و سجده بسیار کند در خواست
که خدای تعالی او را خواست او در دنیا دهد یا این
برای چنین آخرت سازد **فصل فی الدعاء**
فان یسأل الله العاقبة و **فان یسأل الله العاقبة**
فان یسأل الله العاقبة و **فان یسأل الله العاقبة**
فان یسأل الله العاقبة و **فان یسأل الله العاقبة**
و کرات در بخاری و مسلم و سنن ترمذی و نسائی و ابن
ماجه است بروایه ابوهریر رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه و سلم فرمود خدای تعالی میفرماید من نزد کان بنده حق
بمن یعنی معامله کنم با او بحسب کالی او و این اشارت است
بر حسن نظر و تطهیر رجا بر خوف و من با بند خودم جو
سرا یا کند یعنی معصیت و توقیف من با او است یا قویست
مستقیم چون سرا یا کند پس اگر سرا در سر یا د کند من
او را در شتر کنم یعنی او را شراب آن در سر بهم سپارش
او بکسی نکند و اگر او سرا در جماعت یا د کند من او را در جماعت
معتزله فرستاده اند و ارواح رسلانی یا دکنم یعنی قیامی
بقدر و تکیه تراز فعلی و در سیات ایشان بدهم **لا اله الا الله**
خیر ما یسأل الله العاقبة و **فان یسأل الله العاقبة**
و خیر ما یسأل الله العاقبة و **فان یسأل الله العاقبة**

در قنوت دعا که است بروایه ابوهریر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود دعاء سلاح مومنین است و ستوت دین است و نور اسمانها و زمین است و سر رسول الله صلی الله علیه و سلم بقوله و یستلین فقال اما کان هؤلاء یسألون الله العاقبة در دست بردار است برده افسوسها که عند بگذشت رسول صلی الله علیه و سلم بقویی که مبتلا بود ندیس فرمود که ایشان از خدای عافیت نخواهند یافت پس بسم ینصب وجهه لله تعالی فیسأله الا اعطاه ایاه اما ان یصلی لهم و اما ان ینزل سکة در دست امام احمد حنبل است بروایت هریر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود نیست هیچ سلی که روی خود را برای خدای تعالی در سجده کند

در قنوت دعا که است بروایه ابوهریر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود دعاء سلاح مومنین است و ستوت دین است و نور اسمانها و زمین است و سر رسول الله صلی الله علیه و سلم بقوله و یستلین فقال اما کان هؤلاء یسألون الله العاقبة در دست بردار است برده افسوسها که عند بگذشت رسول صلی الله علیه و سلم بقویی که مبتلا بود ندیس فرمود که ایشان از خدای عافیت نخواهند یافت پس بسم ینصب وجهه لله تعالی فیسأله الا اعطاه ایاه اما ان یصلی لهم و اما ان ینزل سکة در دست امام احمد حنبل است بروایت هریر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود نیست هیچ سلی که روی خود را برای خدای تعالی در سجده کند

در قنوت دعا که است بروایه ابوهریر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود دعاء سلاح مومنین است و ستوت دین است و نور اسمانها و زمین است و سر رسول الله صلی الله علیه و سلم بقوله و یستلین فقال اما کان هؤلاء یسألون الله العاقبة در دست بردار است برده افسوسها که عند بگذشت رسول صلی الله علیه و سلم بقویی که مبتلا بود ندیس فرمود که ایشان از خدای عافیت نخواهند یافت پس بسم ینصب وجهه لله تعالی فیسأله الا اعطاه ایاه اما ان یصلی لهم و اما ان ینزل سکة در دست امام احمد حنبل است بروایت هریر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود نیست هیچ سلی که روی خود را برای خدای تعالی در سجده کند

خداوند و ابوهریر رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه و آله
فرمودند نشینند پس میگردد که خدای تعالی بفرموده خداوند
فرستاد و میفرستد و در این اوقات و فرود آمدن
از غایت و گداز خدای تعالی در جبهه فرستاد که از حضرت
خداوند تعالی اندک **و رسول الله ان شری فی الاسلام**
من فانی فی شری الاسلام **قال لا یزال یسألکم**
عن الله **ت** **حسب** در میان مردمی و این ماجده و
صحیح ابن حبان و صحیح مسلم که عاقل و مصنفی بکرمت برآید
عبدالله بن بسر رضی الله عنه که سرور گفت ای رسول خدا صلی الله علیه و آله
اسلام بیخبر از حضرت سنان اسلام بر من بسیار گشت پس آگاه کن مرا
ایمانی اندک که بدان چنگ زدم و یا شرف ندانم آن عاقل رسول
صلی الله علیه و آله فرموده عاقل نیست که زبان تو همیشه تر باشد
از ده خدای تعالی بگو مدام در ذکر بود **ان کلکم علی الاصل**
قال لا یزال یسألکم عن الله **ت** **حسب** در میان مردمی و این
مسند بزرگ و صحیح طبرانی که بر است بر روایت معاذ رضی الله عنه
آخر کلامی که بر آن از رسول صلی الله علیه و آله و سلم جدا کردیم
این بود که گفتیم ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
سوی خدای تعالی فرموده است که بپیر می فرستد که تر باشد

در این اوقات و فرود آمدن از غایت و گداز خدای تعالی در جبهه فرستاد که از حضرت خداوند تعالی اندک

در میان مردمی و این ماجده و صحیح ابن حبان و صحیح مسلم که عاقل و مصنفی بکرمت برآید عبدالله بن بسر رضی الله عنه که سرور گفت ای رسول خدا صلی الله علیه و آله

اسلام بیخبر از حضرت سنان اسلام بر من بسیار گشت پس آگاه کن مرا ایمانی اندک که بدان چنگ زدم و یا شرف ندانم آن عاقل رسول صلی الله علیه و آله فرموده عاقل نیست که زبان تو همیشه تر باشد

از ده خدای تعالی **قال لا یزال یسألکم عن الله** **ت** **حسب** در میان مردمی و این
مسند بزرگ و صحیح طبرانی که بر است بر روایت معاذ رضی الله عنه
آخر کلامی که بر آن از رسول صلی الله علیه و آله و سلم جدا کردیم
این بود که گفتیم ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
سوی خدای تعالی فرموده است که بپیر می فرستد که تر باشد

و یاد کن

در این اوقات و فرود آمدن از غایت و گداز خدای تعالی در جبهه فرستاد که از حضرت خداوند تعالی اندک

VI

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

در مجمع طبرستان
در مجمع طبرستان
در مجمع طبرستان

در مجمع طبرستان
در مجمع طبرستان
در مجمع طبرستان

در مجمع طبرستان
در مجمع طبرستان
در مجمع طبرستان

صالح است در میان که در میان کنیزان است ما من قریب
جلیلا و تقریر است و هر یک که الله فیہ الاکامات تقریر است
حقیقت جبار و کان علیهم خیرة یوم القیامة **سورة**
در مجمع طبرستان است و سوره شانی است بروایه ابوهریر
رضی الله عنه که رسول الله علیه و آله فرمود نیت هیچ قریبی که
در مجلس نشیند و از مجلس جدا شوند و در کوفه خدا و قتالی
در مجلس نکویند مگر ایشان جدا شد باشند از خیر و
و آن جاوس و تفریق روز قیامت برایشان خیر و
بود که ذکر کردند و آن قراب صبر و گذشتند تا آن حد
که ذکر الله فیہ الاکامات علیه و آله در سوره شانی است
امام احمد و صحیح ابن حبان است و در شلوغ مثلاً در حدیث
بروایه ابوهریر رضی الله عنه که رسول الله علیه و آله
فرمود و شی نکرده است هیچ یک در راهی که ذکر خدای تعالی
دارد نکرده مگر که آن شعی و علمه ذکر روز قیامت بود
و خیر باشد و نیامده است هیچ یکی سوره خنکاء خود
که ذکر خدای تعالی در آن نکرده مگر که آن خنکاء خود ذکر
بروایه و حدیث بود آن الجلیل ثانی الجلیل یا سجد ای فلان
حق را خداوند ذکر الله فیہ الاکامات نعم استبشر للحدیث

در مجمع طبرستان فی کثیر است بروایه ابن مسعود رضی الله عنه که
رسول الله علیه و آله فرمود بدو سوره که او هر یک را
نماز کند ای فلان هیچ ذکر خدای تعالی بقدر که شسته است پس
چون این کو نیم گویند آن کو خوش شود از جبار جبار است
الذین یراعون الشس و القمر و الاطلة لیکبر الله **سورة**
در مجمع طبرستان است بروایه عبدالله بن ابی ای فی رضی الله
که رسول الله علیه و آله فرمود بدو سوره که او هر یک را
نماز کند ای فلان هیچ ذکر خدای تعالی بقدر که شسته است پس
چون این کو نیم گویند آن کو خوش شود از جبار جبار است
الذین یراعون الشس و القمر و الاطلة لیکبر الله **سورة**
در مجمع طبرستان است بروایه عبدالله بن ابی ای فی رضی الله
که رسول الله علیه و آله فرمود بدو سوره که او هر یک را
نماز کند ای فلان هیچ ذکر خدای تعالی بقدر که شسته است پس
چون این کو نیم گویند آن کو خوش شود از جبار جبار است
الذین یراعون الشس و القمر و الاطلة لیکبر الله **سورة**

در مجمع طبرستان
در مجمع طبرستان
در مجمع طبرستان

در مجمع طبرستان
در مجمع طبرستان
در مجمع طبرستان

در مجمع طبرستان
در مجمع طبرستان
در مجمع طبرستان

در صحیح این بیان و صحیح ستر که عالم است و الله سبحانه
 انخدای تعالی تمام او که نیکی ترند و صفات او که برترند و آن
 صحیح است و تحقیق در بخاری است بر ما که عظمه
 از عیاس و آنکه ترک کند صحیح و تحقیق صحیح و در دعای زیاده
 که در بیان مشغول میشود و آن که تحقیق التذییر بالا لغام
 در کتاب دعاء این سر و دیدست و الله تحقیق کند تفتی با و از
 و آنکه سوسلای الله یا نبی الله در بخاری و سنن ابی داود
 و صحیح ستر که عالم است بر ما که عظمه و الله و سید
 ستر یعنی تقریب کند سوی خدا تعالی به بعضی از او و الله
 من عباد و در بخاری است و سید ستر به مشکات و صحیح
 تحقیق الصوفی در بخاری و مسلم و سنن ابی داود و ترمذی و
 نسائی و ابن ماجه است و فرمودن او از آنکه خدای تعالی فرموده است
 ادعوا لیکم تصدقا و تحقیق یعنی بروردگار خود را بزرگ و بزرگ
 و الا غیره فالدنیا در هر شش کتاب مشهور است و از راهی که بگویند
 زیرا که چون بستره از راه بگشاید کند پس توبه کند خدای تعالی توبه
 قبول کند و اختیار کند عید الصبیح من الله علیه
 فانکم لم یزلوا حاجه فی غیره و در سنن ابی داود و نسائی است و
 آوردن دعاها که صحیح است از بعضی مسلم علیه السلام یعنی در وقت
 خن اشتراک علیه رسول مسلم علیه السلام و مسلم اختیار کند زیاده از حدی

تحقیق

علیه و سلم هیچ حاجتی را سوی غیر خود نگذاشته است و
 جیت را بیان فرموده است و تحقیق بخاری و سنن ابی داود و سید
 داود است و اختیار کردند دعاها که جامع اند و آن بیضا بنفیس و
 آنکه علی بن ابی حمزه و آنکه خواجه المومنین در مسلم است و الله اعلم
 در دعاها که خود و عاقلند برای مادر و پدر خود و برای برادران
 خود که مومنان اند از این بپس و الله عظمه سید است که جیت
 رسول صلی الله علیه و سلم برای کسی عاقلند ابتداء بدان خود
 میفرمود و تحقیق نسائی و الله اعلم که آنکه امام حسن و در
 ابی داود و ترمذی و ابن ماجه است و الله عظمه و تحقیق
 خود را بدعا اگر امام باشد بلکه دعا عام کنیا عظمه و از تحقیق کن
 انحرکت و از جنت گوید از قریبان و تحقیق عظمه سید است که رسول
 صلی الله علیه و سلم فرمود است نکند کسی که خود را غیر مستحق
 دعا کند و اگر خود را محصور گرداند خیانت ایشان کرده باشد
 و آنکه یسأل بغيره در بخاری و مسلم و سنن ابی داود و ترمذی
 و نسائی و ابن ماجه است و الله بخواند از خدای تعالی بجز یعنی
 بگوید انحرکت و اعطی و نکند آن شیت فاعطی از امر و الله
 سید است که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که دعا کند پس گوید یعنی
 و آن بدعا بر علیه و در صحیح این بیان و در صحیح ابی حنبله
 بر ما که عظمه و الله دعا کند بر غیبت و آن که بخیر خود و بر قلب

1875

حَاجَّائِيَّةٌ

۱۰۰

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or date, located at the bottom of the page.

او غیر ذلک نشاء که آن ستر و کعبه و یا بیرون آن است
و لا یحسد لیتاد الملازمة علیه ولا یتکلم فی فیاضه
که ویدی معین در وقتی از شب یا روز یا پس از یا غیر آن بود
و در او با قوت شود و او سیر سو که آن و در یاد و یاد و یاد
اگر ممکن باشد و در قفسای آن سستی نکند و او را بر ملازم
ان عادت شود **اوقات الاحیاء** این بیان اوقات احیاء است
لیله القدر در سبقت ترمذی و نسائی و ابن ماجه
و صحیح مسلم که روایت عایشه که شب قدر قسمی شب
از آن است که قدر و قضا و امور در آن است یا این تسخیر از
قدر از آن است شرفی است و شب قدر و ماه مبارک رمضان است
و اختلاف در تعیین آنست که تصانیف و غیر آن مذکور است و فضل
او مشهور است و **اوقات الاحیاء** در ترمذی است بروایت عروین
شعب روز عرفه یعنی نهم ماه ذی الحجه در حدیث است که خدا
تعالی روز عرفه آن قدر بزرگوار از آنست که کند که هیچ روز
نکند و شهر رمضان در سند بر آنست و ماه مبارک رمضان
و لیله القدر در ترمذی و صحیح مسلم که است بر آن
این عبارت و شب جمعه و یوم الحجه در سبقت ترمذی و نسائی
و در او و نسائی و ابن ماجه و صحیح ابن حبان و صحیح مسلم
ست روز جمعه در حدیث است که روزی بهتر از روز جمعه

و در آن ساعتی است که دعای ستمها بشود و نصف الیله در صحیح
طبرانی کبیر است و نیم شب المثانی در دست امام احمد و
رسول است که نصف ثانی از شب و ثلث الیله اولی در هر دو و ثلث
شمار است و ثلث شب و ثلث الیله آخر در سند امام احمد است و ثلث
شب آخر در حدیث که خدا تعالی ثلث آخر شب میفرماید و ثلث
سرا بخیر اند و احیاء کتب است که از من بخیر میسر است یا بدهم
و بخیر و ثلث در سبقت ترمذی و نسائی و ابن ماجه
نسائی و صحیح مسلم که و صحیح طبرانی کبیر است و سند بر آن
بروایت عروین عهد و میان شب آخر در حدیث است که در روزی
بر رسید ای رسولی خدای در کدام وقت دعا بخواند که در هر دو
آخر شب و وقت الحجه در مواصل است و وقت الحجه خدای تعالی
فرموده است و التمسک فیین بالاسرار و ساعده لجمع الی
و کله و در قضا ما بین آن یحسب الی الامام فی الخطبه الی ان یقصر
الصلوة در مسلم و سبقت ترمذی و نسائی و ابن ماجه و سبقت
جمعه و سبقت ترمذی و نسائی و ابن ماجه است با حیات و وقت ساعت جمعه
بیان نشان امام در خطبه تا اقام نماز است در حدیث است
در جمعه ساعتی است هر که در آن چیزی از خدای تعالی بخیر
او را بدهد و من حیث تقام الصلوة الی السلام منجات
در سبقت ترمذی و ابن ماجه است بروایت عروین و سبقت ترمذی و نسائی

پس

This image shows a single page from the Voynich manuscript, featuring a column of text written in the characteristic Voynich script. The text is arranged in approximately 20 lines, with some lines beginning with a small, dark, circular mark. The script is highly stylized and cursive, with many loops and flourishes. The parchment is aged and slightly discolored.

البربر
منسوب
في
البربر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ایہ احکامات الی جاہ ۱۴

٧١

حرم

المستقرم اي
يعني اليه
والله اعلم

۱۰۰

مَدَنِيَّةٌ

20

وَمَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي سُبُوحٍ مُنِيرٍ
وَمَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي سُبُوحٍ مُنِيرٍ
وَمَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي سُبُوحٍ مُنِيرٍ
وَمَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي سُبُوحٍ مُنِيرٍ
وَمَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي سُبُوحٍ مُنِيرٍ
وَمَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي سُبُوحٍ مُنِيرٍ
وَمَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي سُبُوحٍ مُنِيرٍ
وَمَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي سُبُوحٍ مُنِيرٍ

بدهد فرقیان اجابت و اعطا انیت که اجابت دال
بر شرف و وجاهت دایمی تره مجیب و فصاحت باهم
شامل است بخلاف اعطا دان اسم انیت اللهم انی اسألك باسم
که لغت لا اله الا انت وحدک لا شریک لک المثلثی الثانی
القیام علی السموات و الارض باء المجلالی و الاکرام
یعنی انیت ای بار خدای بدهستی و دایستی من از تو میخواهم
بدین که مراست جمع ستایش جز تو معبود بحق نیست تو
تنهایی مرا شریک نیست تو هر مان بسیار دهنده تو بی
بدا کنی اسما و زین خدای و نه غفلت و کرامت تو
یا قیوم **ح** در چهار ستم و هجده این جا
و ستر که حکم و مستدام احد است که اسم اعظم در اسم
مذکور است ای نون یا نون و اسم الله الاعظم فی عالمین
الایتین و المعکم الله و احده الله یا هو الله و انزل
و فاجبه العزیز الم لا اله الا هو المولی القیوم **ح**
در ستم و هجده و ترمیدی و این ماجه و مصفا و بیکرت
بر عایده اسماء بت یزید رضی الله عنه که رسول صلی الله
وسلم فرمود اسم اعظم درین دو آیه مذکور است حق آیه
اوله انیت و معبود شایان یکی است جز خداوند تعالی
نیست خدای تعالی بیکت جز او معبودی نیست خداوند

تعالی

تعالی

تعالی نزل و یا ست است و اسم الله الاعظم فی ثلاث
سوره البقره و الاحقاف و طه **ح** در هجده ست
بر و آیه ای امامه رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود و اسم الله الاعظم در سه سوره است
در سوره بقره و سوره الاحقاف و سوره طه قال القیاس
قال المستخیر فرج الله ما انزل الله الا هو المولی القیوم قاسم
الله گفته است که من این سه سوره را تفحص کردم یا
قیوم که آن اسم اعظم حق قیوم است که در هر سه سوره
مذکور است در بقره الله لا اله الا هو المولی القیوم و در سوره
طه و عتبت الوجوه المولی القیوم و در کثر العبادت که کعب
الاحبار رضی الله عنه گفت چون عینی علیه السلام خراسانی
که مرده زنده شود و کاند نماز کن از روی و حور و شگفتی
و این اسماء خوار شدی یا حی یا قیوم یا الله یا رحمن یا
قهار و الاکرام یا نور السموات و الارض و یا منیر
و رب العرش العظیم قلت و عیدی الله لا اله الا هو
المولی القیوم جمعا بین الحییتین و لما رویا لابی
انساب الدعاء للواجدی عن یونس بن عبد الله علی و الله
تعالی اعلم مصنف رجید الله کهن و نزد من آن اسم اعظم
انیت الله لا اله الا هو المولی القیوم آن جهت جمع کردن میان

کست

نجمه

الاحقاف الموهب لکماله
قد فی القیوم و در سوره

در حدیث و از حدیثی که روایت کرده ایم در کتابی که
 در حدیثی که از ابن عباس بن عبد الاطالی و الله اعلم و انما یستقیم
 هذا هو ابن عبد الرحمن الشافعی الشافعی صاحب الایامه
 الصغیر فی فقهنا الله عنه و ابن قاسم که مذکور است ابن عبد
 شامی تابعی صاحب الایامه یا علی رضی الله عنه
 و ان شاء الله تعالی الحسنی استمرنا بالزعماء بقا نسف
 و یسعون اشیا من اخصیاج داخل المذنبه
 در جمیع بخاری و مسلم و سنن ترمذی و نسائی و ابن
 ماجه است بروایت ابو هریرة رضی الله عنه که رسول الله
 علیه و سلم فرمود و نامها بخاری و نسائی که حسن است
 الله ما یومر که بدان دعایکم فرود و نه نامها اندر هر که
 یاد دارد در جهشت رود لا یخلفها الحدیث داخل المذنبه
 در بخاری است که رسول الله علیه و سلم فرمود یا دکن
 ابن اسحاق و هیچ یکی مکره در این درجه حق الله الازی لا
 الله الا هو خداوند تعالی آن خداست که جز او هیچ معبود
 بحق نیست الرحمن بخشناش و روزی دهنته الرحمن
 بسیار بخش و مهربان بلکه یاد شاء القدر من پاکین و بدان
 از نقص و حد و ث المسکله خداوند سلامتی از خدا
 و نقص المؤمن تصدیق کنند رسول حق و بدان دهنته

استماع و در حدیثی که
 حقیقتا سبب در حدیثی که
 استماع

یاک

عفی

۷۱

خلق الملقین کما هدارتک العزیز غالب برده و بی مثل لغات
 بزکوار و حکام و دانت آن که کار المصنوع نهی از کواکی
 و بی نیاز از یاری لغات مست کنند الماری افریدگار
 المصنوع صورت کنند العفاله اسر زنده القهار شکسته
 کما بهای بتکان الوهاب بخشنه الرزاق روزی دهنته
 الفتاح کثافته کاهها العظیم دانا بهمه جبر القادر
 شک کنند روزی الباسط فراخ کند روزی الخافض فرو
 اندازند کفار و در جمیع المرافع بر آرد که در جات موش
 در نعیم الملقین عزیز کند مومنان در فیم المذل خوار کند
 کافران المسیح شوا البصیر بینا المصمم حکم کند
 بحق العدل داد دهنته اللطیف مهربان الخیر اکاه
 بهمه جبر الخیر بر باد العظیم بزرگ القهار
 اسر زنده الشکور سپاسوارنده العلی برتر الکبیر بزرگ
 الخفیض کاهدارنده المقتدر توانا و فراخ دهنته الخیر
 بسته کار الخلیل بزکوار الکرم کرم کنند الرقیب نگاه
 الجویب یا صخر دهنته الخاسع فراخ عطا الحکیم در ستار
 و راست گفتار و استوار المردود دست دایم بطیمان
 المجید بنور الباعث بر انکین نه اسوات و فرستنده
 الشهید حاضر بهمه جاد دانا بهمه جبر الخیر سزاوار

آنچه در **البار** **عده** در سخن تمیزی و نسیان
 ساجد و صحیح این حیان و مستند است بروایت اشرف
 عندله رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که از خدای تعالی
 یاد بکشد بخوابد و بیدار شود که یاد او بار خدا یا این را بد
 داند و هر که سه بار از آتش امان ده مرتبه بخواند آن کفار
 لعن الله لم یسأل الله شیئا الا أعطاه **عده** در حدیث
 واسطه است بروایت معاویه بنی اهد عندله که رسول صلی
 الله علیه و سلم فرمود هر که ده بار کند بدین پنج کلمه بخواند
 از خدای تعالی چیزی را بخواهد بدو او را آن چیز کلام
 لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملك وله الحمد
 وهو علی کل شیء قدير لا اله الا الله ولا حول ولا قوة الا
 بالله یومئذ یخفی عن جبر جبر خدای تعالی عزوجل که تنهای شد
 است مراد است که در تائید و تکیه حمله بر آن که معانی
 و قدرت و قوت بر طاعت جز بدست تعالی لغیر الله علی اجابته
 القراء این شروع است در بیان که بر اجابت دعا حاکم و بد
 ما یستقیم لعلکم اذا عرفوا الاجابة من قسده فتنی
 من جن من او قهر من سفیران بقوله **عده** در حدیث
 و کتاب علی الیوم و اللیل این معنی است بروایت عاجز شد
 که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود چون یکه از شما آن

این حدیث در
 این حدیث
 این حدیث

این حدیث در
 این حدیث

شود اجابت را بداند بدین که از حق شیء یا از حق
 رسید او را چه چنان بیان میگرد که گوید **عده** در حدیث
 برینکه و جلاله تتم الصلوات **عده** در حدیث
 که بمرت و بصلوات او تمام شود کارهاییکه از حق یقین
 حساب بخواند و مسأله این بیان آنکه بگویند در یاد
 هر روز و در شب نگاه چشم را الله الذی لا یغیر شیء
 فی الارض و فی السماء و هو الشیخ العظیم ثلث مراتب که
 یضرب بجاه **عده** در حدیث در چهار سخن و صحیح
 این حدیث و مستند است و معنی او بکثرت بروایت عثمان
 رضی الله عنه که سه کار بار در یاد و نگاه دعا
 مذکور گوید معنی اینست ای بنام خدای که زبان نکند بنام
 او هیچ چیزی در زمین و آسمان خداوند تعالی شنوات
 و انا است در حدیث است هر که صباح و مساء هر روز
 مذکور گوید او را نگاه بدارد و در روایت است که او را
 چیزی زبان نکند او را بخوات الله الثابت بنه تیر ما خلق
عده در حدیث واسطه است بروایت ابو هریره که در یاد و
 شبها نگاه دعا مذکور گوید معنی اینست پناه بجوم بکثرت
 خدای تعالی که تمام است از بدی خلق مراد از این کلمات معنی
 و بعضی گویند تمام قرآن است و فی المساء فقط **عده** در حدیث

این حدیث در حدیث

این حدیث در حدیث
 این حدیث در حدیث

این حدیث در حدیث
 این حدیث در حدیث

این حدیث

این حدیث

در سلم و چهار سنان و مهم اوست است بر پایه ابرو چرخ
 که انچه در شب نگاه کنی در شب ثلث مراتب **در**
 مذکور و مستند در این و کتاب به عمل الیوم و الیل این سنی است
 بر وایت معقولین بسیار و حق الله عند که سه بار که بعد از
 یا الله المستعین العظیم من الشیطان الرجیم ثلث مراتب **در**
 در نزدی است و مستند در این است که کلمات مذکور سه بار
 گوید در شب نگاه معنی اینست پناه بگیریم بخدای عز و جل
 که شنواست داناست از شیطان و از الله الذی لا اله الا هو
 الا هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله
 الذی لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن
 المستعین المصور له الاسماء الحسنى
 له ساقی السموات و الارض هو العزيز الحكيم **در**
 در نزدی و مستند در این و کتاب به عمل الیوم و الیل این
 سنی است که این سه آیه آخر سوره حشر بخوانند
 آیات اینست خداوند تعالی بخدای است که معبود بخیر
 او نیست دانست غیب و محسوس است خداوند تعالی رحمن
 و رحیم است خداوند تعالی آن خداست که جز او معبود
 بحق نیست الله بااد شهادت است پاکست خداوند سلامتی است

در این کتاب
 در این کتاب
 در این کتاب
 در این کتاب

ایمان دهند است نگاه بابت غایب است راست آینه کارها
 بر کوار است پاکست سرخدای تعالی را از انچه شرک می آرند
 خداوند تعالی را ست نامها نیک بپای یاد می کنند سرخدای تعالی را
 آنچه در اسمائها و زینتهاست و خداوند تعالی غایب است
 کار است قره هو الله احد ثلث مراتب قره هو الله رب العالمین ثلث
 قره هو الله رب العالمین ثلث مراتب **در**
 داود و تریمکی و سنانی و کتاب به عمل الیوم و الیل این سنی است
 بر وایت عهد الله بن حبیب و خداوند عند که این سه بار که
 بخوانند در حدیث است که رسول صلی الله علیه و سلم عهد
 را فرمود که شب نگاه و یا مناد این را بخوان ترا از هر چیز
 هستند خواهد بود سبحان الله عین تسبیح و عین تسبیح
 و له الحمد فی السموات و الارض و عین تسبیح و عین تسبیح
 یخرج للی من المیت و یخرج المیت من الی و یخرج الی من المیت
 مراتب و کذلک یخرجون **در** در سنن ابوداود و کتاب
 عهد الیوم و الیل این سنی است بر وایت این عباس رضی الله
 که این سه آیه بخوانند در حدیث است که رسول صلی الله
 اصحاب را فرمودند شما را و خبر کنم که خدای تعالی ابراهیم
 علیه السلام را برای جد خلیل تا سید که گفتند خبر کن
 ای رسول خدا فرمود ان جهت الله او هب نگاه و یا مناد

در این کتاب
 در این کتاب
 در این کتاب
 در این کتاب

اول و صد
 صلوات الله
 و الشرب

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content, written in a cursive style.

[illegible]

و از بدانی که پرماتم

في السماء والارض

فَكَوْنِي إِلَى نَبِيٍّ طَرَفَهُ عَيْنِي **مِنْ حُجْرَةٍ** دُوسْتَنَافَتِ
 كَدَعَا، مَكْدُورَ بَاعَدَا وَشَبَابَا، خَوَادْزِهِم دُوسْتَنَافَتِ
 دُرُوحِجِ سَتَدُوكَ وَدَسْتَنَافَتِ بَرَوَايَتِ افسر وَفِي اَعْلَا
 لَدِه وَبَاعَدَا خَوَادْزِهِم دَعَا اَيْشَتِ اَزِ نَذَا اِي يَاسْتَنَبَرِ
 تَرُو يَادِ دُوسِي خَوَادْزِهِم دَرِ كَاوَرِهَا اِي شَتِ اَرَسَرِ نَسْتَنَبَرِ
 جِسْمِ زَدِي سَبَادِ اَللّٰه اَنْتَ نَبِيُّ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَلَقْتَنِي وَ
 عَزَبْتَنِي وَ اَنَا عَقِي عَزَبْتَنِي وَوَعَدْتَنِي اَنْتَ اَلَا اَنْتَ خَلَقْتَنِي وَ
 عَزَبْتَنِي اَبُو يَدِي نَبِيٌّ اَمَّا عَزَبْتَنِي اَنْتَ لَآ يَغْيُرُ اَلْفَنِي اَلَا اَنْتَ اَعُوذُ بِكَ
 مِنْ شَرِّهَا وَدَعَا **دُرُوحِجِ** دُوسْتَنَافَتِ نَسْتَنَبَرِ اِي شَتِ
 بِنِ اِيَسَرِ رَفِي اَللّٰه عَزَبْتَنِي كَدَعَا مَكْدُورَ خَوَادْزِهِم دَعَا اَيْشَتِ
 اِي يَاسْتَنَبَرِ اِي نَبِيٍّ يَرُو دَرِ كَاوَرِ سَجَرِ عَزَبْتَنِي نَسْتَنَبَرِ اِي شَتِ
 اَفَرِي دِي وَفِي نَذَا قَوْمِ وَفِي دَرِ عَزَبْتَنِي تُو كَدِ رُوزِ شَتَا اِي يَرُو
 بَرُو دَرِ تُو كَدِ بَشْتِ وَنَشُورِ وَتَوَابِ وَعَقَابَتِ اسْتَطَاعَتِ نَذَا
 اَتَرِ اِي سَكَمِ بَغْتِ تُو كَدِ بَرَسْتِ وَافَرِ اِي سَكَمِ بَكَا، خَوَادْزِهِم
 بِيَا سَرِ نَبِيٍّ كَاوَرِهَا اِي شَتِ نَسْتَنَبَرِ اِي شَتِ اَرَسَرِ نَسْتَنَبَرِ
 بِنَاوَزِ دِي كَرِ دَرِ اَللّٰه اَنْتَ نَبِيُّ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَلَقْتَنِي وَ
 عَزَبْتَنِي وَ اَنَا عَقِي عَزَبْتَنِي وَوَعَدْتَنِي اَنْتَ اَلَا اَنْتَ خَلَقْتَنِي وَ
 عَزَبْتَنِي اَبُو يَدِي نَبِيٌّ اَمَّا عَزَبْتَنِي اَنْتَ لَآ يَغْيُرُ اَلْفَنِي اَلَا اَنْتَ اَعُوذُ بِكَ
 مِنْ شَرِّهَا وَدَعَا **دُرُوحِجِ** دُوسْتَنَافَتِ نَسْتَنَبَرِ اِي شَتِ
 بِنِ اِيَسَرِ رَفِي اَللّٰه عَزَبْتَنِي كَدَعَا مَكْدُورَ خَوَادْزِهِم دَعَا اَيْشَتِ

اری صاحبک و دوست الامان و امانت
 و از این جمیع صاحبان این امر و حکمت و شرف
 بانه انوار و ابرو عیسی و شرف او و جلال
 بجز انوار و ابرو عیسی و شرف او و جلال
 با وجود این که صاحب الامر بر او بیست و
 فاطمه و زینب و ابرو عیسی و شرف او و جلال
 به کمال بلبان حکمت و امانت و دوست
 و انوار و ابرو عیسی و شرف او و جلال

31

[illegible]

این نام که در این کتاب است
در این کتاب است و در این کتاب
در این کتاب است و در این کتاب
در این کتاب است و در این کتاب

در مسلم و ترمذی و سنن نسائی و صحیح ابن حبان
 است بر پایه سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه که رسول خدا
 الله علیه وسلم فرمود عیض شد یکی از ایشان بر آنکه هر روز
 هزار نیکو کند و آن نیکو که سبحان الله صد بار و
 پس برای او هزار نیکو بنویسند یا هزار بدی از او فریاد کنند
 روایت غیر مسلم و بی حد است معنی اینست که هزار نیکو برای
 او بنویسند و هزار بدی از او فریاد نکنند و نیکو اگر از این
 الغیب اللهم هذا قباله نیکو و آن باد نیکو و اصل
 دعا که ما غفر لی **در سنن ابوداود و ترمذی**
 صحیح است که است بر پایه ام سلمه رضی الله عنها که نزد خدا
 مغرب دعا میکرد و این دعا اینست ای خدا یا خدای
 این وقت و وقت بعد از آمدن شب و وقت پشت دادن رو
 قست هاین و آن دعاها اعیان قست پس بر پایه ام سلمه
 فی اللیل این بیان چیزی است که شب بچهار آیه از رسول
 بنی و اینها البقرة در اصول است بر پایه ابن مسعود
 از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خوانند قل هو الله احد
 در بخاری و مسلم و سنن نسائی است بر پایه ابن مسعود
 رضی الله عنه و نقله الله احد خوانند و قرآن را نند آید
 در صحیح مسلم که است بر پایه ابن عمر رضی الله عنهما

در سنن ابوداود و ترمذی و سنن نسائی و صحیح ابن حبان
 است بر پایه سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه که رسول خدا
 الله علیه وسلم فرمود عیض شد یکی از ایشان بر آنکه هر روز
 هزار نیکو کند و آن نیکو که سبحان الله صد بار و
 پس برای او هزار نیکو بنویسند یا هزار بدی از او فریاد کنند
 روایت غیر مسلم و بی حد است معنی اینست که هزار نیکو برای
 او بنویسند و هزار بدی از او فریاد نکنند و نیکو اگر از این
 الغیب اللهم هذا قباله نیکو و آن باد نیکو و اصل
 دعا که ما غفر لی

در سنن ابوداود و ترمذی و سنن نسائی و صحیح ابن حبان
 است بر پایه سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه که رسول خدا
 الله علیه وسلم فرمود عیض شد یکی از ایشان بر آنکه هر روز
 هزار نیکو کند و آن نیکو که سبحان الله صد بار و
 پس برای او هزار نیکو بنویسند یا هزار بدی از او فریاد کنند
 روایت غیر مسلم و بی حد است معنی اینست که هزار نیکو برای
 او بنویسند و هزار بدی از او فریاد نکنند و نیکو اگر از این
 الغیب اللهم هذا قباله نیکو و آن باد نیکو و اصل
 دعا که ما غفر لی

و ده آیه قرآن خوانند و قرآن عیض آیت این است و اول
 البقرة و آیه الكرسي و آیتین بکها و خوانند **در**
 در کتاب دعا این مردویه و معجم کبری است و ده آیه آخر
 چهار آیت از آن سورة یقین و آیه الكرسي و دو آیه
 بعد از آیه الكرسي است و ده آیت آخر سورة بقره و قرآن
در صحیح ابن حبان است بر پایه جندب رضی الله عنه
 و سوره یس خوانند یا یقین فی اللیل و النهار جمیعاً این بیان
 چیزی است که در شب و روز خوانند **سید لا یتقار**
 اللهم انت قیوم لا اله الا انت خلقتی و انا عبدک و انا
 عبدک و و هدیک ما شئت لغت اعودیک من شر ما صنعت
 اونی کل یتقیک علی و اونی و یقین ما غفر لی یا نه لا یغفر
 الذ ذریب الا انت من قاضی الامور و فیها قاتلهم
 من اهل الجنة و من قاضی بین الیل و هو موثق بها قاتلهم
 من الجنة **در بخاری و سنن نسائی** است بر پایه شاذان
 بن اوس رضی الله عنه که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود
 سید استغفار و عامد کورست هر که این کلمات را در وقت
 از روز یا یقین خواند و در آن روز پشیمرد از اهل بهشت
 بود معنی این دعا کشت من قال لا اله الا الله یا الله یا الله یا الله
 لا اله الا الله وحده لا شریک له لا اله الا الله لا اله الا الله

خوانند

بیان جزئی است که در این
روز خوانند

بیان حد
لا یتقار

و هر که این کلمات را در وقت شب
یا یقین خواند و در آن شب بخوابد
از اهل بهشت بود

واما في قوله تعالى
 واما في قوله تعالى
 واما في قوله تعالى
 واما في قوله تعالى

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, mentioning "الحمد لله" (Praise be to God) and "والصلاة والسلام على من لا نبي بعده" (And peace and blessings be upon the one after whom no prophet comes).

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

بیان ذکر میت
نزد خواب کوثر ۱۲

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

بمقتضى ما ذكره من ان
ما ذكره من ان ما ذكره من ان
ما ذكره من ان ما ذكره من ان

ما تخطه الربا اشبه في كسبه ما
موسول به و ما بها ما كان
حماها لان الله تعالى ما يخطه عباده
الساكنين من المعاصي و منه ان لا يهوا
به فاعلمه و عباده بنو نوحه

[illegible][illegible]

بروایت ابراهیم رضی الله عنه که بعد از دعا مذکور خواند
 معنی دعا اینست بنام خدای عز و جل بهلولی خود را نهادم
 ای بار خدای بیامر مرا که هان من و شیطان مرا بران من
 کن و مرا بجا کن و من را از سر گذار و مرا در اهل جملت
 اللهم فی عذابک فخر و فی سعادتک نصیب و در سعاد
 و مصیبت ابوبکر است بروایت اشوری که در حدیث آمده که دعا مذکور
 گویند معنی دعا اینست که ای بار خدای تکه دار من از عذاب
 روزی که مرا از کفری بندگان خود را تکه کن **در سنن ابی داود و ترمذی است**
 در سنن ابی داود و ترمذی و معنی اینست بروایت جلیل
 رضی الله عنه که دعا مذکور سه بار گویند یا مونس و فی قلوب
 کبریا و در دست امام احمد است بروایت ابن عمر رضی الله
 عنه که دعا مذکور خوانند معنی اینست بنام خدای عز و جل
 بهلولی خود را نهادم پس بیامر مرا که هان من و شیطان
 جنتی فاعین لی **در مصنف ابوبکر است** که دعا مذکور
 معنی هاست که گفت اللهم یا سیکسوف و انجی **در سنن ابی داود و ترمذی و**
 نسائی و حجاج این حدیث است بروایت سعید بن مسعود رضی الله
 عنه که دعا مذکور خوانند معنی دعا اینست ای بار خدای
 بنام قرییم و زنده میشوم یعنی خواب میکنم و بیدار

در سنن ابی داود و ترمذی و معنی اینست بروایت جلیل
 رضی الله عنه که دعا مذکور سه بار گویند یا مونس و فی قلوب
 کبریا و در دست امام احمد است بروایت ابن عمر رضی الله
 عنه که دعا مذکور خوانند معنی اینست بنام خدای عز و جل
 بهلولی خود را نهادم پس بیامر مرا که هان من و شیطان
 جنتی فاعین لی **در مصنف ابوبکر است** که دعا مذکور
 معنی هاست که گفت اللهم یا سیکسوف و انجی **در سنن ابی داود و ترمذی و**
 نسائی و حجاج این حدیث است بروایت سعید بن مسعود رضی الله
 عنه که دعا مذکور خوانند معنی دعا اینست ای بار خدای
 بنام قرییم و زنده میشوم یعنی خواب میکنم و بیدار

سبحان الله ثلاث و ثلاثین الحمد لله ثلاثا و ثلاثین الله اعلم
 اربعاً و ثلاثین **در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و ابن حبان است**
 سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و ابن حبان است بروایت
 علی و ابن عمر رضی الله عنهما که معنی سه سبحان الله گویند
 معنی سه بار الحمد لله گویند معنی چهار بار الله اعلم گویند
 و معنی کثیر هم یعنی چهار بار قل هو الله احد
 و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس است
 یا سحر یا سحر یا سحر یا سحر یا سحر یا سحر یا سحر یا سحر یا سحر یا سحر
 و وجهه و ما اتی من بعد یسجد یعنی در هر یک از این
 الله عز و جل چون رسول صلی الله علیه و سلم بر فراش
 آمدی دو کف دست خود را جمع کرد و صورت اخلاص
 نمود یعنی خواب کرد و در هر دو کف دست دید که بر سر
 و روی و بر جسد پیشین خود ما لیدی همین سه
 کرات میکردی و یقیناً آیه الکرسی **در بخاری و**
 و سنن نسائی و مصنف ابوبکر است بروایت ابی هریر
 و علی رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه و سلم
 آیه الکرسی خواندی الحمد لله الذی اطمینا و
 رکعنا و اوقانا فکرم بیننا لا اله الا هو

در سنن ابی داود و ترمذی و معنی اینست بروایت جلیل
 رضی الله عنه که دعا مذکور سه بار گویند یا مونس و فی قلوب
 کبریا و در دست امام احمد است بروایت ابن عمر رضی الله
 عنه که دعا مذکور خوانند معنی اینست بنام خدای عز و جل
 بهلولی خود را نهادم پس بیامر مرا که هان من و شیطان
 جنتی فاعین لی **در مصنف ابوبکر است** که دعا مذکور
 معنی هاست که گفت اللهم یا سیکسوف و انجی **در سنن ابی داود و ترمذی و**
 نسائی و حجاج این حدیث است بروایت سعید بن مسعود رضی الله
 عنه که دعا مذکور خوانند معنی دعا اینست ای بار خدای
 بنام قرییم و زنده میشوم یعنی خواب میکنم و بیدار

در سنن ابی داود و ترمذی و معنی اینست بروایت جلیل
 رضی الله عنه که دعا مذکور سه بار گویند یا مونس و فی قلوب
 کبریا و در دست امام احمد است بروایت ابن عمر رضی الله
 عنه که دعا مذکور خوانند معنی اینست بنام خدای عز و جل
 بهلولی خود را نهادم پس بیامر مرا که هان من و شیطان
 جنتی فاعین لی **در مصنف ابوبکر است** که دعا مذکور
 معنی هاست که گفت اللهم یا سیکسوف و انجی **در سنن ابی داود و ترمذی و**
 نسائی و حجاج این حدیث است بروایت سعید بن مسعود رضی الله
 عنه که دعا مذکور خوانند معنی دعا اینست ای بار خدای
 بنام قرییم و زنده میشوم یعنی خواب میکنم و بیدار

در سنن ابی داود و ترمذی و معنی اینست بروایت جلیل
 رضی الله عنه که دعا مذکور سه بار گویند یا مونس و فی قلوب
 کبریا و در دست امام احمد است بروایت ابن عمر رضی الله
 عنه که دعا مذکور خوانند معنی اینست بنام خدای عز و جل
 بهلولی خود را نهادم پس بیامر مرا که هان من و شیطان
 جنتی فاعین لی **در مصنف ابوبکر است** که دعا مذکور
 معنی هاست که گفت اللهم یا سیکسوف و انجی **در سنن ابی داود و ترمذی و**
 نسائی و حجاج این حدیث است بروایت سعید بن مسعود رضی الله
 عنه که دعا مذکور خوانند معنی دعا اینست ای بار خدای
 بنام قرییم و زنده میشوم یعنی خواب میکنم و بیدار

أَن يَزِيدَ وَيَقُولُوا إِنَّمَا فِيهِ آيَاتٌ خَيْرٌ مِّمَّا لَكَ آيَاتٌ
وَقَدْ دَرَسْنَا إِلَى آدَامَ وَتِلْكَ ذِي وَفَاءٍ است
 بروایت عربی این روایتی است که پیغمبر صلی الله علیه و سلم
 پس از خواب سوره ناسی که ابتدای آن بتسبیح است
 بخواند و میفرمود درین سورتها است که آنرا بهتر
 از هزار آیه و هفت لفظ و ثلثین و نصف و ثلثین
 و الثمانین و الاغنی **در کتاب دعا** این مردویه
 و سوره ناسی است بروایت معاویه بن صفیه رضی الله
 عنه که سورتها را مذکور سوره جود و حشر و صف
 و جمعه و تقابین و اعلی است و حقیرا الم التمجید
 و المله **در کتاب دعا** این مردویه است و ترجمه
 و صحیح است که در مصنف ابو یوسف است بروایت جابر رضی
 الله عنه که پیغمبر صلی الله علیه و سلم خواب تسبیح
 تا که الم سبح و سوره ملک میخواند و حقیرا بغیا
 استماعک و الزممت **در کتاب دعا** و ناسی
 و صحیح است که است بروایت جابر رضی الله عنه که
 پیغمبر صلی الله علیه و سلم میفرمود که اگر کسی بگوید یا ایا
 ان یقرأ الایات الثلاث الاخر من صوره البقرة صحیح
 در کتاب دعا این مردویه است بروایت علی رضی الله عنه

در کتاب دعا این مردویه است
 در کتاب دعا این مردویه است

آمین

که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود نسیانم هیچ عاقلی
 که خواب کند بیشتر از آنکه سه آیه آخر سوره بقره خواب
 یعنی از یوسف فی السجون تا آخر این حدیث صحیح است
 و آنکه آنست چنانکه علی بن ابراهیم و قرأت فاتحه الكتاب و
 قل هو الله احد ثم اذنت من كل شیء الا الموت در
 مستند است بروایت انس رضی الله عنه که رسول
 صلی الله علیه و سلم فرمود چون ببلوی خود را بر
 نهادی و فاتحه اخلاص خواندی پس بدرستی که
 از هر چیزی ایمن شدی جز مرکب تا من بجل یاوی
 ان قرأ الله فیراه سورة من کتاب الله الا ان الله
 الیه ملکنا یحفظه من كل شیء یؤذیه حتی
 یغیب عن نوره حتی یهب و در مستند امام احمد است بود
 شد در روایتی که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
 هیچ مردی بر بستر خود بیاورد پس سورتی از قرآن
 خواند مگر که فرستد خدای تعالی فرشته را که او را
 نگاه دارد از هر چیزی که او را بیان مرد تاهر و حق که
 از خواب بیدار کرد داد ان الرجل الی ذلک ان الله
 ملک و شیطان یقول الملك اخرج عنی و یقول
 الشیطان اخرجت بستر فان ذکر الله ثم نام بات الملك

در کتاب دعا این مردویه است

در کتاب دعا این مردویه است

تعلیم در بخاری است یا گوید از دست خود استاده
 کرده پس نماز گذارد هر که خوابید بیدار او را
 باید میان این همه دعا یا توجع کند و اگر کسی را
 از جپای نیت زنده آورد با الله تا آخر گوید و از بهلو
 بگردد و بخیزد و در رکعت نماز گذارد و اگر از او
 وحید و حشده او را قریب بلیقلا عود یسکلات الله
 انکانت من نفسیه و عقیاده و شریعه و غیره
 الشیاطین و ان یحیی و یتو در سدا مام احمد است
 با یحیی بروایت و لیدین و لید که چون بترسد یا
 وحشی بیاید یا بخوابد کرد پس گوید عود بکلات
 تا آخر گوید در دعای انت چون و لید یعنی الله عده بقی
 رسول صلی الله علیه وسلم شکایت و حشده شب
 کرد او را فرمود این دعا بخواند معنی اینست پناه
 میجویم بکلمات خدای تعالی که تمام اند یعنی پناه
 میجویم با سماء و صفات خداوند تعالی از خشم و
 عقاب او جل و علا و از شر بندگانه او جل و علا
 و از وسوسهای شیاطین و ازین که ایشان نرفته
 من شریک و کان عبد الله بن عمر یلقنها من عقیله
 من عقیله من اولاد و منهم یمنل کتبها فی صلوات

اذا فرغ او و جرد حشده
 اوراق
 در بخاری است یا گوید
 از دست خود استاده
 کرده پس نماز گذارد
 هر که خوابید بیدار او را
 باید میان این همه دعا یا توجع کند
 و اگر کسی را از جپای نیت زنده آورد
 با الله تا آخر گوید و از بهلو بگردد
 و بخیزد و در رکعت نماز گذارد
 و اگر از او وحید و حشده او را قریب
 بلیقلا عود یسکلات الله انکانت
 من نفسیه و عقیاده و شریعه و غیره
 الشیاطین و ان یحیی و یتو در سدا مام
 احمد است با یحیی بروایت و لیدین
 و لید که چون بترسد یا وحشی بیاید
 یا بخوابد کرد پس گوید عود بکلات
 تا آخر گوید در دعای انت چون و لید
 یعنی الله عده بقی رسول صلی الله
 علیه وسلم شکایت و حشده شب کرد
 او را فرمود این دعا بخواند معنی اینست
 پناه میجویم بکلمات خدای تعالی که
 تمام اند یعنی پناه میجویم با سماء
 و صفات خداوند تعالی از خشم و
 عقاب او جل و علا و از شر بندگانه
 او جل و علا و از وسوسهای شیاطین
 و ازین که ایشان نرفته من شریک و
 کان عبد الله بن عمر یلقنها من عقیله
 من عقیله من اولاد و منهم یمنل کتبها
 فی صلوات

عاقبتی عقیقه در دست او رسد و در سدا مام احمد است
 و نسائی و صحیح ستور که است بروایت عمرو بن شعیب
 که عبد الله بن عمر رضی الله عنهما فرمودند ان عاقبتی
 این کلمات مذکور می آموخت و بر کاغذ بنشته و گردن فرزند
 خود را با قلابی او بخت اعز بکلمات الله التامه
 لا یجوز من بر ولا فاجر من شین ما یذکر من الاله
 و ما یصح فیها شین کاذب و فی الارض و ما یصح فیها
 و من شین یقی الله فی النور و من شین طوارق اللیل
 و النهار الا طارقا یطرق یحیی یا محمد و معجم کبریا
 بر دایست خالک من ه لید و رضی الله عنه شکایت ترسد و بخواب
 کرد رسول صلی الله علیه وسلم دعا مذکور که انجبین
 علیه السلام شنیده بود او را سوخت معنی دعا اینست
 پناه میجویم بکلمات خدای تعالی که تمام اند آنکه نکرده اند
 نیوکار و بر کردار از بدی آنچه فرمود آید از آسمان و از بدی
 آنچه بالا رود در آسمان و از بدی آنچه خدای تعالی فرمود
 در زمین و از بدی آنچه از زمین بیرون آید و از بدی آنچه
 روز و از بدی آنچه در آسمان شب و روز مگردانند که در
 بخاری و رخص و فی الاثر این شده در بیان دفع این

در بخاری است یا گوید
 از دست خود استاده
 کرده پس نماز گذارد
 هر که خوابید بیدار او را
 باید میان این همه دعا یا توجع کند
 و اگر کسی را از جپای نیت زنده آورد
 با الله تا آخر گوید و از بهلو بگردد
 و بخیزد و در رکعت نماز گذارد
 و اگر از او وحید و حشده او را قریب
 بلیقلا عود یسکلات الله انکانت
 من نفسیه و عقیاده و شریعه و غیره
 الشیاطین و ان یحیی و یتو در سدا مام
 احمد است با یحیی بروایت و لیدین
 و لید که چون بترسد یا وحشی بیاید
 یا بخوابد کرد پس گوید عود بکلات
 تا آخر گوید در دعای انت چون و لید
 یعنی الله عده بقی رسول صلی الله
 علیه وسلم شکایت و حشده شب کرد
 او را فرمود این دعا بخواند معنی اینست
 پناه میجویم بکلمات خدای تعالی که
 تمام اند یعنی پناه میجویم با سماء
 و صفات خداوند تعالی از خشم و
 عقاب او جل و علا و از شر بندگانه
 او جل و علا و از وسوسهای شیاطین
 و ازین که ایشان نرفته من شریک و
 کان عبد الله بن عمر یلقنها من عقیله
 من عقیله من اولاد و منهم یمنل کتبها
 فی صلوات

شب و فضای

و اولاد

صلات منکون کوی محفوظ کرد آن چه چینی که آن
 و او هیچ گاهی در شب آن شب در میان و اقامت
 اللیل عزیز است ثم عاد الله فلیقضه یصنعه ازار
 ثلاث مراتب فانه لا یخیر ما خلعه علیه فاما الضحی
 فلیقبل باجمک اللهم وضعت جنبی و کما رفعت
 اذ اکت نفی فاحسها ان ردتها فاحفظها بها
 تحفظ به احد این عبادک الصالحین درستی
 تریدی و در کتاب علی الیوم واللیل این است
 او هر چه رخصی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
 فرمود چون کسی در شب از فراش خود بختی برسد
 آن باز نکرد که فرارش بکنار آن از خود ببرد
 پیشانی در آن که او نهد آنکه بر خاستن او چندان
 بران فراش این است پس چون که بطلد یا سکا اللهم
 تا آخر کوی صفتی نیست بنام تو ای بار خدای بهلولی خود
 فها دم و یام تو بهلولی را بر دلم اگر روح ملبدا ری
 پس بر و رحمتی آن باز کردانی پس او را نگاه دار
 بر آنچه نگاهداری بنده کن صلح خود را و ادا قام
 لیحید فان دخلت لک فلیقبل لیسر الله اعوذ بها
مصری و مصنف ابو بکر است و در کتاب علی الیوم و

این دعا را در شب بخواند
 و اگر در روز بخواند
 نیز سودمند است
 و در کتاب علی الیوم
 و در کتاب علی الیوم
 و در کتاب علی الیوم

اللیلات بر او یزید عینی رخصی الله عنه که چون کسی استاده
 تا نماز بجهت کسی بی اگر در آب خانه رود و بسم الله می
 در میان که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود است بسم الله
 برده است میان عورت امت من و میان چشم شیاطین
 اللهم این عود یک من الحبیة و الحبیة کذا صولت
 و مصنف ابو بکر است بروایت انس بن مالک رضی الله عنه که
 رسول صلی الله علیه وسلم در خوف آب خانه اللهم تا آخر میفرمود
 منی ایست ای بار خدای منی پناه میجویم از مردمان و زن
 شیاطین استغاثت در خطا از نیست که خدا بجای حضور
 شیاطین است و از اخرج غفرانک **مصری** در صبح این دعا
 و جهان من و مصنف ابو بکر است بروایت عایشه رضی الله
 عنها که رسول صلی الله علیه وسلم از آب خانه بیرون شد
 غفرانک فرمود یعنی امر دشمن تو میخواهم الحمد لله الذي
 اذهب عني الادي و عافني **مصری** در صبح نمازی
 و کتاب علی الیوم واللیل این است بروایت ابو ذر
 رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم از آب
 بیرون می شدند الحمد لله تا آخر میفرمود و در
 ابو بکر موقوف است بروایت حدیقه رضی الله عنه
 اینست جمیع شتایش هر حدی که ال من آثار پر و وما

این دعا را در شب بخواند
 و اگر در روز بخواند
 نیز سودمند است
 و در کتاب علی الیوم
 و در کتاب علی الیوم
 و در کتاب علی الیوم

منسوب به منی علم این دعا را
 آن که در آن دعا
 و در کتاب علی الیوم
 و در کتاب علی الیوم
 و در کتاب علی الیوم

وَأَذَانُهَا

وَأَذَانُهَا فَلْيَسْمِ اللَّهَ **حَدَّثَنَا** دُرَيْسُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ
 تَمَذُّي وَابْنُ مَاجَةَ اسْتَبْرَأَ ابْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 لَهُ جَوْنٌ خُذَ هَذِهِ وَضَعْتُ سَارِدَ كَمَا جِئْتُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ
 كَرِيمًا ثُمَّ قِيلَ اللَّهُمَّ اِنْفِقْ عَلَى دِينِي وَدِينِي فِي دَارِي
 وَبَاوُكُنِّي فِي دَارِي **حَدَّثَنَا** دُرَيْسُ بْنُ إِدْرِيسَ وَكَتَابُ عَلِيِّ بْنِ
 وَابْنِ أَبِي شَيْبَةَ اسْتَبْرَأَ ابْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَمَا جِئْتُ
 دَعَا بَدَّ كُنْ خَوَانِدَ سَقَا يَفْتِي ابْنُ أَبِي حَزَائِمٍ كِتَابُ سَيَاسَةِ
 وَخَالِدُ بْنُ فَرَّاحٍ كَرِهَ ابْنُ وَرْقَانَ مِنْ بَرَكَةِ كَرِهَ وَأَذَانُهَا
 الْوَضُوءُ وَفَعْلُهُ إِلَى الْمَسَاءِ **حَدَّثَنَا** دُرَيْسُ بْنُ إِدْرِيسَ
 وَنَسَائِي اسْتَبْرَأَ ابْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ جِئْتُ خُذَ
 سَوِيَّ أَسَانٍ بَرَدَارِدَ وَفَعْلُهُ اسْتَبْرَأَ ابْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ
 عَنْهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
حَدَّثَنَا دُرَيْسُ بْنُ إِدْرِيسَ وَنَسَائِي اسْتَبْرَأَ ابْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 ابْنُ مَاجَةَ وَصَفَّ ابْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ وَكَتَابُ عَلِيِّ بْنِ
 سَقَاتِ اسْتَبْرَأَ ابْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَمَا جِئْتُ مَكُونُ كَرِيمٍ
 قَوْلُ بَدِيحٍ شَهَادَتُ بَعْدَ وَضْعِ أَشَارَتِهِ بِرَأْسِهِ عَلَى
 وَطَهَارَتِ قَلْبِهِ أَنْ شَرَكُهُ وَرَبِّيَا بَعْدَ طَهَارَةِ أَعْضَائِهِ أَنْ
 حَدَّثَ وَخَبَرَ وَبَحْثَ وَبَحْثَ اسْتَبْرَأَ ابْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَا أَكْرَمَ بَرَاءً أَوْ هَتَّ دَرَجَتُهُ كُنَّا

وَأَذَانُهَا

وَأَسْ

كَلَّمَ

خِاضِعٌ

كَلَّمَ دُرَيْسُ بْنُ إِدْرِيسَ وَابْنُ مَاجَةَ اسْتَبْرَأَ ابْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 ابْنُ مَاجَةَ وَصَفَّ ابْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ وَكَتَابُ عَلِيِّ بْنِ
 سَقَاتِ اسْتَبْرَأَ ابْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَمَا جِئْتُ مَكُونُ كَرِيمٍ
 قَوْلُ بَدِيحٍ شَهَادَتُ بَعْدَ وَضْعِ أَشَارَتِهِ بِرَأْسِهِ عَلَى
 وَطَهَارَتِ قَلْبِهِ أَنْ شَرَكُهُ وَرَبِّيَا بَعْدَ طَهَارَةِ أَعْضَائِهِ أَنْ
 حَدَّثَ وَخَبَرَ وَبَحْثَ وَبَحْثَ اسْتَبْرَأَ ابْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَا أَكْرَمَ بَرَاءً أَوْ هَتَّ دَرَجَتُهُ كُنَّا
 ابْنُ مَاجَةَ وَصَفَّ ابْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ وَكَتَابُ عَلِيِّ بْنِ
 سَقَاتِ اسْتَبْرَأَ ابْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَمَا جِئْتُ مَكُونُ كَرِيمٍ
 قَوْلُ بَدِيحٍ شَهَادَتُ بَعْدَ وَضْعِ أَشَارَتِهِ بِرَأْسِهِ عَلَى
 وَطَهَارَتِ قَلْبِهِ أَنْ شَرَكُهُ وَرَبِّيَا بَعْدَ طَهَارَةِ أَعْضَائِهِ أَنْ
 حَدَّثَ وَخَبَرَ وَبَحْثَ وَبَحْثَ اسْتَبْرَأَ ابْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَا أَكْرَمَ بَرَاءً أَوْ هَتَّ دَرَجَتُهُ كُنَّا
 ابْنُ مَاجَةَ وَصَفَّ ابْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ وَكَتَابُ عَلِيِّ بْنِ
 سَقَاتِ اسْتَبْرَأَ ابْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَمَا جِئْتُ مَكُونُ كَرِيمٍ
 قَوْلُ بَدِيحٍ شَهَادَتُ بَعْدَ وَضْعِ أَشَارَتِهِ بِرَأْسِهِ عَلَى
 وَطَهَارَتِ قَلْبِهِ أَنْ شَرَكُهُ وَرَبِّيَا بَعْدَ طَهَارَةِ أَعْضَائِهِ أَنْ
 حَدَّثَ وَخَبَرَ وَبَحْثَ وَبَحْثَ اسْتَبْرَأَ ابْنُ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَا أَكْرَمَ بَرَاءً أَوْ هَتَّ دَرَجَتُهُ كُنَّا

أَلَهُ

نَبِيَّهُ

الْمُحْتَضِرُ

ابن بیان تعهدات افضل الصلوة بعد المكتوبة الصلوة
 في جوف الليل **ح** در روایت بردایت ابو حمزه رضي الله
 عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بهترين نماز بعد
 نماز فریضه نماز در میان شب است زیرا که آن نماز از میان خود
 و معیبا خلاص و حضور است افضل الصلوة صلوة
 اللیل **ق** بیست و الکتابه در بخاری و مسلم است بر روایت
 زید بن ثابت رضي الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
 فرمود بهترين نماز نماز مردم در خانه است جز نماز فریضه
 صلوة اللیل **م** و التها و شتی شتی او در بخاری و مسلم
 بر روایت ابن عمر رضي الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
 فرمود نماز شب دو کانه دو کانه و در میان امام احمد است
 بر روایت ابن عمر رضي الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
 نماز شب و روز دو کانه دو کانه یعنی فاضل و رافع
 دو کانه دو کانه در دو رکعت سلام گوید و کافراً اذا
 قال من اللیل یحید قال اللهم کذلک لیس انتم هم
 السموات والارض فمن یحید و کذلک لیس انتم هم السموات
 والارض فمن یحید و کذلک انتم لیس السموات والارض

[illegible][illegible]

و سوی تو باز گشتم و بجهت تو خصومت با ختم کردم و کار خود
سوی تو برداشتم و ترا حاکم کردم تا میان من حکم کنی تو ای پسر
ما و سوی تو باز گشتم ما پس که با تو مقیم و مشغول و کارمان
پنهان داشتیم و از این بیاوردی بی چشمتان و پس گفتند لوی
خلاک جبهه من چو تو میبودی حق نیست و لا حول و لا قوة
الا بالله در اصول است این که زیاد تر بر عا م مذکور
سبح الله رب العالمین الحمد لله رب العالمین سبحان الله
رب العالمین در سنن ترمذی بروایت ربیع بن کعب
است که کلام مذکور زیاد است معنی اینست قبول کرد خدای تعالی
حکم کنی که او را ستود سبحان الله و بحمد در سنن ابی
داود و نسائی بروایت ربیع بن کعب رضی الله عنه که
مذکور زیاد است و بعد از آنکه الا چنین من التوب و نظر الی
السما و تعالی ان فی خلق السموات و الارض و الخلق
اللیلی و النهار لا یات الا بآیات الا ان الالباب المغیرة لا یجوز
بنی البرهان حتی یختمها ثم قام فوصا ان یسکن فکس
اخذ عشره رکعت ثم اذن بلال فکس رکعتین ثم
خرج فکس الفجر و در بخاری و مسلم و سنن
ابی داود و نسائی و ابن ماجه است بروایت ابن عباس

الحسن

و فی بعض

در ثلث آخر

و فی الله عما که رسول صلی الله علیه و سلم فرمودند
شب از خواب بخت پس سوی آسمان دید پس آسمان
ان خلق السموات و الارض سره آل عمران خوانند پس
برخواست و سوا که کرد و وضو ساخت پس یازده رکعت
نماز کرد پس بلال رضی الله عنه با کلام از گفت پس
صلی الله علیه و سلم دو رکعت نماز کرد پس از بخانه
بیرون آمدن و نماز حج کن اوردند و کان یصی بی
اللیل ثلث عشره رکعت یوترین وین ذکر بحسب
لا یجوز فی شیء الا فی او اخره در بخاری و مسلم
است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله
علیه و سلم سیزده رکعت نماز در شب میکرد و بعد از
رکعت از جمله آن و تری کرد ند در آن پنج رکعت جز در آن
نی نشند و کان یصی من اللیل إحدى عشر رکعت
یوتر بها چلث در بخاری و مسلم است بروایت عائشه
رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه و سلم در شب یازده
رکعت نماز میکرد ند اذان جمله یک رکعت و تری میکرد
و اذ اقامه یسکون اللیل کبر عشر و احد عشر
سبع عشر و استغفر عشر و در بخاری و مسلم
ابی داود و نسائی و ابن ماجه و مصنف ابوبکر و صحیح

و اذا قام لصلوة الليل

این حیات است برایت عالیه عنها که چون رسول صلی الله علیه وسلم
 الله علیه وسلم بجهت نماز شب میخواست ده بار الله اکبر و
 ده بار الحمد لله و ده بار سبحان الله و ده بار تعالی
 میفرمود و قال اللهم اغفر لي ذنوبي وارزني
 وعافيتي **در ستا ای خدایه و نایب و بار**
 و مصطفی ابوبکر است برایت عایشه رقی الله عنها که رسول
 صلی الله علیه وسلم این دعا هم فرمود معنی اینست ای
 بار خدای مرا بیا مرز و مرز راه راست غایبی یعنی بر راه راست
 ثابت داری و مرز روزی ده و در عافیت داری **در ستا ای خدایه**
 در صحیح ابن حبان است که دعا مذکور ده بار می گفت و **در ستا ای خدایه**
 یا کرم من ضیق المقام یوم القیامة **در ستا ای خدایه**
 و نایب و ابن ماجه و صحیح مسلم و سنن ابی یعلی است که
 رسول صلی الله علیه وسلم اعوذ یا کرم من ضیق تا آخر
 می گفت معنی اینست پناه بچویم بخدای شلال از تنگی
 مقام در روز قیامت یعنی از مشایید و مکان از تنگی
 زیرا که هر که که رنج و یا غمی رسد زمین برود تنگ شود
 قال الله تبارک و تعالی و صاف علیکم الذی یبارحیت
 و تنگ شد بر شما زمین بغرض خود در روز حیات

در ستا ای خدایه

در ستا ای خدایه

در صحیح

در صحیح ابن حبان است که رسول صلی الله علیه وسلم
 تعوذ مذکور ده بار می گفت یا ایا فی صلوة اللیل قال
 اللهم رب جبرئیل و میکائیل و اسرافیل فاطم
 السکون و الاقرض عالم الغیب و الشکوة أنت
 تحکم بین عبادک یماکنا فیما یمکنون اهدنا
 لما اخصب فیہ من الخلق یا ذی النور انک یغفری منشاء
 الخصال و شتیتم **در صحیح مسلم و جلال**
 سنن و صحیح ابن حبان و کتاب علا الیوم و اللیل این
 معنی است برایت عایشه رقی الله عنها که چون رسول
 صلی الله علیه وسلم میخواست که نماز شب آغاز کند
 دعا مذکور می گفت معنی اینست ای بار خدای ای پروردگار
 جبرئیل و میکائیل و اسرافیل ای فریادکنان و اسباب
 و زمین ای دامن غیب و حضور تو حکم کنی میان بند
 خود در آنچه اختلاف کرده اند راه نای مرا بادی
 خود سوی آنچه در آن اختلاف کرده اند از حق بگو
 که تو راه نای سوی راه راست کسی را که خواهی
 و اذ اصابی الموت تلتا فیکر فی الاوقی سبع اسم
 رکذ فی الثانیة قل یا یا الکا فوک و الثانی
 قل هو الله احد **در صحیح ابن حبان** این شروع است در

در صحیح

در صحیح ابن حبان

در صحیح ابن حبان

در صحیح ابن حبان

در صحیح ابن حبان

بیان نماز و تدریس اینها و در ترمذی و نسائی و
 مسند امام احمد و سنن ابن ماجه و صحیح ابن حبان و کتاب
 علی المیر و الملیل ابن سی است بروایت عایشه و ابی بنی
 الله عنها که چون رسول صلی الله علیه و سلم نماز وتر
 سه رکعت میکرد نه در رکعت اول سوره اسم ربک و در دوم
 قل یا ایها الکافرون و در سیم قل هو الله احد میخواند
 و لم یولد و لم یکن له کفو و سنن ابی داود و مسند امام
 بروایت عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه
 و سلم در رکعت سیم موعود تین تین میخواندند و در رکعت
 تین التفتیح و الوتر تسبیح میخواندند و در رکعت
 اولی آخر هر سجده در سنن نسائی و کتاب علی المیر
 و الملیل ابن سی است بروایت عایشه رضی الله عنها
 که رسول صلی الله علیه و سلم جدا می میکرد نه میان دو
 رکعت و یک رکعت بسای که دیگر از اجزای شواهد تین
 در آخر سلام نمیکفت اولی تر بود و در بخاری و مسلم
 بروایت عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه و سلم
 و تبریک رکعت میکرد او یسبح و یسبح و یسبح در سنن
 نسائی و در ترمذی و سنن کبیر بیعتی است بروایت ابی بنی

و در سنن ابن ماجه و ترمذی
 و در سنن ابی حنبله

رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم بعد از رکعت
 یا به هفت رکعت و تر میکرد نه او یسبح او آخری عشره
 رکعت او اکثرین ذکر کرد در سنن کبیر بیعتی است یا که
 رسول صلی الله علیه و سلم نه رکعت یا یازده رکعت
 یا بیشتر از یازده رکعت و تر میکرد نه و یسبح فی الاخره
 اذا رفع رأسه من الركوع در صحیح مسند رکعت است
 بروایت حسین بن علی رضی الله عنهما که رسول صلی الله
 در رکعت آخر و تر چون سر از رکوع بر میداشت فتوی
 میخواند فیقول اللهم اغفر لی فیمین هدیت و عافیت
 فیمین عافیت و تو لیس فیمین تو لیس و یار کفی فیمین
 اعطیت و یقین شری ما قضیت انک تقصی و لا یقصی علیه
 و انه لا یزد من و الت و لا یعز من عافیت یارک
 ربنا و تعافیتا فتستغفرک و سوبه الیک در سنن
 در چهار سنن و صحیح ابن حبان و صحیح مسند رکعت و
 مصنف ابوبکر بروایت حسن بن علی رضی الله عنهما که رسول
 صلی الله علیه و سلم در وضو دعا مذکور میخواند معنی
 دعا اینست ای بار خدای بگردان مرا در جمله کسانی که امان
 راه راست نبود و بگردان مرا در جمله کسانی که امان
 عافیت دادی و بگردان مرا در جمله کسانی که امان

سنن ترمذی و نسائی و مسند امام احمد
 و سنن ابن ماجه و صحیح ابن حبان و کتاب
 علی المیر و الملیل ابن سی

و در سنن ابی حنبله و ترمذی
 و در سنن ابی حنبله

دوست داشتی و سزا برکت ده در جنتی که مرا دادی
نگاه دار مرا از بدی آنچه حکم کردی بدستی که تو هر
حکم کنی و بر تو کسی حکم نکند و بدستی خواهی نکرد ده
کسی که تو او را دوست داشتی و بر تو نشود کسی که تو او را
دشمن داشتی ای بر در کار تو بی بزرگ و بر تو آمرزش
کن آن از تو میخواهم و سوز تو باز بگردم و صلی الله
علی النبی در سنن نسائی که رسول صلی الله علیه و سلم
و صلی الله علیه و سلم میگوید اللهم اغفر لنا و للمؤمنین
و المؤمنات و المسلمین و المسلمات و الیقین و الیقینات و اجمعین
و اجمعین و انصرهم و انصرهم علی عدوک و علیهم
اللهم العن الکفره الذین یصدون عن سبیلک و
یکذبون و یقاتلون اولیاءک اللهم خالف
بین کلهم و ذلزل اقدارهم و ازلهم یا سدد الذی
لا ترد عن القدر المحرم کثیر الله الفحشیم
اللهم انما نسئیک و نستغیرک و ننتی علیک و لا
نمکرک تخلف و نترک من یحکم الله فی الخلق
اللهم انک نعبدک و نک نصی و نشهدک لا اله الا انت
خدا یحیی و عذابک الحد و ترجو رحمتک ان عذابک
لقد بالکفار یحیی در کتاب دعا این مرد

در سنن نسائی
که رسول صلی الله علیه و سلم
میگوید اللهم اغفر لنا و للمؤمنین
و المؤمنات و المسلمین و المسلمات و الیقین و الیقینات و اجمعین و اجمعین و انصرهم و انصرهم علی عدوک و علیهم
اللهم العن الکفره الذین یصدون عن سبیلک و یکذبون و یقاتلون اولیاءک اللهم خالف بین کلهم و ذلزل اقدارهم و ازلهم یا سدد الذی لا ترد عن القدر المحرم کثیر الله الفحشیم
اللهم انما نسئیک و نستغیرک و ننتی علیک و لا نمکرک تخلف و نترک من یحکم الله فی الخلق اللهم انک نعبدک و نک نصی و نشهدک لا اله الا انت خدا یحیی و عذابک الحد و ترجو رحمتک ان عذابک لقد بالکفار یحیی

و مصنف ابوبکر و سانی کبریه حق است بروایت ابن مسعود
و عقیله عتده که رسول صلی الله علیه و سلم در قوفه
مکه و میخواند معنی اینست ای بار خدای یا سرز مرا و مرد
و زنان حرمیان را و مردان و زنان سلیمان را و الفت را
میان دلهای ایشان و اصلاح کن بیاد ایشان و ایشان را
نصرت ده بر دشمن خود و دشمن ایشان ای بار خدای
لعنت کن بر کافران که مردمان را از راه تو باز میدارند
و رسولان ترا تکذیب میکنند و باه و ستاد تو کارزار
میکند ای بار خدای خلافت افکن میان مخفی ایشان
و بظفران قهرهای ایشان و فروار بر ایشان عذاب
که آنرا از قوم کناه کاران رد کنی ای بار خدای بدستی
که ما از تو یاری میخواهیم و امرزش میخواهیم و تنای تو
میکویم و بتو کافر نشویم بیرون میکشیم و تو که سلیم
کسی را که بی تو باقی تو کند ای بار خدای ترا میپرستیم
و برای تو ایمان و سجده میکنیم و از جهت عبادت تو
میکشیم و سوزی خدمت تو شتابیم از عذاب حق تو میترسیم
و امید رحمت تو داریم بدستی که عذاب تو خوار است که
لاحق است و اذا سلم منه قال سبحان الملک القدوس
ثلاث مائت یصلوته فی الثلاثه و یرفع روحه
و صنف ابوبکر و سانی کبریه حق است بروایت ابن مسعود
و عقیله عتده که رسول صلی الله علیه و سلم در قوفه
مکه و میخواند معنی اینست ای بار خدای یا سرز مرا و مرد
و زنان حرمیان را و مردان و زنان سلیمان را و الفت را
میان دلهای ایشان و اصلاح کن بیاد ایشان و ایشان را
نصرت ده بر دشمن خود و دشمن ایشان ای بار خدای
لعنت کن بر کافران که مردمان را از راه تو باز میدارند
و رسولان ترا تکذیب میکنند و باه و ستاد تو کارزار
میکند ای بار خدای خلافت افکن میان مخفی ایشان
و بظفران قهرهای ایشان و فروار بر ایشان عذاب
که آنرا از قوم کناه کاران رد کنی ای بار خدای بدستی
که ما از تو یاری میخواهیم و امرزش میخواهیم و تنای تو
میکویم و بتو کافر نشویم بیرون میکشیم و تو که سلیم
کسی را که بی تو باقی تو کند ای بار خدای ترا میپرستیم
و برای تو ایمان و سجده میکنیم و از جهت عبادت تو
میکشیم و سوزی خدمت تو شتابیم از عذاب حق تو میترسیم
و امید رحمت تو داریم بدستی که عذاب تو خوار است که
لاحق است و اذا سلم منه قال سبحان الملک القدوس
ثلاث مائت یصلوته فی الثلاثه و یرفع روحه

در سنن نسائی
که رسول صلی الله علیه و سلم
میگوید اللهم اغفر لنا و للمؤمنین
و المؤمنات و المسلمین و المسلمات و الیقین و الیقینات و اجمعین و اجمعین و انصرهم و انصرهم علی عدوک و علیهم
اللهم العن الکفره الذین یصدون عن سبیلک و یکذبون و یقاتلون اولیاءک اللهم خالف بین کلهم و ذلزل اقدارهم و ازلهم یا سدد الذی لا ترد عن القدر المحرم کثیر الله الفحشیم
اللهم انما نسئیک و نستغیرک و ننتی علیک و لا نمکرک تخلف و نترک من یحکم الله فی الخلق اللهم انک نعبدک و نک نصی و نشهدک لا اله الا انت خدا یحیی و عذابک الحد و ترجو رحمتک ان عذابک لقد بالکفار یحیی

و صنف

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

طريق الكلاوي
مسند حامد

مسك يارم

میں نے

معنی اینست ای بار خدای ای پروردگار جبرئیل
 و میکائیل و اسرافیل و محمد بنابر صلی الله
 علیه و آله و سلم بنام یحییوم بنی از آتش
 شعله یحیی علی شقیه الایمن در سینه ای داد
 و ترمید است برایت امی رضی الله عنه پس که
 بطلید بر جانب راست خود یعنی بر دست چپ خود
 من بقیه عالم لیسم الله ترکت علی الله اللهم انی
 نعوذ بک من ان یزک ان یزک او یتزک او یظلم او
 ان یجهل او یجهل علیه در چهار سینه و هیچ سینه
 و کتاب علی الیوم و اللیل این سنی است بر دایت ام سلمه رضی
 الله عنها که چون رسول صلی الله علیه و سلم از خانه خود
 بیرون می شد ند دعا مذکور میفرمود معنی دعا اینست بسم
 خدای تعالی بیرون می شوم تو که بر خدا تعالی کردم ای
 بار خدای بدرستی که ما بنام یحییوم بنی ازین که بلغزیم
 یا خوان شویم یا گمراه گردیم یا ظلم کنیم یا جهالت کنیم یا
 کسی بر ما جهالت کند لیبراهمه لا حول و لا قوة الا بالله
 العزیز الله علی الله در هیچ سینه در سینه این
 ما جید و کتاب علی الیوم و اللیل این سنی است بر دایت ام
 هیر رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه و سلم

از این دعا که در سینه ای داد
 و ترمید است برایت امی رضی الله عنه
 پس که بطلید بر جانب راست خود یعنی بر دست چپ خود
 من بقیه عالم لیسم الله ترکت علی الله اللهم انی
 نعوذ بک من ان یزک ان یزک او یتزک او یظلم او
 ان یجهل او یجهل علیه در چهار سینه و هیچ سینه
 و کتاب علی الیوم و اللیل این سنی است بر دایت ام سلمه رضی
 الله عنها که چون رسول صلی الله علیه و سلم از خانه خود
 بیرون می شد ند دعا مذکور میفرمود معنی دعا اینست بسم
 خدای تعالی بیرون می شوم تو که بر خدا تعالی کردم ای
 بار خدای بدرستی که ما بنام یحییوم بنی ازین که بلغزیم
 یا خوان شویم یا گمراه گردیم یا ظلم کنیم یا جهالت کنیم یا
 کسی بر ما جهالت کند لیبراهمه لا حول و لا قوة الا بالله
 العزیز الله علی الله در هیچ سینه در سینه این
 ما جید و کتاب علی الیوم و اللیل این سنی است بر دایت ام
 هیر رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه و سلم

از خانه بیرون می شد دعا مذکور میفرمود معنی اینست
 بنام خدای تعالی بیرون می شوم و نیست حیلک بر ترک
 معصیت و قوه بر طاعت چنانچه خدای تعالی تکرار توکل
 بر خدای تعالی است لیبراهمه ترکت علی الله لا حول
 و لا قوة الا بالله در سینه ای داد و تر
 و ترمید است برایت امی رضی الله عنه که چون رسول صلی
 الله علیه و سلم از خانه بیرون می شد ند دعا مذکور
 میفرمود معنی دعا اینست بسم خدای تعالی بیرون می شوم تو که
 بر خدا تعالی کردم ای بار خدای بدرستی که ما بنام یحییوم بنی ازین که بلغزیم
 یا خوان شویم یا گمراه گردیم یا ظلم کنیم یا جهالت کنیم یا
 کسی بر ما جهالت کند لیبراهمه لا حول و لا قوة الا بالله
 العزیز الله علی الله در هیچ سینه در سینه این
 ما جید و کتاب علی الیوم و اللیل این سنی است بر دایت ام
 هیر رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه و سلم

از این دعا که در سینه ای داد
 و ترمید است برایت امی رضی الله عنه
 پس که بطلید بر جانب راست خود یعنی بر دست چپ خود
 من بقیه عالم لیسم الله ترکت علی الله اللهم انی
 نعوذ بک من ان یزک ان یزک او یتزک او یظلم او
 ان یجهل او یجهل علیه در چهار سینه و هیچ سینه
 و کتاب علی الیوم و اللیل این سنی است بر دایت ام سلمه رضی
 الله عنها که چون رسول صلی الله علیه و سلم از خانه خود
 بیرون می شد ند دعا مذکور میفرمود معنی دعا اینست بسم
 خدای تعالی بیرون می شوم تو که بر خدا تعالی کردم ای
 بار خدای بدرستی که ما بنام یحییوم بنی ازین که بلغزیم
 یا خوان شویم یا گمراه گردیم یا ظلم کنیم یا جهالت کنیم یا
 کسی بر ما جهالت کند لیبراهمه لا حول و لا قوة الا بالله
 العزیز الله علی الله در هیچ سینه در سینه این
 ما جید و کتاب علی الیوم و اللیل این سنی است بر دایت ام
 هیر رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه و سلم

کمی بر من سم کند یا جهالت کم یا کسی بر من جهالت
 کند **قَالَ أَخْرِجْ لِلصَّلَاةِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي**
نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا وَفِي سَمْعِي نُورًا وَفِي بَيْتِي نُورًا
وَفِي شَوْكِي نُورًا وَفِي خَلْقِي نُورًا وَاجْعَلْ لِي نُورًا
در هیچ بخاری و سلم و سنن ابی داود و نسائی
 و این ماجه است برایت ابن عباس رضی الله عنهما
 که چون رسول صلی الله علیه و سلم از خانه خود بی
 شان بیرون میشدند عامه مذکور میفرمودند معنی
 اینست ای بار خدای بگردان در دل من نور و در چشم
 من نور و در گوشت من نور و از راستای من نور و از چپا
 من نور و از پس من نور و بگردان برای من نور و کف
عَصِي نُورًا وَفِي خَلْقِي نُورًا وَفِي دَجِيئَا نُورًا وَفِي شَوْكِي
نُورًا وَفِي بَيْتِي نُورًا **در هیچ بخاری و سلم و سنن**
 ابی داود و نسائی و این ماجه است که رسول صلی الله
 علیه و سلم این کلمات مذکور میفرمود معنی اینست
 و بگردان در دل من نور و در گوشت من نور و در چپ
 من نور و در پس من نور و در اندام من نور و کف
نُورًا وَاجْعَلْ لِي نُفْسِي نُورًا وَاعْظِمْ لِي نُورًا **در هیچ**
 سلم است که رسول صلی الله علیه و سلم این کلمات

در هیچ بخاری و سلم و سنن ابی داود و نسائی
 و این ماجه است برایت ابن عباس رضی الله عنهما
 که چون رسول صلی الله علیه و سلم از خانه خود بی
 شان بیرون میشدند عامه مذکور میفرمودند معنی
 اینست ای بار خدای بگردان در دل من نور و در چشم
 من نور و در گوشت من نور و از راستای من نور و از چپا
 من نور و از پس من نور و بگردان برای من نور و کف
عَصِي نُورًا وَفِي خَلْقِي نُورًا وَفِي دَجِيئَا نُورًا وَفِي شَوْكِي
نُورًا وَفِي بَيْتِي نُورًا **در هیچ بخاری و سلم و سنن**
 ابی داود و نسائی و این ماجه است که رسول صلی الله
 علیه و سلم این کلمات مذکور میفرمود معنی اینست
 و بگردان در دل من نور و در گوشت من نور و در چپ
 من نور و در پس من نور و در اندام من نور و کف
نُورًا وَاجْعَلْ لِي نُفْسِي نُورًا وَاعْظِمْ لِي نُورًا **در هیچ**
 سلم است که رسول صلی الله علیه و سلم این کلمات

مذکور

و اجعل لي نورًا

مذکور نیز میفرموده معنی اینست و بگردان در زبان من
 نور و بگردان در دوات من نور و بگردان برای من نور
نُورًا **در سنن نسائی و صحیح متذکر است که رسول صلی**
الله علیه و سلم این کلمات میفرمود معنی اینست و بگردان
نُورًا اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي لِسَانِي نُورًا وَفِي
فِي سَمْعِي نُورًا وَاجْعَلْ لِي نُفْسِي نُورًا وَاجْعَلْ لِي خَلْقِي نُورًا
وَاجْعَلْ لِي أَمَامِي نُورًا وَاجْعَلْ لِي قَوِي نُورًا وَفِي شَوْكِي
نُورًا **در هیچ سلم و سنن ابی داود و نسائی است**
 برایت ابن عباس رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه و سلم
 چون از خانه بیرون میشدند دعا مذکور میفرمود
 معنی هاست که کشت و خند دخول المسجد اخذ بالله العظيم
وَبُوحِيهِ أَكْبَرِهِ وَسَلْطَانِهِ الْقُدُّوسِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
در سنن ابی داود و نسائی و این ماجه است برایت
 ابن عمر رضی الله عنهما که رسول صلی الله علیه و سلم نزد
 سجد عامه مذکور میفرمود معنی اینست بپناه میجویم بخدای
 عظیم است و بپناه او که کرام است و سلطان که قدیم است از شیطان
 رانده و از رحمت دور سازد و حدیث گفته که این کلمات گوشت
 بپاید که خود را در پلای روزه از من نگاه داشت **قَالَ إِذَا دَخَلَ**
نَفْسِي عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ **در هیچ**

در هیچ بخاری و سلم و سنن ابی داود و نسائی
 و این ماجه است برایت ابن عباس رضی الله عنهما
 که چون رسول صلی الله علیه و سلم از خانه خود بی
 شان بیرون میشدند عامه مذکور میفرمودند معنی
 اینست ای بار خدای بگردان در دل من نور و در چشم
 من نور و در گوشت من نور و از راستای من نور و از چپا
 من نور و از پس من نور و بگردان برای من نور و کف
عَصِي نُورًا وَفِي خَلْقِي نُورًا وَفِي دَجِيئَا نُورًا وَفِي شَوْكِي
نُورًا وَفِي بَيْتِي نُورًا **در هیچ بخاری و سلم و سنن**
 ابی داود و نسائی و این ماجه است که رسول صلی الله
 علیه و سلم این کلمات مذکور میفرمود معنی اینست
 و بگردان در دل من نور و در گوشت من نور و در چپ
 من نور و در پس من نور و در اندام من نور و کف
نُورًا وَاجْعَلْ لِي نُفْسِي نُورًا وَاعْظِمْ لِي نُورًا **در هیچ**
 سلم است که رسول صلی الله علیه و سلم این کلمات

در سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه است بروایت ابی حنبله
 رضي الله عنه انه قال رسول الله صلى الله عليه وسلم وصيحي ابن حبان
 وصيحي مسترک و کتاب علی ایوم و اللیل ابن سنی است بروایت ابی
 یاقوت اسید رضي الله عنه انه قال جوف در مسجد را برین کوه
 سلام بر بنیاسر صلی الله علیه وسلم گوید و یُقْبَلُ اللَّهُ
 انْفِجَارُ الْبُيُوتِ وَصِيحَتُكَ **در صحیح ابن حبان**
 در صحیح مسلم و سنن ابی داود و نسائی و ابن ماجه و صحیح
 ابن حبان و صحیح مسترک و کتاب علی ایوم و اللیل ابن سنی
 است و گوید دعا مذکور خواندن معنی اینست ای بار خدای
 رحمت خود بر من کشاده کن اللَّهُمَّ انْفِجَارُ الْبُيُوتِ وَصِيحَتُكَ
 وَصِيحَتُ لَنَا ابْنِ بَرْدٍ وَكَانَ **در سنن ابی ماجه و صحیح ابن**
 عوانه است بروایت ابی حنبله رضي الله عنه انه قال دعا مذکور گوید
 اینست ای بار خدای ای باب رحمتی برای من کشاده کن و
 ابواب بر ذری برای من آساز و ان اَوْفِقُوا لِحُجَّتِ اللَّهِ وَالسَّلَامِ
 عَلٰی سُوْلِهِ **در صحیح ابن حبان** اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى
 آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيْ ذُنُوبِيْ وَانْفِجَارُ الْبُيُوتِ وَصِيحَتُكَ
 در سنن ابی ماجه و ترمذی و مصنف ابی بکر و صحیح ابی حنبله
 بروایت فاطمه رضي الله عنها انه دعا مذکور خواندن معنی اینست
 ای بار خدای کنان مرا بیامرز و ابواب رحمت خود برای من

در سنن ابی حنبله

کشاده

کشاده کن و بعد دخول السلام علینا و علی عباد الله
 الصالحین **در کتاب دعا ابن سیر و یوم و مصنف ابی حنبله**
 بروایت ابی حنبله رضي الله عنه انه دعا مذکور بخواند سلام کن
 گوید یا ذی الجلال و الاکرام یا ذی الشان یا ذی الشان یا ذی الشان
 وَكَيْفَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيْ ذُنُوبِيْ وَانْفِجَارُ الْبُيُوتِ وَصِيحَتُكَ
 در سنن نسائی و ابن ماجه و صحیح ابن حبان و صحیح مسترک
 و کتاب علی ایوم و اللیل ابن سنی است بروایت ابی حنبله رضي
 الله عنه انه دعا مذکور از مسجد بیرون شود گوید یا ایا
 صلی الله علیه وسلم و رو گوید اللَّهُمَّ یا ارحم الراحمین
 اینست ای بار خدای نگاه دار مرا از شیطان الرجیم
 در سنن ابی ماجه است که من الشیطان الرجیم گوید و تمام
 را نه را گوید اللَّهُمَّ انْفِجَارُ الْبُيُوتِ وَصِيحَتُكَ **در صحیح ابن حبان**
 در صحیح مسلم و سنن ابی داود و نسائی است بروایت ابی اسید
 یا ابی حنبله رضي الله عنه انه دعا مذکور بخواند دعا مذکور
 معنی اینست ای بار خدای فضل تو از تو میخوام او را جبر الله
 و السلام علی رسول الله **در مصنف ابی بکر و سنن ابی حنبله**
 و ابن ماجه و صحیح ابن حنبله است بروایت فاطمه رضي الله
 عنها انه دعا مذکور یا ارحم الراحمین صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى
 آلِ مُحَمَّدٍ **در صحیح ابن حنبله** است بروایت فاطمه رضي الله
 عنها

در صحیح ابی حنبله
 اگر از مسجد بیرون شود

مذکور

عنها

که درود مذکور کوبید اللهم اعظم فی ذلک و فی ما فی الخلق
ابواب فصلک در مصفا ابوبکر است و سنن ترمذی
 ابن ماجه و صحیح ابن عساکر و صحیح ابن خزيمة است روایت
 در فضله عظیمه که چون از مسجد بیرون شود دعا مذکور
 خواند سنی گشت و ذکر رحمت در وقت دخول و ذکر فضل در وقت
 خروج برای طلب امور معاش پس اگر در وقت سناوار ترست در
 وقت دخول و ذکر سناوار ترست در وقت خروج و لا یجوز
 حتی یصلی کرکعتین **م** در صحیح بخاری و مسلم است برای
 ای قناده و نعم الله علیه که در وسیع نه نشیند بلکه در رکعت
 تحت کار و در آن سه مرتبه شهادت فی السجده یصلی
 لا اذها الله علیک فان المساجد کم من هذا **ف**
 در صحیح مسلم و سنن ابی داود و ابن ماجه است بدایت ابوی
 نعم الله علیه که چون بنزد کسی را که در مسجد که شده جوید
 پس باید که او را لا اذها علیک تا فرود کوبد یعنی در کل محل
 تقابل آن که شده را بر تو زیرا که مساجد را برای این بنا کردند
 بنای مساجد برای عبادت خدای است طلبا بود دنیاوی
 در مساجد را و است و اذ را بی من یبلغ او یتعجب فی
 السجده یصلی لا اذها الله جاز که
 در سنن ترمذی و نسائی و صحیح مسلم و صحیح ابن حبان

بروایت ابو هريره رضي الله عنه ان بيده كشي باه و در سجده
 سبع يا شريك و پس او را گويد بخوان تعالي تجازات
 ترا سويتم نكردند و الا اذ ان تسبع عشرة كذا
 معروف **باب** اين شروع در بيان با انگشتان دست در چهار
 سب و سندانام يا حد و صحيح ابن حزم است بروايت ابو
 رضي الله عنه كه با انگشتان نو فرمود كه كله معرفه است و مراد
 اذ ان الصبح الصلوة خاتمه من التور مؤيد **باب**
 در سنان ابرو و دست بروايت ابو محذور رضي الله عنه
 و درست است و در قطعي است بروايت لؤي رضي الله عنه و در
 صحيح ابن حزم است بروايت فاطمه رضي الله عنها كه
 در با انگشتان سبع كذا مذكور و در دو بار زياده كنند يعني
 ايست نماز بدقت از خواب و اذ ان سبع المؤيد دليل
 كافي **باب** در اصول است و كتاب صلا و ابرو و اليد است
 بروايت ابو سعيد و عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما كه چنانچه
 مؤيد با انگشتان بخند پس گويد كه گويد چنانچه مؤيد گويد
 و بعد لليعلى لاحول و لا قوه الا بالله **باب**
 در ريش بخاري و سلم و سنان ابرو و سنان است بروايت
 عريفه رضي الله عنه كه بعد سي على الصلوة رسي على الصلح
 لاحول تا آخر گويد اذ قال ذكركم قبله دخل الجنة

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or a note, located at the bottom of the page.

في

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or note, located at the bottom of the page.

میرزا علی

در سنن ابی داود و صحیح مسلم و نسائی است برایت
 و حق است که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که چون آن
 جمیع مذکور از اینها صلوات گوید و بجهت درایت من قال الحین
 یسمع الملائكة أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا
 شریک له و أن محمدا عبده و رسوله و یتب یا
 ربنا یا اسلام یتب غیره که در سنن و صحیح رسول صلی الله علیه و سلم
 و صحیح مسلم و چهار سنن و کتاب غزایوم و اللیل این است
 بر وایت سعد بن ابی وقاص و حق است که رسول صلی الله علیه و سلم
 و سلم هر که وقت شهادت با کلمات شهادت مذکور تا آخر گوید
 کند او آمرزیده گردد و حق شهادت اینست که ای کسی که
 مسجود بحق نیست بجز خدای تعالی شریک و گواهی ندیم
 که حق صلی الله علیه و سلم و رسول خداوند تعالی است شهادت
 شد بر بنی بیت خدای تعالی و رسالت محمد صلی الله علیه و سلم
 علیه و سلم و بدین اسلام من قال یشهد علی المذنب
 و شهد علیه شهادته فکذا الحجة در سنن ابی داود
 و صلی الله علیه و سلم است بر وایت انور صلی الله علیه و سلم که رسول صلی الله علیه و سلم
 علیه و سلم فرمود هر که مثل قول مؤذن گوید و مثل شهادت
 او شهادت داد کند بسوا و بجهت است و کان اذا سمع للی
 یشهد کلا و انا و أنا در سنن ابی داود و صحیح

فرموده

در سنن ابی داود و صحیح مسلم و نسائی است برایت
 و حق است که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که چون آن
 جمیع مذکور از اینها صلوات گوید و بجهت درایت من قال الحین
 یسمع الملائكة أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا
 شریک له و أن محمدا عبده و رسوله و یتب یا
 ربنا یا اسلام یتب غیره که در سنن و صحیح رسول صلی الله علیه و سلم
 و صحیح مسلم و چهار سنن و کتاب غزایوم و اللیل این است
 بر وایت سعد بن ابی وقاص و حق است که رسول صلی الله علیه و سلم
 و سلم هر که وقت شهادت با کلمات شهادت مذکور تا آخر گوید
 کند او آمرزیده گردد و حق شهادت اینست که ای کسی که
 مسجود بحق نیست بجز خدای تعالی شریک و گواهی ندیم
 که حق صلی الله علیه و سلم و رسول خداوند تعالی است شهادت
 شد بر بنی بیت خدای تعالی و رسالت محمد صلی الله علیه و سلم
 علیه و سلم و بدین اسلام من قال یشهد علی المذنب
 و شهد علیه شهادته فکذا الحجة در سنن ابی داود
 و صلی الله علیه و سلم است بر وایت انور صلی الله علیه و سلم که رسول صلی الله علیه و سلم
 علیه و سلم فرمود هر که مثل قول مؤذن گوید و مثل شهادت
 او شهادت داد کند بسوا و بجهت است و کان اذا سمع للی
 یشهد کلا و انا و أنا در سنن ابی داود و صحیح

حیات و صحیح مسلم است بر وایت عایشه و حق است که رسول
 صلی الله علیه و سلم فرمود که اینست که اشهد
 و انا اشهد و انا اشهد بفرمود تم لیصل علی النبی صلی
 علیه و سلم ثم یمسک الله له الوسیلة در صحیح مسلم
 و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و کتاب علی الیوم این است
 بر وایت ابن عمر و حق است که رسول صلی الله علیه و سلم
 و سلم در روز کربلا فرمود که ای ایها الصلوات
 والسلام و سبیت خدای و سبیت چیز بر آن بند که بدان فرمود
 سوی غیر حاصل شود و مراد اینها منقول است در بیست و
 یقول اللهم دیب هذه الذنوب الثامنة و الصلوة القایمة
 ان اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا عبده و رسوله
 فی الزی و حد فکذا الحجة در صحیح مسلم و سنن ابی داود
 و چهار سنن و صحیح ابی حنبله و سنن ابی یوسف است بر وایت
 جابر و حق است که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که ای ایها
 خدای ای پروردگار این دعوت که تمام است و پروردگار این نشان
 کند در حال قیام است بجز صلی الله علیه و سلم را و وسیله و فضیله
 بجز در مقام که و حد کرده و او را بفرست آنکه لا اختلاف فیها
 در سنن ابی یوسف است که فرمود و حد کرده آنکه تا آخر گوید
 حق اینها بر دست حق که تو خلق کنی و حد و اما بنی مسلم

در سنن ابی داود و صحیح مسلم و نسائی است برایت
 و حق است که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که چون آن
 جمیع مذکور از اینها صلوات گوید و بجهت درایت من قال الحین
 یسمع الملائكة أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا
 شریک له و أن محمدا عبده و رسوله و یتب یا
 ربنا یا اسلام یتب غیره که در سنن و صحیح رسول صلی الله علیه و سلم
 و صحیح مسلم و چهار سنن و کتاب غزایوم و اللیل این است
 بر وایت سعد بن ابی وقاص و حق است که رسول صلی الله علیه و سلم
 و سلم هر که وقت شهادت با کلمات شهادت مذکور تا آخر گوید
 کند او آمرزیده گردد و حق شهادت اینست که ای کسی که
 مسجود بحق نیست بجز خدای تعالی شریک و گواهی ندیم
 که حق صلی الله علیه و سلم و رسول خداوند تعالی است شهادت
 شد بر بنی بیت خدای تعالی و رسالت محمد صلی الله علیه و سلم
 علیه و سلم و بدین اسلام من قال یشهد علی المذنب
 و شهد علیه شهادته فکذا الحجة در سنن ابی داود
 و صلی الله علیه و سلم است بر وایت انور صلی الله علیه و سلم که رسول صلی الله علیه و سلم
 علیه و سلم فرمود هر که مثل قول مؤذن گوید و مثل شهادت
 او شهادت داد کند بسوا و بجهت است و کان اذا سمع للی
 یشهد کلا و انا و أنا در سنن ابی داود و صحیح

الوسیلة

در سنن ابی داود و صحیح مسلم و نسائی است برایت
 و حق است که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که چون آن
 جمیع مذکور از اینها صلوات گوید و بجهت درایت من قال الحین
 یسمع الملائكة أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا
 شریک له و أن محمدا عبده و رسوله و یتب یا
 ربنا یا اسلام یتب غیره که در سنن و صحیح رسول صلی الله علیه و سلم
 و صحیح مسلم و چهار سنن و کتاب غزایوم و اللیل این است
 بر وایت سعد بن ابی وقاص و حق است که رسول صلی الله علیه و سلم
 و سلم هر که وقت شهادت با کلمات شهادت مذکور تا آخر گوید
 کند او آمرزیده گردد و حق شهادت اینست که ای کسی که
 مسجود بحق نیست بجز خدای تعالی شریک و گواهی ندیم
 که حق صلی الله علیه و سلم و رسول خداوند تعالی است شهادت
 شد بر بنی بیت خدای تعالی و رسالت محمد صلی الله علیه و سلم
 علیه و سلم و بدین اسلام من قال یشهد علی المذنب
 و شهد علیه شهادته فکذا الحجة در سنن ابی داود
 و صلی الله علیه و سلم است بر وایت انور صلی الله علیه و سلم که رسول صلی الله علیه و سلم
 علیه و سلم فرمود هر که مثل قول مؤذن گوید و مثل شهادت
 او شهادت داد کند بسوا و بجهت است و کان اذا سمع للی
 یشهد کلا و انا و أنا در سنن ابی داود و صحیح

ببرایان و ما را بر این دعوت و ما را بر این دعوت برانگیخت
ما را از جهنم به اهل آن دعوت کرده اند در حال حیات
و مسات فی الدنیا بمنزلة الاذان و الإقامة لا یجوز
در سنن ابی داود و ترمذی و نسائی و صحیح ابی حیان
و مستدرک ابی یحیی و موسیقی است بروایت اشوری رحمه الله
که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود دعا بیان با کلمات
و اقامت بد کرده نشود قاعدتاً هر دو رسیده ای می باشد
پس دعا کنید قائلوا الله المأبیه فی الدنیا و الآخرة
در سنن ترمذی است که رسول فرمود پس بخوانید
خدای تعالی عاقبت را در دنیا و آخرت و الاقامة الله
اکبر الله اکبر أشهد أن لا اله الا الله أشهد
أن محمداً رسول الله صلی الله علیه و سلم فی علی الفلاح
قد قامت الصلوة اللهم اکبر الله اکبر لا اله الا الله
قد قامت الصلوة
ادوات این شروع در بیان اقامه است در سنن امام احمد
و سنن ابی داود و ابن ماجه و صحیح ابن خزيمة و سنن ترمذی
است بروایت عبد الله بن زید رقی الله عنه که اقامت این اذان
بد کرده است یعنی یکان بار است او هر یک الاذان و الاقامة
در سنن امام احمد و جماع سنن و صحیح ابن خزيمة است
بروایت ابی بصیر رحمه الله عنه که با اقامت هجی یا کلمتان

والله اعلم
والاقامة لا یجوز

بسم الله
اقامت

الترجیع
احمد

فیروز و کلمه بار است جز در ترجیع و زیادت قد قامت الصلوة
دو بار یعنی دو اقامت ترجیع ممکن و قد قامت الصلوة
دو بار زیادت کند ترجیع در یا کلمتان نزد امام شافعی و احمد
است و آن اینست که مؤذن الله اکبر الله اکبر یسبحون
یسبحون أشهد أن لا اله الا الله و أشهد أن لا اله الا الله
آهسته گوید پس شهادت را بلند گوید یا نهان بلند بان
گردد اند در الفاظ دیگر ترجیع نیست و اذا قام إلى الصلوة
الکبریٰ بقوله قال الله یسبحون الله اکبر و هویت
و ترجیع فی فطر السموات و الارض حیثما و ما انا من
المشركین ان صلواتی و تسبیحی و تحمیدی و منابلی لله
رب العالمین لا شریک له و یذکر امرت و الامرات الملتزمین
الله هم انت المله لا اله الا انت انت ربی و انا عبدک
طلعت نفسی و اعترفت بذنوبی فاعف عني ذنوبی یا رب
لا یغفر الذنوب الا انت و اعف عني یا حسن الاخلاق لا یغفر
لا یغفر الا انت و اعف عني عني شیئها لا یغفر عني شیئها
یا رب انت لیکن و سعیدک و لیسک کلمه فی بدو کلمه
الشکر لیکن ایاک انا یا رب و ایاک تبارکت و تعالی استغفر
و انوب ایاک
این شروع در بیان نماز است
صحیح ابن حبان و سنن ترمذی و صحیح مسلم و جماع سنن ا

طین
شروع نماز

سبح
اول

جینا

بر روایت علی رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه و آله
 و در محکم کبر است بر روایت ابو داود رضی الله عنه
 که چون رسول صلی الله علیه و آله سوی نماز فرمود
 است و بعد تکبیر و جهت وجهی تا آخر میخواند معنی
 اینست مستحب کرد انبیا روی خود با معنی توحید بپا
 کردم و اخلاص در آن آوردیم برای آنکه که آسمانها و زمین
 را آفرید در آن حال که ما بایم سوی ذی حق اسلام آورده ام
 بصدق و نیستیم از مشرکان بدستی که نماز من عبادت دیگر
 من مخصوص من و خوف من برای خدای تعالی است که پروردگار
 جهانیا است ای شریک و بدین مذکور که اخلاص است ما
 شدیم و من از سگمانا نام ای پروردگار ای بار خدای توئی
 باد شاه جز تو معبود نیست توئی پروردگار من و من بیک توام
 بر تو است خود ستم کردم و بکنایه خود افرازا و درم پیچیدم
 کناها ن بیا من بدستی که جز تو کسی نیی از دگشاها را
 مگر تو و بنماها راه بسوی نیکو ترا خلاص و جز تو کسی سوی
 آگاه راه نفاید و درود را از من بدی خفته که جز تو کسی از
 دور نکرد ان دعا و مت و مساعدت بر طاعت تو میکنم و
 نیکی در تقصیر است و بری منسوب سوی تو نیست من بقی
 موجود شدم و سوی تو بنهایت و ستم توئی بزرگ و بری

اسم ش از حق میخوانم و سوی تو میگردم اللهم یا
 یسفا و یسفا یا یسفا یا یسفا یا یسفا یا یسفا یا یسفا یا یسفا
 اللهم اغفر خطایای بالماء و الثلج و الحریح و الحریح
 مصنف دده بیاید گفته است که علامات این شش کتا
 آورده و اینها عروفا آورده است در اصول است بر روایت ابو
 رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و آله و سلم بعد تکبیر دعا
 مذکور میخواند معنی اینست ای بار خدای دوبری کرد ادا میان
 من و میان کناها من جنان خود دوری کرد ایدنی میان شری
 و مغرور ای بار خدای بشو کناها من مرا با بی و بری و ثلله
 یعنی بشو کناها من مرا با انواع مغرور که در محو کردی
 بمنزله این انواع مذکور است در ازل است بجا است سبحانک
 اللهم رب محمد ک تبارک اسمک و تعالی جودک و لا
 اله الا انت که دست و سطره ای داد و تو بملی
 و این ماجده و صحیح مستدرک است بر روایت عایشه رضی الله
 و در محکم کبر بر روایت انس رضی الله عنه و در ستم
 موقوف است بر روایت عمر رضی الله عنه که بعد تکبیر
 سبحانک تا آخر خواند معنی اینست یا کی و جد من است
 ای بار خدای نام تو بزرگ است و عظمت تو برتر است
 و غیر تو معبود نیست آله اکبر اکبر اکبر و الحمد

میر

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن
موسى عليه السلام

در صحیح مسلم و سنن ابوداود و نسائی و ابن ماجه است
بروایت ابی موسی اشعری رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه
و سلم فرمود چون امام و لا المصلین گویند که **استغفر الله**
تا خدای تعالی اجابت او کند و آید **اِنَّ اِيَّاهُ يَتُوبُونَ اِلَيْهِ**
لَنْ تَاْفِي تَابُهُ تا آمین **اَللّٰهُ يَكْفِّرُ عَنْكَ مَا تَقَدَّرَ**
مِنْ ذَنْبِهِ در صحیح بخاری و مسلم است بروایت ابی
رفیعه که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود چون امام آمین گوید
پس گوید که مقتدی آمین زیرا که فرشتگان هم آمین گویند پس
هر که آمین او را بخواند آمین فرشتگان آید گناهان گذشته
او منقور گردد و **وَمَا قَالَا لَنَبِيِّ صَلَّيَ اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمِينَ**
مِنْهَا صَوْتٌ اَمَّا رَقِيعٌ فَهَاصُوتُهُ در سند امام احمد
سنن ابوداود و ترمذی و مصنف ابی یوسف است بروایت ابی
بن حنیبله رضی الله عنه که هرگاه رسول الله صلی الله علیه و سلم
آمین فرمود آواز خود را با آمین بلند کرد آید و بگفتن آید
قَالَ آمِينَ يَسْمَعُ مِنْ بَيْنِهِ مِنَ الصَّوْتِ الْاَوَّلِ در سنن ابی حنبله
و ابن ماجه است بروایت ابو هريره رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه و سلم چون آمین میفرمود هر که قریب او را بود
بود بی شنیدن **يَسْمَعُ مِنْهَا الْمَجْدُ** در سنن ابن ماجه است
پس مسجد با آواز آمین بی شنیدن و قال آمین ثلاث مرار

گویند
استغفر الله
تا خدای تعالی
اجابت او کند

در صحیح کبری است بروایت و ابی بن حجر رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه و سلم سه بار آمین فرمود
وَحِينَ قَالَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللَّهُ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِيْ
در صحیح کبری است بروایت و ابی بن حجر رضی الله
عنه و فق که رسول صلی الله علیه و سلم و لا الضالین
فرمود رب اغفر لی آمین نین فرمود و آید **اِنَّكَ**
رَبِّي الْعَظِيمُ در صحیح مسلم و بخاری
سنن است بروایت حذیفه در صحیح سند که بروایت
عقیقه بن عامر است رضی الله عنه و در سند بزار است
بروایت ابن مسعود رضی الله عنه که چون رسول صلی
الله علیه و سلم رکوع میکرد سجده میفرمود **يَا عَظِيمُ**
ثَلَاثًا در سند بزار است سه بار میفرمود **وَوَلَّكَ اَمْرًا**
در سنن ابوداود است بروایت ابن مسعود رضی الله عنه
که سه بار گفتن آدی است **سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا**
يَا حَكِيمُ در صحیح بخاری
و سلم و سنن ابوداود و نسائی و ابن ماجه است بروایت
عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه و سلم در
رکوع **سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ** تا آخر میفرمود معنی اینست یا کبیر
یا د میگویم ترا یا زاری برورد کار ما و جدی تو میگویم

در سنن ابی یوسف است
بروایت ابی یوسف
که هرگاه رسول الله
صلی الله علیه و سلم
فرمود آمین
پس هر که آمین
را بخواند
گناهان گذشته
او منقور گردد
و اما رقیع
فها صوت
است
در سنن ابن ماجه
است
بروایت ابو هريره
رضی الله عنه
که رسول الله
صلی الله علیه و سلم
چون آمین
میفرمود
هر که قریب
او را بود
بود بی شنیدن
مِنْهَا الْمَجْدُ

در این کتاب از حدیثی است که در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است

در این کتاب مذکور است

حسن کثیرا طبعا و نسای است بروایت رفاعه
 الله عنه که رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد قیامت دنیا
 لیسند تا آخر میفرمود یعنی کشت اللهم لك الحمد
 بلاء السموات وبلاء الارض وبلاء ما بينهن من شيء
 بعد اللهم طهرني بالماء البارد والبرد والماء البارد اللهم
 طهرني من الذنوب والخطايا كما ينقى الثوب
 الابيض من الوسخ **در صحیح بخاری**
 ابو داود و ترمذی و ابن ماجه است بروایت عبد
 بن اوفی رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه وسلم
 بعد قیام از کعب اللهم لك الحمد تا آخر میفرمود یعنی
 اینست ای بار خدای من تراست حمد پری آسمانها و پری
 زمین و پری آنچه خدای پس پری آسمانها و زمین ای
 خدای پاک کرد آن سرا به برف و برف الله و با بسردای
 بار خدای پاک کرد آن سرا از کتاهان چنانکه پاک کنند
 جامه سفید ما انجزك اللهم ربنا لك الحمد وبلاء
 السموات وبلاء الارض وبلاء ما بينهن من شيء
 من شيء بعد الحمد الشاه والجيد الحق ما قاله الصادق
 و كلنا لك عبد لا مانع لما اعطيت ولا معطي لما مننت
 ولا ينفعك الحمد منك الجيد **در صحیح مسلم و سنن**

در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است

ابو داود و نسای است بروایت ابو سعید خدری رضی الله
 که رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد قیام از کعب اللهم ربنا
 تا آخر میفرمود یعنی کشت اللهم لك الحمد
 ثناء و عظمت سزاوار آنچه بدو گفته است اینست که برای
 کسی را که تو بدی مافی نیت و کسی را که تو منع کنی دهنده
 نیت و صاحب غنا را از غنا با فقر غنا او نفع نکند و مایه
 بیدار کن توایم اللهم ربنا لك الحمد وبلاء السموات وبلاء
 وبلاء ما بينهن من شيء بعد الحمد الشاه والجيد
 البكر بياره والجيد لا مانع لما اعطيت ولا ينفعك الحمد
 منك الجيد **در صحیح بخاری** بروایت ابن مسعود رضی
 الله عنه که رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد قیام از کعب
 اللهم ربنا تا آخر میفرمود یعنی هانت که گذشت و اذا
 سجدا سبحان ربنا لا اله الا هو **در صحیح مسلم**
 و چهار سخن هستند بزار و صحیح ابن حبان و صحیح ترمذی
 بروایت عقبه بن عامر رضی الله عنه که چون رسول
 صلی الله علیه وسلم سجده میکرد سبحان ربنا لا اله الا هو
 میفرمود یعنی پاک است پروردگار مرا که بد تراست از نقا
 و عیبی بگذاشت و در سزا است بروایت ابن مسعود رضی
 الله عنه که رسول الله صلی الله علیه وسلم سه بار میفرمود و لا اله الا هو

در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است

در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است و در این کتاب مذکور است

وكنه اشكارا وپنهان من اللهم سجدتك سواد
و خيالي و بركت آت من آردی ابق م یبهرت
علی و منک بما جنت علی نفسی یا عظیم یا عظیم
فانه لا یغیر الذوق العظیم الا الرب العظیم
در صحیح مستدرک است بروایت عسری رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه وسلم در سجده اللهم سجد
تا اخر میخواند معنی که شد در دعا رکوع سبحان ذي
الملك والکروت سبحان ذي الکر و الجبروت سبحان
لله الذي لا یؤت اعوذ بعموک بن جفا بذا و اعوذ
برضاک بن سخطک و اعوذ بک جلف
الکبریت در صحیح مستدرک است که رسول صلی
الله علیه وسلم در سجده سبحان تا اخر میخواند معنی
اینست یاکی سر خداوند ملک یاه شاه یا یاکی است سر خدا
عزیز بر دیگر یا یاکی است سر زمین را که نبود باقی معنی که
در دعا و ترید اعط نفسی لقوتها و زکیها انت خیر
من زکیها انت و لیها و من لیها در سند امام
است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه
وسلم در سجده رب اعط تا اخر میخواند معنی اینست
ای پروردگار من نفس مرا تقوی بده و پاک گردان توئی

در صحیح

بهترین کسی که از پاک گردانیدن توئی ناصی و نگهدار و مالک
نفس منی اللهم اغفر لی ما أسررت و ما اعلنت در صحیفه
ابو یونس است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول صلی الله
علیه وسلم در سجده اللهم تا اخر میخواند معنی اینست ای
بار خدای بیامرزمای من کتاها بزا که نهان کردم و کتاها
که اشکار کردم اللهم اجعل فی قلبی نوراً و اجعل فی سمعی
نوراً و اجعل فی بصری نوراً و اجعل امامی نوراً و اجعل
خلفی نوراً و اجعل بین یحیی نوراً و اعلم لی قراً در
مصنف ابو یونس است بروایت ابن عباس رضی الله عنهما که رسول صلی
الله علیه وسلم در سجده اللهم اجعل تا اخر میخواند معنی
در دعا خروج از بیت که شد فی سمعی و البصر سجد
و جهنم للذي خلقته و صوره و سق صیغه و بصیرتی
و قیوت و در سند ضاکی و ابی داود و ترمذی
و صحیح مستدرک است بروایت عائشه رضی الله عنها که
رسول صلی الله علیه وسلم در سجده تلاوة سجده و
تا اخر میخواند معنی در سجده ساز که شد و زکیها در
ای داد است که چند بار میخواند قیاً زکیها الله احسن
للقائین در صحیح مستدرک در آخر دعا مذکور قیاً
الله تا اخر میفرمود اللهم اکتب لی عندک بها اجرا

سبحان الله

وَسَمِعَ عَنِّي بِمَا وَدَّ أَنْ يُجَاهِلَنِي عَنْكَ زَيْنًا وَتَقْبَلُهَا
مَعِيَ كَمَا تَقْبَلُهَا يَا عَمْرُوكَ دَاوُدَ
در سنن ترمذی و ابن ماجه و صحیح ابن حبان و صحیح مسلم
است بروایت ابن عباس رضی الله عنه که رسول الله صلی الله
علیه و سلم در حدیث تلاوة اللهم تاخر بصوتها از حدیث
ایست ای بار خدای بدین حدیث نزد خود برای من اجاز
تأبث که بدین حدیث نگاه را از من فروخته و این حدیث
نزد خود برای من نپذیرد که آن و این حدیث را از من قبول
کن چنانکه از آن شد خود او در حدیث السلام قبول کردی
ما وضع رسول جبهته لله سبحانه فقال لا بارأغفر
قلنا لا نرفع رأسه وقد غفر له
در کمال دعاء
این مردودیه و مصنف ابویک است بروایت ابو سعید
رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و سلم نزد تهاجم
سر دی بستانی خود را در ساله حدیث برای خدای تا
را پس سه بار بار خدای غفر لی گفت مگر که برداشت سر
خود را در آن حال که مغفورت و اذ احسن بان
السبحان اللهم اغفر لی و ارحم لی و عاف لی و ابرئ لی
و از زینبی در سنن ابی داود و ترمذی
و ابن ماجه و صحیح مسلم که دستگیر بستی است بروایت

[illegible][illegible]

المسلمون يطلبون الرسول في الحج والعمرة
ان رسول الله صلى الله عليه وسلم كان اذا اذاعوا
فدعوا له بالبركة

۱۵۰۰

عبد الله الصليحي شهد ان لا اله الا الله واشهد
ان محمدا عبده ورسوله **عنه** در اصول است بر وایت
اجن مسود و رواه عنه و در سنن كبير بیهقي است
بر وایت عائشه رضي الله عنها كه رسول الله عليه
براي تشهد گفت النبیات قالن حیوا انه اما در سنن
نسائي بجاء السلام سلام و اردت واشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شريك له وان محمدا و اردت معني
ايست بها و ملاك سر خداي عز وجل را است و رحمتها و ياكين
اي بغير ما بر تو سلام و رحمت و برگهاي خداي تعالي است
سلام بر ما است و بر بندگان صلح خداي تعالي خواهي بديهم
كه محمد صلي الله عليه وسلم بنده و رسول خداي تعالي
خواهي بديهم كه محمد صلي الله عليه وسلم النبیات
المباركات الصلوات علیهم السلام علیكم
ایها النبی ورحمة الله وبركاته قد السلام علینا
وعلى عباد الله الصالحين شهد ان لا اله الا الله واشهد
محمدا رسول الله **عنه** در صحيح مسلم و صحيح
سنن و صحيح ابن حبان است بر وایت ابن عباس رضي الله
كه رسول الله عليه وسلم در تشهد النبیات بطريق
مذكور میگفت اما در سنن نسائي و ترمذي بجاء السلام

در سنن ترمذي
در سنن ابن ماجه
در سنن ابوداود
در سنن نسائي
در سنن حاكم
در سنن ابوالخضر
در سنن ابوالقاسم
در سنن ابوالفضل
در سنن ابوالحسن
در سنن ابوالمنذر
در سنن ابوالوفاء
در سنن ابوالوفا
در سنن ابوالوفاء
در سنن ابوالوفاء

در سنن ترمذي
در سنن ابن ماجه
در سنن ابوداود
در سنن نسائي
در سنن حاكم
در سنن ابوالخضر
در سنن ابوالقاسم
در سنن ابوالفضل
در سنن ابوالحسن
در سنن ابوالمنذر
در سنن ابوالوفاء
در سنن ابوالوفاء
در سنن ابوالوفاء

هر دو جای سلام و اردت النبیات الصلوات
عليهم السلام علیها النبی ورحمة الله وبركاته
السلام علینا وعلی عباد الله الصالحين شهد ان لا
اله الا الله واشهد ان محمدا عبده ورسوله **عنه** در
سلم و سنن ابوداود و نسائي و ابن ماجه است بر وایت
ابو موسی اشعري رضي الله عنه كه رسول الله عليه
وسلم النبیات بطريق مذکور میگفت النبیات
والصلوات والمسلم لله در سنن ابوداود است بر وایت
سرة رضي الله عنه كه رسول الله عليه وسلم النبیات
بطريق مذکور بخبر ابي عبد الله النبیات
والصلوات والنبیات السلام علیكم ایها النبی ورحمة
الله وبركاته السلام علینا وعلی عباد الله الصالحين
اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده ورسوله
عنه در سنن نسائي و ابن ماجه و صحيح مسند
بر وایت جابر رضي الله عنه كه رسول الله عليه وسلم
النبیات بطريق مذکور بخبر ابي عبد الله النبیات
عليهم السلام الصلوات علیهم السلام علیكم ایها النبی
ورحمة الله وبركاته السلام علینا وعلی عباد الله
الصالحين شهد ان لا اله الا الله واشهد ان

سلام
سلام

محمد علیه و آله و سلم در کوفه دعا این مرد و بید
 و صبح سترگ و موطا بر دایت عمر رضی الله عنه که
 رسول صلی الله علیه و سلم انصارت بطریق مذکور
مخوانند الله و یا علی بن ابراهیم الصالحات
الطیبات الصلوات لله و اشهد ان لا اله الا الله
و محمد لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسله
ان سله یلحق یشیرا و یدیرا و ان الساعة آتیة
لا ریب فیها السلام علیک ایها النبی ورحمة الله
و بركاته السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین
اللهم اغفر لی و اغفر لی و صبح کبر و واسط
 است بروایت ابن الزبیری رضی الله عنه الثقیات بطریق
 مذکور یعنی از معنی بعضی الفاظ که اینجا زیاد است
 ایست و کواهی میدهم که محمد صلی الله علیه و سلم
 بنده و رسول خدای است فرستاده است او را با حق
 مندر صند بنعم و ببع کنده بحجیم و کواهی میدهم
 که قیامت بی شک آمدنی است ای بار خدای مرا بیاور
 و بر باد دانت ثابت دار و کعبه الصلوة علی النبی
 صلی الله علیه و سلم این شروع است در کیفیت درود
 که در تشهد چگونه درود گوید اللهم صلی علی محمد

در کوفه دعا این مرد و بید
 و صبح سترگ و موطا بر دایت عمر رضی الله عنه که
 رسول صلی الله علیه و سلم انصارت بطریق مذکور

لنزلنا

یا علی بن ابراهیم الصالحات

در کوفه دعا این مرد و بید
 و صبح سترگ و موطا بر دایت عمر رضی الله عنه که
 رسول صلی الله علیه و سلم انصارت بطریق مذکور

و علی ابی طالب صلیت علی ابراهیم و علی ابی ابراهیم
 حید حید اللهم یا ربک علی محمد و علی ابی محمد کا کاد
 علی ابراهیم و علی ابی ابراهیم انک حید حید دد
 اصول است اما بروایت کعب بن عجره رضی الله عنه که درود
 بطریق مذکور کنیدی سنی ایست ای بار خدای درود بنیت
 بر محمد صلی الله علیه و سلم و بر ابی محمد جعفر درود
 فرستادی بر ابراهیم علیه السلام و بر ابی ابراهیم بدرستی
 ستوده بتا نشاء بسیار بزرگوار ای بار خدای برکت
 کن بر محمد صلی الله علیه و سلم و بر ابی محمد جعفر
 برکت کردی بر ابراهیم علیه السلام و بر ابی ابراهیم
 بدرستی کنی ستوده بزرگوار اللهم صلی علی محمد
 و علی ابی محمد كما صلیت علی ابراهیم انک حید حید
در صبح بخاری و سلم و منزه لسانی
 بروایت کعب بن عجره رضی الله عنه که درود بطریق
 مذکور گوید اللهم صلی علی محمد و ابی محمد
 كما صلیت علی ابراهیم انک حید حید حید اللهم
 یا ربک علی محمد و ابی محمد کا باریکت علی ابراهیم
 انک حید حید در صبح بخاری و سلم است
 که درود بطریق مذکور گوید اللهم صلی علی محمد

در کوفه دعا این مرد و بید
 و صبح سترگ و موطا بر دایت عمر رضی الله عنه که
 رسول صلی الله علیه و سلم انصارت بطریق مذکور

در کوفه دعا این مرد و بید
 و صبح سترگ و موطا بر دایت عمر رضی الله عنه که
 رسول صلی الله علیه و سلم انصارت بطریق مذکور

الله

[illegible]

231

الايواهييم

اذ قد صارت على وجه ما صليت على ابراهيم
 و نبارك على عباده الذين هم اهل البيت
 و آل ابراهيم
 و آل محمد
 و آل علي
 و آل الحسن
 و آل الحسين
 و آل جعفر
 و آل موسى
 و آل داود
 و آل سليمان
 و آل ايسا
 و آل يونس
 و آل زكريا
 و آل يحيى
 و آل عيسى
 و آل ارميا
 و آل يونس
 و آل زكريا
 و آل يحيى
 و آل عيسى
 و آل ارميا

[illegible]

ماوراءالنهر علی محمد

الحاج باب
دوست داشتن

۱۰۱

الاجمعي في اللغة منسوب الى
الاجمعي الذي لم يكن كاتبه
مستعبراً لغيره بل كان
الاجمعي في اللغة منسوب الى

بعضی می گفت و بعضی اینست ای بار خدای بدستی که
 من بیتی نام از کلام و دین اللهم اغفر لی ما کنهت و ما
 اکرهت و ما سررت و ما اخلطت و ما اضررت و ما انا علم
 به بیتی انت المغترم و انت الموحش لا اله الا انت **در صحیح مسلم**
 در صحیح مسلم و سنن ابی داود و ترمذی و نسائی است بروایت
 علی بن ابی حمزه که رسول صلی الله علیه و سلم بعد از تشهد
 اللهم اغفر لی تا آخر میخواند سقی اینست ای بار خدای بدستی
 برای من گناهان پنهان و گناهان پدید من و گناهان نهان
 و گناهان آشکار من و اسرار من یعنی کار پنهان کرده و گناه
 که بدان دانستی از من که شهادت یا و یا می آید باشد و مراد
 بدان علم نبود تو می شناسی و بسود از تو اللهم انی
 ظلمت نفسی ظلمت کفیری لا یغفر الذنوب الا انت یا غفر
 مغفر من ذنوبی و احسنی الله انت الغفور الرحیم **در صحیح مسلم**
 در صحیح بخاری و مسلم و سنن ترمذی و نسائی و ابی داود
 است بروایت ابی بکر صدیق رضی الله عنه که گفتیم ای رسول
 خدای سر دعای بیاموز که بدان در شان دعا کن پس رسول
 دعا را خواند و فرمود سقی اینست ای بار خدای بدستی که من
 بر نفس خود ظلم بیاوردم و گناهان ترا بر تو کسی نیامرز
 پس حشرت که برای من مغفرت از نزد خود و بر من رحمت کن

بدستی که تو می آسزندی رحمت کن اللهم انی اسألك
 یا الله الواحد القهود الذی لم یولد و لم یولد و لم یکن له کفرا احد
 ان تغفر لی ذنوبی الله انت الغفور الرحیم **در صحیح مسلم**
 در سنن ابی داود و نسائی و صحیح مسلم و کتب بروایت بخاری
 رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم بعد از تشهد دعا
 مذکور میخواند معنی اینست ای بار خدای بدستی که من تو را
 میخوانم آنکه گناهان من بیاموزی بدستی که تو می بخوری
 ای خدای تعالی که یکی هستی بنا به همه خلقی آنکه ترا دست و نه
 کسی و ترا شده است و هیچ یکی را و رحمت اینست اللهم
 احسنی بحسنایسیر **در صحیح مسلم و کتب بروایت**
 عابدی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم بعد از تشهد
 اللهم تا آخر میخواند سقی اینست ای بار خدای حساب کن
 با من حسابی آسان اللهم انی اعوذ بک من عذاب جهنم
 و اعوذ بک من عذاب القبر و اعوذ بک من فتنة المسيح الدجال
 و اعوذ بک من فتنة الحیة و الممات **در صحیح مسلم است**
 بروایت ابن عباس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم
 بعد از تشهد اللهم تا آخر میخواند پیش از این مثل این حدیث
 بر تو است عاقله رضی الله عنه آتش شده است و یقیناً اللهم
 انی اسألك من تغفر لی ما عذبت منه و ما لم اعلم اللهم

سئ سه كان ياريد كويد كه آنه نود نه كرده پس
 صدم لا اله الا الله وحده تا اخر كويد كه هان او شغفر
 شود و اگر چه مثل كند دريا باشد معقبات لا عيبا
 قائله او فاعلمون ذنوبكم صلو مكتوبه
 ثلث وثلاثون سجده و ثلث وثلاثون تحميد و انعم
 و ثلثون تكبيره در صحيح مسلم و سنن
 ترمذي و نسائي روايت كميان تحريم رضى الله عنه
 كه رسول صلى الله عليه وسلم فرمود كه هاني كه
 پس از يكديگر مي آيند ياكين بند كاهاني كه كناه را
 خصوصيت چنانچه در لا متعبد بكم كفته اند
 از كاهي كه زبان زده و نوبه نكرده هر كه از بعد
 هر نماز فريضة كويد سئ سه بار تسبيح و سئ سه
 تحميد و سئ و چهار بار تكبير و سئ و سئ و سئ
 صلو مكتوبه مكتوبه يانه و كبر يانه و هلك
 يانه و حيد يانه غفر كه ذنوبه و ان كافت
 اكن من بعد الجهر در سنن شافعي روايت
 ابو هريره رضى الله عنه كه رسول صلى الله عليه وسلم
 فرمود هر كه بعد هر نماز فريضة صد بار سبحان الله
 كويد و صد بار الله اكبر كويد و صد بار لا اله الا الله

در صحيح مسلم و سنن ترمذي و نسائي روايت كميان تحريم رضى الله عنه
 كه رسول صلى الله عليه وسلم فرمود كه هاني كه پس از يكديگر مي آيند
 ياكين بند كاهاني كه كناه را خصوصيت چنانچه در لا متعبد بكم كفته اند
 از كاهي كه زبان زده و نوبه نكرده هر كه از بعد هر نماز فريضة كويد
 سئ سه بار تسبيح و سئ سه تحميد و سئ و سئ و سئ صلو مكتوبه مكتوبه
 يانه و كبر يانه و هلك يانه و حيد يانه غفر كه ذنوبه و ان كافت
 اكن من بعد الجهر در سنن شافعي روايت ابو هريره رضى الله عنه كه رسول
 صلى الله عليه وسلم فرمود هر كه بعد هر نماز فريضة صد بار سبحان الله
 كويد و صد بار الله اكبر كويد و صد بار لا اله الا الله

در صحيح مسلم و سنن ترمذي و نسائي روايت كميان تحريم رضى الله عنه
 كه رسول صلى الله عليه وسلم فرمود كه هاني كه پس از يكديگر مي آيند
 ياكين بند كاهاني كه كناه را خصوصيت چنانچه در لا متعبد بكم كفته اند
 از كاهي كه زبان زده و نوبه نكرده هر كه از بعد هر نماز فريضة كويد
 سئ سه بار تسبيح و سئ سه تحميد و سئ و سئ و سئ صلو مكتوبه مكتوبه
 يانه و كبر يانه و هلك يانه و حيد يانه غفر كه ذنوبه و ان كافت
 اكن من بعد الجهر در سنن شافعي روايت ابو هريره رضى الله عنه كه رسول
 صلى الله عليه وسلم فرمود هر كه بعد هر نماز فريضة صد بار سبحان الله
 كويد و صد بار الله اكبر كويد و صد بار لا اله الا الله

كويد و صد بار الحمد لله كويد كه هان او شغفر كند و اگر چه
 اركت دريا باشد او من كل غشا و عشرين
 در سنن شافعي و صحيح ابن حبان و صحيح مسند كبر روايت
 زيد بن ثابت رضى الله عنه كه يا هر كه از هر تسبيح و تكبير و
 تحميد و تسبيح يا كويد او افضليت نكود حاصل كرده او
 بن كحل من التسبيح و التحميد ثلثا و ثلثون و التكبير اربعين
 و ثلثين لا اله الا الله عشرين سئ و در سنن ترمذي و نسائي
 روايت ابن عباس رضى الله عنه كه هر كه تسبيح سئ سه بار
 كويد و تكبير سئ و چهار بار كويد و تحميد ده بار كويد و ان
 نكود حاصل كرده او بن كحل من التسبيح و التحميد و التكبير
 يانه يا اله لا اله الا الله و تحميد و تكبير و لا اله الا الله
 و لا اله الا الله اركت خطا يانه سئ و سئ و سئ و سئ و سئ
 در سنن امام احمد است روايت ابو هريره رضى الله عنه كه
 از هر تسبيح و تحميد و تكبير صحتان بار لا اله الا الله تا ان
 اركت كاهان او صحتان دريا باشد اين كلمات انا صحتان كاهان او
 اركت يانه بر كاهان صحتان كاهان او بن كحل من التسبيح و التحميد و التكبير
 اركت يانه بر كاهان صحتان كاهان او بن كحل من التسبيح و التحميد و التكبير
 در سنن شافعي و صحيح ابن حبان و صحيح مسند كبر روايت
 ابو هريره و ابليس بن سئ است روايت ابن امامه رضى الله عنه كه
 صلى الله عليه وسلم فرمود هر كه آيه الكرسي بعد هر نماز

در صحيح مسلم و سنن ترمذي و نسائي روايت كميان تحريم رضى الله عنه
 كه رسول صلى الله عليه وسلم فرمود كه هاني كه پس از يكديگر مي آيند
 ياكين بند كاهاني كه كناه را خصوصيت چنانچه در لا متعبد بكم كفته اند
 از كاهي كه زبان زده و نوبه نكرده هر كه از بعد هر نماز فريضة كويد
 سئ سه بار تسبيح و سئ سه تحميد و سئ و سئ و سئ صلو مكتوبه مكتوبه
 يانه و كبر يانه و هلك يانه و حيد يانه غفر كه ذنوبه و ان كافت
 اكن من بعد الجهر در سنن شافعي روايت ابو هريره رضى الله عنه كه رسول
 صلى الله عليه وسلم فرمود هر كه بعد هر نماز فريضة صد بار سبحان الله
 كويد و صد بار الله اكبر كويد و صد بار لا اله الا الله

در صحيح مسلم و سنن ترمذي و نسائي روايت كميان تحريم رضى الله عنه
 كه رسول صلى الله عليه وسلم فرمود كه هاني كه پس از يكديگر مي آيند
 ياكين بند كاهاني كه كناه را خصوصيت چنانچه در لا متعبد بكم كفته اند
 از كاهي كه زبان زده و نوبه نكرده هر كه از بعد هر نماز فريضة كويد
 سئ سه بار تسبيح و سئ سه تحميد و سئ و سئ و سئ صلو مكتوبه مكتوبه
 يانه و كبر يانه و هلك يانه و حيد يانه غفر كه ذنوبه و ان كافت
 اكن من بعد الجهر در سنن شافعي روايت ابو هريره رضى الله عنه كه رسول
 صلى الله عليه وسلم فرمود هر كه بعد هر نماز فريضة صد بار سبحان الله
 كويد و صد بار الله اكبر كويد و صد بار لا اله الا الله

در صحيح مسلم و سنن ترمذي و نسائي روايت كميان تحريم رضى الله عنه
 كه رسول صلى الله عليه وسلم فرمود كه هاني كه پس از يكديگر مي آيند
 ياكين بند كاهاني كه كناه را خصوصيت چنانچه در لا متعبد بكم كفته اند
 از كاهي كه زبان زده و نوبه نكرده هر كه از بعد هر نماز فريضة كويد
 سئ سه بار تسبيح و سئ سه تحميد و سئ و سئ و سئ صلو مكتوبه مكتوبه
 يانه و كبر يانه و هلك يانه و حيد يانه غفر كه ذنوبه و ان كافت
 اكن من بعد الجهر در سنن شافعي روايت ابو هريره رضى الله عنه كه رسول
 صلى الله عليه وسلم فرمود هر كه بعد هر نماز فريضة صد بار سبحان الله
 كويد و صد بار الله اكبر كويد و صد بار لا اله الا الله

خطای و عیب و گناه و افعال و الاغلاط و الاغلاط
لصلحتها و لا یصرف سبها الا انت **درست** بزار است روایت
ابن عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد نماز
فریضه اللهم اغفر لی تا آخر میخواند معنی اینست ای بار خدا
بیامر کن که خطای مرا و گناه من را ای بار خدا بیامر کن
سوی صالح اعمال و صالح اقوال را نه بنیاید سوی صالح اقوال
و دور کن مرا از اعمال و اقوال بد را جز قول اللهم انی اعوذ
بک من غلاب الخ و غلاب القصر و من نسیته الحیا و الممات
و معنی شرح المصحح **در صحیح** ابو عوف و صحیح مستدرک است
بروایت ابو سعید رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
نماز فریضه اللهم اغفر لی تا آخر میخواند معنی کلمات اللهم اغفر لی
خطای و گناهی منی که گناهان منی و خطای و گناهی منی
لصلح الاعمال و الاخلاق اند لا یجوز لصلحتها و لا یصرف سبها
الا انت **در صحیح** مستدرک است روایت ابو یوسف رضی الله عنه
و در صحیح کبیر و کتاب عمل الیم و اللیل ابن سنان است روایت
ابو امامه رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد نماز
فریضه اللهم اغفر لی تا آخر میخواند معنی اینست ای بار خدا
من توبه من بد را و مسکن و رضا خود را و دور کن مرا از بد
بخای و اجنبی و اجنبی را و در ست معنی آنست که حال مرا

ار یا قی صبی لعلک اللهم اصح فی دینی و وسیع فی رزقی
و یاربک فی دینی **درست** امام احمد و صحیح
کبیر و صحیف ابن کثیر است روایت ابو سعید رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد نماز
فریضه اللهم اصح لی تا آخر میخواند معنی اینست ای بار خدا
دین مرا راست دار و سرای من فراخ گردان و در رزق من برکت
کن سبحان و تک و رب العزیز غیا بصفتی و سلام علی المرسلین
و الحمد لله رب العالمین **در مستدرک** ابو یوسف رضی الله عنه
صلی الیوم و اللیل ابن سنان است روایت ابو سعید خدری رضی الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد نماز فریضه
و یارب العزیز تا آخر میخواند معنی باری است پروردگار تو
ای محمد که پروردگار عزت است از انچه که از ان او را باری
و صف میکند و سلام خدای تعالی بر سر او باد و سپاس بر پروردگار
چهار تا در است و گاه و گاهی اللهم اغفر لی و سلم و رزق و صلوات
مع و یغفر لی غفر لی زاید و قال لیسر الله الذی لا اله الا هو العزیز
الرحیم اللهم اغفر لی و یارب العزیز و العزیز **در مستدرک** بزار است
و صحیح او سف و کتاب عمل الیوم و اللیل ابن سنان است روایت
ابن عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد نماز فریضه
بیشتر بدست راست خود بر سر خود مسح میکرد و یغفر الله الذی

در این کتاب از کتب معتبره است
در این کتاب از کتب معتبره است
در این کتاب از کتب معتبره است
در این کتاب از کتب معتبره است
در این کتاب از کتب معتبره است
در این کتاب از کتب معتبره است
در این کتاب از کتب معتبره است
در این کتاب از کتب معتبره است
در این کتاب از کتب معتبره است
در این کتاب از کتب معتبره است

ولا يسأ ولهم العزير **در سنن ابوداود و ابونعیم**
و صحیح ابوعوانه است که خصوصاً طعام و لیمت کثیر
را احابت کند فان كان صائماً صلي **در صحیح مسلم**
و سنن ابوداود و ترمذی و نسائی بروایت ابوهریرة که اگر
روزه دار باشد برای صاحب طعام دعا کند صلوة
بسمی دعا است و دعا و برکت **در سنن ابوداود**
و ابوعوانه و صحیح ابوعوانه است بروایت ابن عمر که
برای صاحب طعام دعا کنند و برکت خواهد بود یا و الله
فیکه کوبد و اذا اقطر قال ذهب الظما و انشأت العروق
و ثبت الاثر ان شاء الله **در سنن ابوداود و نسائی**
و صحیح مسلم است بروایت ابن عمر که چون
روزه افطار میکرد ذهب الظما تا آخر میگفت معنی اینست
تشکی رفت و رگها ترکفت و لجن ثابت شد که خدای تعالی
خواستند است اللهم اسألك بربختک انی و سبعین کل
شیء ان تصیر لی ذوقی **در کتاب عابن مرفوع**
و صحیح مسلم و سنن ابوعوانه و کتاب صلا الیوم و
ابن سیی است بروایت ابن عمر که چون روزی
صلی الله علیه و سلم روز افطار میکرد اللهم انی انا
سعی ایت ای بار خدای پدر منی که میفرمهم ان تقرب

افطیر
ما یقال

که همه چیز را در یک مرتبه است آنکه گناه مرا بیاوردی
قال انظر و قد قور قال افطر و قدکم الصائون و
اکل طعامکم الا بان و صلت علیکم الملائكة
در سنن ابوماجه و صحیح ابن حبان است بروایت
ابن عمر که بنی النبی رضوا به عندهم که چون روزی
علیه و سلم نزد قومی افطار میکرد افطر عندکم قال
بیگفت معنی اینست افطار میگردد اند نزد شما روزی دار
و خورید و افطار شما را بیک کار و آرزو شماست
برای شما فرشتگان از پروردگار و اذا حضر الطعام فلیسم
الله تبارک و تعالی بسم الله **در صحیح بخاری و**
و سنن ترمذی و نسائی است بروایت عمر بن ابی سرحه
که عهدها که چون طعام حاضر شود پس بگوید بسم الله یقرب
و بدست راست از تن دیک خورده خور عمر بن کور رضی الله
روایت میکند که من خوردم یوم در کنار رسول صلی الله
و سلم طعام میخورد و دست خود را در آن میکرد رسول
صلی الله علیه و سلم فرمود ای غلام چشم انداز و بدست
از تن خود بخور ان الشیطان یستحل الطعام الی لا یذکر
اسم الله علیه و سلم **در صحیح مسلم و سنن ابوداود و نسائی**
است بروایت ابن عمر که روزی که رسول صلی الله

افطیر
ما یقال

فرمود بدستی شیطان حلال دارد یعنی خوردن نه توانست
 طعمی را که جسم بر او نگویند یا برکت طعام ببرد
 قال یا رسول الله انما ناكل ولا نشبع قال فاجعل
 علی طعامکم واذکروا اسم الله یاربکم لکم فی
درستن ایها و د و این ملجه و صحیح است
 برایت و حشی رقی الله عنه که عیال به گفتند ای رسول
 خدا طعام بخوریدیم و سیر نمیشویم رسول صلی الله
 فرمود شاید شما جدا میگردید گفتند آری رسول صلی
 علیه و سلم فرمود که نشان بر طعام خود جمع شوید یعنی
 یکجا بخورید و بسم الله گوید تا طعام شما برکت شود
 و امر صلی الله علیه و سلم انحصاراً فی الشاة المستوی
 التي اهدتها الیه اليهودیه ان اذکروا اسم الله وکلوا ذاکلها
 فلم یجیب احداً منهم شیئاً **در صحیح مستدرک است** بر روایت
 ابوسعید خدری رقی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم
 امر که صحابه را بسم الله گفتن و خوردن کوفته
 آورد که دینب یهودیه روز فتح خیبر هدیه فرستاده بود
 پس صحابه بسم الله گفتند و خوردند پس هیچ یکی
 از آنرا چیزی نرسید و فرمودت سیر میبرد صلی
 الله علیه و سلم و ای یکی و هم ای بی ای التفتیم و

قال تاملکما فکون
 قائلان

اکلهم الرطب و الخمر و شربهم الماء قوله صلی الله علیه
 و سلم انما هذا طعام لیسیم الذی شاکرتم عند یوم القیامة
 فلما کمن علی صحابه قال اذ اصبحتم یذکروا الله
 یا بیکم فقولوا بسم الله و علی برکة الله فاذا شربتم
 فقولوا لیسیم الله الذی شربنا و اذکروا الله و انتم کلنا
 و اکلنا فاذا کفنا فی هذا **در صحیح مستدرک است** بر روایت
 ابوسعید خدری رقی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم و ابوبکر
 رقی الله عنهما سوختن خانه ابو الهیثم رقی الله عنه رفتند
 و خمرها و گوشت خوردند و ابوشیرین رسول صلی الله
 علیه و سلم فرمود این لیسیم است که روز قیامت شما را ازین
 خواهد شد پس رسید پس چون این سخن بر صحابه برآمد
 رسول صلی الله علیه و سلم فرمود چون مثل این طعام برسد
 و دست بر خوردن زید بسم الله و علی برکة الله و
 و چون سیر شود گفتند تا آخر گوید پس بدستی که این
 باز دارند آن سوال است معنی نیست حدیثی را که
 طعام واجب سیر کرد این و بر ما انعام بسیار کرد
 و ای لیسیم التفتیم اذک طعام لیسیم الله و ای
در صحیح مستدرک است بر روایت ابوعبید و ابوعبید
 این حیات و صحیح مستدرک است بر روایت عائشه رقی الله عنها

قول

له رسول صلی الله علیه وسلم فرمود یکی از شراب طعام خوردن
 گوید بسم الله گوید و اگر در اول طعام فراموش کند بسم الله
 اوله و آخره گوید و آن است که بخورد و او را عافه قال بسم الله
 بقدر حاجت و نه بکثرت و نه بکسر و نه بکثرت و نه بکسر
 و این را در این ماجه و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک و کتاب
 صلی الله علیه وسلم روایت جابر رضی الله عنه که در
 صلی الله علیه وسلم با پیغمبر یا خداوند آتی و رضی طعام
 لیسیم الله بقدر حاجت می گفت معنی اینست طعام می خوردم بسم خدا
 تعالی از جهت استواری بخدای عز و جل و توکل بخداوند تعالی
 فاذا فرغ من الاكل والشرب قال الحمد لله الذي أطعمنا
 و شربنا و كفا غيرنا و كذا و كذا و كذا و كذا و كذا و كذا
 در صحیح بخاری و چهار سقا است بر اینست ای امامه رضی الله عنه
 که چون رسول صلی الله علیه وسلم از اکل و شرب فارغ میشد
 الحمد لله تا آخر میگفت معنی اینست خود را بخدای تعالی است و او را
 خدای مرام است خود بسیار پاک خالی از نیاز که در آن بگویند یا
 بیغ رسانده است بود در طبیعی شرح مشکوٰۃ غیر مکی و ما بعد
 بسند معنی بیان کرده است اگر غیر را منصوب خوانند پس
 است و غیر را جامع سوی طعام یا حدیث اگر سوی طعام است
 اینست که غیر طعام سرود و مقولیا و ند و غیر متروک و حاجت

والشرب
 فرغ من الاكل
 ما كفا لدا

و این را در این ماجه و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک و کتاب
 صلی الله علیه وسلم روایت جابر رضی الله عنه که در
 صلی الله علیه وسلم با پیغمبر یا خداوند آتی و رضی طعام
 لیسیم الله بقدر حاجت می گفت معنی اینست طعام می خوردم بسم خدا
 تعالی از جهت استواری بخدای عز و جل و توکل بخداوند تعالی
 فاذا فرغ من الاكل والشرب قال الحمد لله الذي أطعمنا
 و شربنا و كفا غيرنا و كذا و كذا و كذا و كذا و كذا و كذا

ایده برین سرود و وجه و بنا منصوب بخدای عز و جل است و اگر
 غیر را منصوب خوانند پس در بنا سرفراخ بود بر بنا و غیر
 خبر مقدم بود و مکی معنی باشد از کفایت سقا است
 بود و کار ما کافی و معظم است غیر مکی و معظم و غیر مکی
 طلب از او و غیر محتاج الیه است الحمد لله الذي كفانا و كذا و كذا
 غیر مکی و لا مكفون در صحیح بخاری است بر روایت ابو
 که چون رسول صلی الله علیه وسلم از طعام فارغ میشد
 الحمد لله الذي أطعمنا و شربنا و كفا غيرنا و كذا و كذا و كذا و كذا و كذا و كذا
 کفایت طعام کرد و سبب آنست که انبیا در آن حال که آن طعام
 غیر سرود و غیر ناسی می کرده شده باشند الحمد لله
 الحمد لله و كذا و كذا و كذا و كذا و كذا و كذا و كذا و كذا و كذا و كذا و كذا و كذا
 و کتاب عمل الیوم و اللیل این سقا است بر روایت ابی سعید
 خدیج رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد
 از فراغ از طعام الحمد لله تا آخر میگفت معنی اینست خود را
 خدای مرام است که ما را طعام و آب داد و ما را سلسله انوار
 الحمد لله الذي أطعمنا و شربنا و كفا غيرنا و كذا و كذا و كذا و كذا و كذا و كذا
 در معنی او را و در سنن ترمذی و نسائی و صحیح ابن حبان
 بر روایت ابی یوسف رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم بعد از
 الحمد لله تا آخر میگفت معنی اینست خود را خدای مرام است

و این را در این ماجه و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک و کتاب
 صلی الله علیه وسلم روایت جابر رضی الله عنه که در
 صلی الله علیه وسلم با پیغمبر یا خداوند آتی و رضی طعام
 لیسیم الله بقدر حاجت می گفت معنی اینست طعام می خوردم بسم خدا
 تعالی از جهت استواری بخدای عز و جل و توکل بخداوند تعالی
 فاذا فرغ من الاكل والشرب قال الحمد لله الذي أطعمنا
 و شربنا و كفا غيرنا و كذا و كذا و كذا و كذا و كذا و كذا

طعام و آب داد و از گوارنده سبخت و صرا و باغیج گردانید
لَسَدَنِيهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي هَذَا الطَّعَامَ وَزَوَّجَنِيهِ مِنْ عَجْمَةٍ
مِنْ أَهْلِ كَلْبٍ لَا قُوَّةَ لَهَا **در سنن ابی داود و ترمذی و**
ماکیه و صحیح مسلم و کتاب علی الحیم و التبیان بن حاتم برآید
حدیثی از انس رضی الله عنه که رسول خدا صلی الله علیه و سلم بعد از آن
از طعام الحسد سه تا آخر میکنند معنی اینست حمد مر خدا بزرگ است که مرا
طعام داد یعنی حید و قوه این طعام را رزق من کرده و اَدَّ الْأَكْلَ
الطَّعَامَ فَلْيَقْضِ اللَّهُ بِكَ وَكَفَّ عَنْ قَلْبِكَ وَطَلْقَ لِسَانَكَ **در سنن ابی داود و ترمذی و**
در سنن ابی داود و ترمذی و ابن سابط است برآید این حدیثی
آنکه در آنکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود چون یکی از شما طعام
خورد پس گوید اَللّهُمَّ تَالْفَرَسِ بَعْدَ سَفَرِ ابْنِ تَيْمِيَّةٍ اَي بِاسْمِ اللَّهِ يَرْكَعُ كُن
برای ما درین طعام و ما را بهتر ازین در وانه گان گشتا فَلْيَقْضِ اللَّهُ
بِكَ وَكَفَّ عَنْ قَلْبِكَ وَطَلْقَ لِسَانَكَ **در سنن ابی داود و ترمذی و ابن سابط**
است برآید این حدیثی از انس رضی الله عنه که رسول خدا صلی الله علیه و سلم
و جرق طعام شیره بپاشد پس گوید اَللّهُمَّ تَالْفَرَسِ بَعْدَ سَفَرِ ابْنِ تَيْمِيَّةٍ
ای بار خدای بركت ده برای ما درین طعام درین طعام و زیاده
گردان از آن اِنَّ اللَّهَ لَيَرْفَعُنِي عَنْ الْعَبَادَةِ اَنْتَ يَا كَلْبُ الْاَكْلِ
فَيَحْصُلُ عَلَيْهَا اَوْ يَشْرِبُ الشَّرْبَةَ فَيَحْصُلُ عَلَيْهَا **در سنن ابی داود و ترمذی و**
در صحیح مسلم و سنن ترمذی و نسائی و کتاب علی النور و اللیل

بن حاتم برآید انس رضی الله عنه که رسول خدا صلی الله علیه
فرمود بدستی که خدای تعالی خشود شود از بدن خود از جهت
آنکه بی لقمه بخورد پس بران حد گوید یا کبرئیل یا جبرئیل یا میکائیل یا
یسی شد پس بران حد گوید وَاَدْ اَعْلَمَكَ بِمَا لَسَدَنِيهِ الَّذِي
لَا يَطْعَمُ مِنْ عَجْمَةٍ فَهَذَا كَأَنَّهُ أَطْعَمَنِي وَشَقَّاهَا وَصَلَّاهَا وَحَسَنَ
اَللّهُمَّ تَالْفَرَسِ بَعْدَ سَفَرِ ابْنِ تَيْمِيَّةٍ اَي بِاسْمِ اللَّهِ يَرْكَعُ كُن
عَنْدَ الْحَسَدِ لَعْنَةُ اللَّهِ اَلَّذِي أَطْعَمَنِي سَبْطَ الْفُلَمِ وَسَقَنِي مِنَ الشَّرَابِ وَ
كَسَبَنِي الْفَرَسَ وَهَدَنِي بَيْنَ الصَّلَاةِ وَبَيَّرَنِي مِنَ الْعُسْرِ وَفَلَّ
عَلَيَّ كَيْفَ مِنْ حَلَقِ تَهْنِئَةِ الْحَسَدِ لِلَّهِ دُونَ الْعُلَمَاءِ
در سنن نسائی و صحیح مسلم و صحیح ابن حبان است برآید
حدیثی از انس رضی الله عنه که رسول خدا صلی الله علیه
و سلم بعد از آنکه طعام دست می شست لَسَدَنِيهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي
سَبْطَ الْفُلَمِ وَسَقَنِي مِنَ الشَّرَابِ وَكَسَبَنِي الْفَرَسَ وَهَدَنِي بَيْنَ الصَّلَاةِ وَبَيَّرَنِي مِنَ الْعُسْرِ وَفَلَّ
عَلَيَّ كَيْفَ مِنْ حَلَقِ تَهْنِئَةِ الْحَسَدِ لِلَّهِ دُونَ الْعُلَمَاءِ
دهد و او را کس طعام ندهد بر ما منت نهاد پس ما را راه
راست نمود و ما را طعام و آب داد و هر عطائی نیک ما را داد
حد مر خدای راست بر طعام غیر متروک باشد و از آنکه
نبود و غیر تا سیاسی بران بود و غیر محتاج الیه باشد
مر خدای تعالی راست آنکه ما را طعام و آب داد و ما را از
پوششید و از گمراهی راه نمود و از ما پیشانی بینا گردانید

و بر بسیاری از خلق فضل داد و در مردای تملی راست کپی
 برورد که چنان است **اللهم اشهد ان لا اله الا انت** و روایت
 و روایتنا فاکثرت و اطببت فذکرنا **اللهم** در کتاب بعد از آن
 مرده و دیده و مصنف ابوبکر است برایت سمیع بن جبریل
 رضی الله عنه که چون رسول صلی الله علیه و سلم بر کعبه
 طعام دست می‌گذاشت **اللهم تاخر یکتا معنی** اینست ای بار
 ما را بطعام و آب سیر و گدازیدی پس گوید اگر در آن برای
 ما را در قیامت و جلاله وادی پس از آن حادث کن و بگو
اللهم تاخر یکتا معنی یا ربک اللهم فاعزهم فاعزهم
 و انصهم **در صحیح مسلم و سنن ترمذی و نسائی**
 و مصنف ابوبکر است برایت حدیثی که در پیرو رضی الله عنه
 که چون رسول صلی الله علیه و سلم طعام کسی می‌فرزید برافاهل
 او دعاییکرد اللهم یا ربک اللهم تاخر یکتا معنی اینست ای بار
 خدای بکت کن برای اینست که در روزی که دادی پس اینست
 یا مرد و برایشان رحمت کن اللهم اکرم من اظهرنی و اتق
 من سقانی **در صحیح مسلم است** برایت مقدار دیگری است
 که چون رسول صلی الله علیه و سلم در خانه کسی طعام می‌فرزید
اللهم اطعم تاخر یکتا معنی اینست ای بار خدای تملی
 طعام ده کسی را که مرا طعام داد و آنچه ده کسی را که مرا آید

و اذ البس ثوبا قال اللهم انی سائلک من خیر و خیر ما هو
 و انما یبک من شوه و شر ما هو **در کتاب بعد از آن**
 و اللیل بن سقی است برایت حدیثی که چون
 رسول صلی الله علیه و سلم جامه یا سلاخی می‌پوشید
 ای تاخر می‌فرمود معنی اینست ای بار خدای پدر منی که چنان
 از خیر این ملبوس و خیر آنچه مصنوع است این ملبوس
 برای آید و می‌پوشم بشوای شرافتی ملبوس و شرافتی
 برای آید تا آنکه کسان بدینک سئاه یا سئیه عمامه او
 او و غیره **در سنن ابی داود و سنن ترمذی و سنن ابی یوسف**
 خیر **در سنن ابی داود و سنن ترمذی و سنن ابی یوسف**
 بن سقی و شرافتی که **در سنن ابی داود و سنن ترمذی**
 و نسائی و صحیح ابن حبان و صحیح مستدرک است برایت ابو
 خدیج رضی الله عنه که اگر جامه نوی بود رسول صلی الله علیه
 نام آن جامه می‌گفت که چون بر او نهادن یاد ستار یا غیر آن
اللهم تاخر یکتا معنی اینست ای بار خدای من تراست حور
 بر او نهادن یاد ستار تو مرا یوشانیدی باقی معنی گذشت **در سنن ابی داود**
 الذی کسائی تا او را بی به خودی و آنچه به بی خودی
 در سنن ترمذی و ابی حنبله و مصنف ابوبکر و صحیح مستدرک است

عزیز علی الله رسول الله علیه وسلم فرمود هر که جامه
 نپوشد پس لعن شد تا آخر کوبن و چون جامه بپوشد
 صکر زد دهد او را حفظ خدای تعالی در ریاضات و
 باشد معنی اینست خدای تعالی راست که بپوشاند
 بر جامه که بر او دعوت خود می فرستد و حال آنکه رقیق
 خود ظاهر بدانی میکنم و من کبریا فاما الحکم مدینه الی
 کما فی هذا و در آیه من خود می گویم و لا یفرغ
 ما تقدیر یزید **در سنه** و ما تلحق در سنه اید ای
 و شریفی و این ماجه و صحیح است روایت صادق بن ابی
 رقیق مدینه الله رسول الله علیه وسلم فرمود هر که جامه
 نپوشد پس لعن شد تا آخر کوبن مقدم و مؤخر او مغفول
 کرد و معنی اینست خدای تعالی راست که این جامه را بر او
 و از ضعیف و قوی را این جامه روزی کرد و از ای عی
 صاحب و یزید بن ابی رقیق و یزید بن ابی رقیق
 داود و صحیح است روایت ام خالد رقیق مدینه الله علیه
 که چون رسول الله علیه وسلم بر صاحب سفر جامه
 او را تلبی تا آخر میگفت معنی اینست این جامه را بپوشد
 و خدای تعالی ترا بعد از این جامه را بپوشد و خدای تعالی را
 این جامه خلف باز دهد آری و اخذت ثم اقبل و اخذت ثم اقبل

بصیرت

در خلق **در صحیح بخاری و سنن ابی داود است** بگوید
 ام خالد رقیق مدینه الله رسول الله علیه وسلم چون جامه
 خود جامه می دید ابل و خلق صد بار میگفت تکرار از
 بشارت طول عمرت معنی اینست این جامه را بپوشد که
 معنی ابل و خلق یکبارت فاذا خلق بشارت بشارت بشارت
 اعین الحق و عودت ان یقول کبیر **در سنه**
 ابی رقیق و کتاب عمود الیوم و الیوم این است روایت ابی
 رقیق مدینه الله رسول الله علیه وسلم فرمود چون جامه
 جامه خود را از اندام بیرون میکنی پس بگو یا حی یا قیوم
 و عودت او اینست که بسم الله که بگوید یا اهل
 فایزکم و کتب در بن عیسی بن عیسی ثم یقول اللهم انی
 اللهم استعینک بعبادک و استعینک بعبادک و استعینک بعبادک
 اللهم فانه تعذر و لا تعذر و لا اعلم و انت علام الغیوب
 اللهم انک تعلم ان هذا الامر حق فی و ما یقین و ما یقین
 ما یقین امری او عاجل امری و اقبل فانه فی و کبریا فی ثم
 باری فی ثم و انک تعلم ان هذا الامر حق فی و ما یقین
 و ما یقین و ما یقین امری او عاجل امری و اقبل فانه فی و کبریا فی ثم
 و اصر فی عند و اقر فی الخیر حینا کات ثم اقبل و اقبل
در سنه این شروع در بیان نماز است و دعاء است

استیضاح
 ادب

قوله الرابع

ثم یقول یا
 حی یا قیوم
 اللهم انک تعلم
 ان هذا الامر حق
 فی و ما یقین

[illegible][illegible]

بیاض
مطبوہ

[illegible]

و ساقی و ابن ماجه و مسند ابی یحیی و مسند ابی بکر
 برایت این حدیثی است که علیه السلام قال الله انی سالت اناسا
 حق اینست ای باطنی بپوشانم بشو از شر این و شر این
 این را بدان آخری در پی بنام بشو از شر این و شر این
 بدان آخری و می بنام و کذلک فی الفاسد و یأخذ بهم بنام
 البیض در سنن ابی داود و سنن ابی یحیی است
 این حدیثی است که چون چهار پاید بخورد همیشه موی پشانی
 او بر خیزد و مانند کوه خیزد و اگر شتر بخورد سر کوه آن او را گرفته
 مذکور خواند و کافران استغفری مولا قال الله انی سالت اناسا
 کثیرا ان یخبرونی بقیة الکتاب و ما ینسوی به و یمنع
 برایت این مسند و حدیثی است که چون رسول صلی الله علیه
 علیه خیزد و الله انی سالت اناسا بقیة الکتاب و ما ینسوی به و یمنع
 ملک برکت کوه و همین در ذل و زلف این فراموشی که از آن
 لیس قال الله انی سالت اناسا بقیة الکتاب و ما ینسوی به و یمنع
 ما ذکرناه در اصول است برایت این حدیثی است که
 که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود چون یکی از شما جام زنت خواهد
 لیس انی سالت اناسا بقیة الکتاب و ما ینسوی به و یمنع
 در و در این شتر شیطان و در و در شیطان را از فرزند که سار و
 کردی یا انی سالت اناسا بقیة الکتاب و ما ینسوی به و یمنع

تأیید
 این حدیثی است

در سنن ابی داود

در سنن ابی یحیی

در کتاب دعا این حدیثی است که علیه السلام قال الله انی سالت اناسا
 این حدیثی است که علیه السلام قال الله انی سالت اناسا
 این حدیثی است که علیه السلام قال الله انی سالت اناسا
 که ما را روزی عسری و انی سالت اناسا
 این حدیثی است که علیه السلام قال الله انی سالت اناسا
 رسول صلی الله علیه و سلم که چون بر رسول صلی الله علیه
 و سلم فرزند نواده می آوردند در گوش او کلماتی می گفتند
 و لاد نای و قسده فی تجیر و حنکة یسیر و ذنابة و بکر
 در صحیح بخاری و مسلم است برایت اسماء بنت ابی بکر
 صدیق و حدیثی است که رسول صلی الله علیه و سلم آن را
 را در کف دست خود می نهاد و خرمایا میخاید و بکام می خورد
 و او دعا می کرد و امر صلی الله علیه و سلم آن را
 بر سر او می نهاد و او دعا می کرد و امر صلی الله علیه و سلم آن را
 برایت این حدیثی است که علیه السلام قال الله انی سالت اناسا
 علیه و سلم بنام نهاد و می خورد و امر صلی الله علیه و سلم آن را
 بر و در کف این حدیثی است که علیه السلام قال الله انی سالت اناسا
 کی سندی که از عقیقه گویند و تمویذ الی طفل اخره بکاف
 الله انی سالت اناسا بقیة الکتاب و ما ینسوی به و یمنع
 در صحیح بخاری و جها و سنن است برایت این حدیثی

و لاد نای
 تأیید این حدیثی است

در سنن ابی یحیی

در سنن ابی داود

11

پس ای داله با او دوام کند و خلیفه سازد است و عیسی علیه السلام
که بدین ساق برای عقیق کویده می باشد ای ترا بودیست
میردانی که تا اسیر نکند ترا و در میان او ضایع نکند و
قاله اوتد السقر فاجبی قاله عیسی بنیوی الله و الله
کوی شرف فاذا فی قاله اللهم اطلعه الیحد و هو علیه
رسول الله و در سنن ترمذی و نسائی و ابن ماجه است بروا
ابو هریره روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم مردی را که
سفر خواست و دست طلبید فرمود بنویس از هر کی و بر هر
کجین کن پس چون آن مرد پشت داد رسول صلی الله علیه و سلم
اللهم تا آخر فرمود معنی اینست ای یا خدای تعالی من را در هر
تاری که گردان و سفر دارم ساکن و در کفایت تقوی و تقوی
و بسوگند الخیر حیث ما کنت در سنن ترمذی و نسائی
بروایت از هر خواسته شده که رسول صلی الله علیه و سلم او را زود گفته
تا آخر فرمود یعنی اینست خدای تعالی تقوی را تو شد تو کرد اندر و گناه
تو بیا سرده و هر چه که او باشی ترا خیر و آسان کرد الله جل جلاله
التقوی ترا داد که و غفر تو کرد و شد که الخیر حیثما توجهت در سنن
و بحکم کبر است بروایت قتاده بن عیاض روایت شده رسول صلی الله
علیه و سلم او را بجهل الله تا آخر گفت معنی همانست که گشت ترا داد
ایضا علی جیش او سرتم او ضاه فی حاتم بنیوی قائم و من

در سنن ترمذی

بنی المصطفی خیرا ثم قال انقروا بسم الله و لا تنقروا الا علیه
و لا تنقروا و لا تمسکوا فلیتکلم و در صحیح مسلم و جمیع روایات
بروایت بریده و معنی اینست که رسول صلی الله علیه و سلم صحابه
برانش که با برادرش امیر مساخت او را خاصه بنویس و دست بگرد
و اهل اسلام را که با او بیرونند و دست خیر میکرد پس میفرمود این
تمامی غرا کید و خیانت نکند در غایت خود مکتب و اطاعت
و کوه کشید انظروا بسم الله و یا الله و معنی اینست رسول
صلی الله علیه و سلم که گفتند خیرا فاننا و لا یفعل و لا یفعل
و لا امرأه و لا ثماره و هو غایبکم و اخیار و انیس و ادات
یحب الخیر و در سنن ابی داود است بروایت از انس روایت شده
که رسول صلی الله علیه و سلم آن امیر و سلا ترا میفرمود و را
شود بنام خدای تعالی و بیا روایت خدای تعالی و بریدن رسول خدای
تعالی بهی فانی و طهر و شریف و کوه که تا بالغ و زود را یکشود و در
خیر و خیانت نکند و غیبت را یکی کند و اصلاح و احسان و زود
که خدای تعالی بجهت ترا و دست دارد فاذا انشی عنهم قال انظروا
بنی اسم الله اللهم لیضهم در صحیح مسلم است بروایت از
عباس روایت شده که چون رسول صلی الله علیه و سلم تا
تکم میزد میفرمود روانه شدید بر کوه و بر نام خدای تعالی و را
خدای ایشان را یا رنده فرا داد سفر قال اللهم بک امنی

بروایت ابن عباس رضی الله عنه که چون دعا به کسی روا شود
 که خداوند ای بنکات خدای مرا یا ربی کنی خدای تبارک و تعالی
 کند و در وقت آخر حکم الله و اداست و ای را دعوت
 طاهر یا عباد الله اعینونی یا عباد الله اعینونی یا عباد
 الله اعینونی و قد جوب دله در معجم کبیر است بروایت
 عقبة بن خرواد رضی الله عنه که اگر ای یاری خواهی
 که یا عباد الله اعینونی فی سه یا رکوع بد مصنف گفته است
 یا ذا الشرف علی مکانی ملین قال اللهم کما الشرف علی
 و کذا لقند علی کماله در مستطام اجراست و مست
 ای یاری و کتاب عبد الباقی این سقاات بروایت
 که چون رسول صلی الله علیه و سلم برجا بلند بر می آید اللهم
 لا الشرفی ما الخیر یکف معنی این دعا یا رب خدای سر تراست
 بر کداری بر هر بلندی و مرتضات حد بر هر حال و اذا ملک
 یمنه دخولها قال جبریل یراهما اللهم رب السموات الخ
 و ما اظلم و رب الارضین السج و ما اظلم و رب العالمین
 و ما اظلم و رب الیاق و ما اظلم و ما اظلم و ما اظلم
 و خیر اهلها و نمود بن و شرفها و شرفها و شرفها
 در متن نسائی و صحیح ابن حبان است بروایت صحیح
 رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم میفرماید که در شهر

شرف

در آید و قی که آن شهر را بیدید اللهم رب السموات و الارض
 تا آخر میگفت معنی این دعا یا رب خدای پروردگار هست
 و آنچه ایشان سایه بر آن افکنند و ای پروردگار
 هست زمین و آنچه ایشان را بر داشته اند و ای پروردگار
 شیاطین و آنچه ایشان را بر داشته اند و ای پروردگار
 پروردگار پادها و آنچه ایشان را بر داشته اند و ای پروردگار
 ما از تو نیکی این ده و نیکی اهدا و میخواهم و از بدی این
 و بدی اهدا و بدی آنچه در دست می پندارم انما الله
 و خیر ما فیها و اعوذ بک من شرها و من شر ما فیها و من
 کبر است ای یاری بد بستمند رضی الله عنه که رسول صلی
 علیه و سلم اساک خیرها تا آخر میگفت و بعد از آن که
 اللهم بارک لنا فیها ثلث مراتب اللهم ارفعنا بها و جبر
 الی اهلها و خیر صلی الله علیه و سلم و در معجم اوسط است
 بن عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم چون میفرماید
 که در شهر را بیدید که در امدت اللهم بارک لنا فیها الله
 میگفت بعد اللهم ارفعنا تا آخر میگفت معنی این دعا
 باران و از این این شهر را بیدید که در امدت و ما را سوی اهدا
 محبوب کرداد و سوسا محبوب کرداد و ما را سوی اهدا

بر و شرفی
 ما یا ربنا

بقرآن مدعی است ای بار خدای تعالی بدو سبقت فرم کن مرا چون
 تا استجابه شنیدم که بفرمیدی که وعده را حلال فرم کنی و مرا از اینجا
 که چنانچه صدای اسلام مرا را و خودی اسلام را از من بپروند
 شکستی تا مرا بپای و من مسلم باشم و میان الصفا و المروءه
 انقضی الرحمن انت الآخر لا شکرت **در کتاب بعضی ائمه**
 دعا این مرد وید و مصنف این کتاب است بروایت عمرو بن اسود
 رقی الله عنهما که رسول الله صلی الله علیه و آله میان صفای مرد و
 اخضر تا آخر میگفت معنی اینست ای پروردگار من بپای من و
 که بدیقت که توفیق اعز اکرم و ارقا صا لآخر کات لبی و این
 در صحیح مسلم و سفید افرا و دست بروایت ابن حنفی الله
 که چون رسول صلی الله علیه و سلم سوره که عرفات میفرمود
 تلبیه و تکبیر میگفت و حین الدعاء دعاء او هر عرفه و
 تا قلنت انا و التبیحوت فی لی لاله الا الله و بعد لا شریک له
 لا اله الا الله و لا نعبد و لا هو علی کفی کفی **در سنن**
 ترمذی و نسائی و این معنی است بروایت ابن عمر رقی الله علیه
 و عمرو بن شیب الزید فرمود از حدیث رسول صلی الله علیه
 و آله هر روز دعا در روز عرفه و یثرب و قول و قول پناه میران
 در روز عرفه است لا اله الا الله و بعد لا شریک له یا اکتبر
 و دعای الانبیاء فی لی یقرئه لا اله الا الله و بعد لا شریک له

اوران غایت

پیوسته
 معنی است
 در کتاب بعضی ائمه
 در کتاب بعضی ائمه
 در کتاب بعضی ائمه
 در کتاب بعضی ائمه

در کتاب بعضی ائمه
 در کتاب بعضی ائمه
 در کتاب بعضی ائمه
 در کتاب بعضی ائمه

لا اله الا الله و لا نعبد و لا هو علی کفی کفی **در سنن**
 ترمذی و نسائی و این معنی است بروایت ابن عمر رقی الله علیه
 و عمرو بن شیب الزید فرمود از حدیث رسول صلی الله علیه
 و آله هر روز دعا در روز عرفه و یثرب و قول و قول پناه میران
 در روز عرفه است لا اله الا الله و بعد لا شریک له یا اکتبر
 و دعای الانبیاء فی لی یقرئه لا اله الا الله و بعد لا شریک له
 لا اله الا الله و لا نعبد و لا هو علی کفی کفی **در سنن**
 ترمذی و نسائی و این معنی است بروایت ابن عمر رقی الله علیه
 و عمرو بن شیب الزید فرمود از حدیث رسول صلی الله علیه
 و آله هر روز دعا در روز عرفه و یثرب و قول و قول پناه میران
 در روز عرفه است لا اله الا الله و بعد لا شریک له یا اکتبر
 و دعای الانبیاء فی لی یقرئه لا اله الا الله و بعد لا شریک له

در کتاب بعضی ائمه
 در کتاب بعضی ائمه

در کتاب بعضی ائمه
 در کتاب بعضی ائمه

در مصنف او یک است بر روایت ابن مسعود رضی الله عنه و هم در مصنف
موقوف بر روایت ابن عمر رضی الله عنهما بر روایت ابن مسعود و
بر روایت ابن عمر بن قیس که رسول صلی الله علیه و سلم در سبک
در آمدن آنکه چون از بی جا رانان شدی اللهم انی استغفرک
مغنی ایست ای بار خدای من ای چو تا نبود که ای و گناه و لغو
کرد ای وید خود را نرسد که ای و کلام و کلام و کلام
این مرد وید و مصنف او یک است بر روایت حسن بن علی و هم در مصنف
بر روایت علیه و سلم نزد جبرائیل دعا میکرد و چون از دعا فارغ
مرد عکس میکرد و ایضا می گفت ای و کلام و کلام و کلام
در سبک است بر روایت ابن مسعود و هم در مصنف
که چون رسول صلی الله علیه و سلم در سجده می کرد می گفت
اگر می نهد و بیای مبارک بر من کلام ترا بی نهد و بی نهد
بی الا حقیقه لیسم الله الله و تقبل منی و تقبل منی
در صحیح مسلم و سنن ابی داود است و مناسبت بر روایت عایشه رضی الله
رسول صلی الله علیه و سلم در روایت لیسم الله الله تا آخر
مغنی ایست بنام خدای من ای چو تا نبود که ای و گناه و لغو
من و از آمدن حسن بن علی علیه و سلم ای و کلام و کلام و کلام
فقط استغفرک و الا حقیقه لیسم الله الله و تقبل منی و تقبل منی
ای صلاتی و تسبیحی و تحفای و منافی و رب العالمین لا شریک له

سوره
در سجده

وید که بر روایت ابن مسعود رضی الله عنه و هم در مصنف
اگر می نهد و بیای مبارک بر من کلام ترا بی نهد و بی نهد
بی الا حقیقه لیسم الله الله و تقبل منی و تقبل منی
در صحیح مسلم و سنن ابی داود است و مناسبت بر روایت عایشه رضی الله
رسول صلی الله علیه و سلم در روایت لیسم الله الله تا آخر
مغنی ایست بنام خدای من ای چو تا نبود که ای و گناه و لغو
من و از آمدن حسن بن علی علیه و سلم ای و کلام و کلام و کلام
فقط استغفرک و الا حقیقه لیسم الله الله و تقبل منی و تقبل منی
ای صلاتی و تسبیحی و تحفای و منافی و رب العالمین لا شریک له

صلوات

الصلوة
الصلوة
الصلوة

الصلوة
الصلوة

三

[illegible]

إِذَا اسْتَمِعْتَهُ
سَائِلًا

وَأَرْسَالُ ذَا الْجَلَالِ

کہ حریف

[illegible]

الْمَطْمُوحُ

كل من اتهم الذي يا خذ بالحق
تتركب اشياء الخ فانه الزمعه في الجسد
فيجاء الكفاي ويسكن الى الامام بعدد واما
يعلم المرء عاليا خذ نفسه لقلبي وفردا

[illegible]

وكتبه في سنة ١٢٠٠
 في شهر ربيع الثاني
 في مدينة القاهرة
 في دار الخزانة
 في سنة ١٢٠٠
 في شهر ربيع الثاني
 في مدينة القاهرة
 في دار الخزانة

[illegible]

البرق

ما بعد ان اذا سمع

وَاللَّحْقَ مَنْ خَفِيهِ **د** و در مطاوعت بروایت عیاده بن
زبیر روایت شده که چون آواز ز عد شدید فی سَفَا اَلْبَنَانِ
فرمودی سَفَا اَلْبَنَانِ که بایست آن خارا که وعد و فرستگان آنرا
و تسبیح منی اِنِّیْ یَا حَیُّ وَ اَدَا صَلَاتِ الرَّیْجِ اَسْتَبَلَّیْ بِیْ مُجِد
و جَعَلَنی دُکُیْنَةً وَ یَذَلُّ **د** و در صحیح عیسی و کذا
دعا او است بروایت ابن عباس روایت شده که چون یاد خواستی
رسول صلی الله علیه و سلم استقبال بی روی خود کردی و بر زبان
و دوست شدی و قَالَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ خَفِیَّهَا وَ جَوِّ
مَا فِیْهَا وَ خَفِیَّ مَا لَمْ یُجَلِّهِ وَ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ شَرِّهَا وَ شَرِّ مَا
وَسَّیَتْ اَنْ تَکُنَّ بَیْ **د** و در صحیح مسلم و سنن ترمذی
نسایب و کجابه دعا طبری است بروایت عیاض روایت شده
که چون یاد خواستی رسول صلی الله علیه و سلم اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ
اَسْأَلُکَ اَلْخَفِیَّ سَفَا یَسْتِ اِیْ بَارِخَیْ بَدْرَسَیْ که بمن میفرماید
تَوَکَّلْ اِنِّیْ بَادِ دُکُیْنِیْ جَدِیْ دَرِیْ بَادِ مَیْ کَیْ جَدِیْ اِنِّیْ بَادِ
اَوْ فَرَسَ دَرِیْ شَدِیْ مَیْ نَیْ اَمِ بَیْ اِنِّیْ بَادِ دُکُیْنِیْ جَدِیْ
دَرِیْ بَادِ مَیْ دُکُیْنِیْ جَدِیْ اِنِّیْ بَادِ دُکُیْنِیْ جَدِیْ اِنِّیْ بَادِ
اَللّٰهُمَّ اَجْمَلْ رَحْمَةً وَ اَعْظَمْ عَذَابًا **د** و در کتاب
طبرانی و صحیح کیاست بروایت ابن عباس روایت شده که چون
یاد خواستی رسول صلی الله علیه و سلم اَللّٰهُمَّ اَجْمَلْ مَا

الحمد لله رب العالمين

اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا بِرَقًا عَا
وَلَا تَعْصِبْهَا رَيْبًا

در سنن ترمذی و صحیح ابن حبان و مستدرک ابنی است بروایت ابن
عسیر مرقی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و سلم جمله ای که
گفت: اللهم اهلكنا آخره ودمعوا سيفت ایا با رجای طالع اگر
بر ما این ماه را یا این و ایمان و سلامتی و اسلام و توفیق و کما یک
قد دست داری و خشنود یا شی یا ما یُرَدُّكَ عَنْ بَرِّهِ وَ بَرِّهِ و کما یک
خدا یا حالت هَذَا الْحَرْبِ وَ دَنَا اللَّهُمَّ إِنَّهُ أَشَدُّ مِنْ شَرِّهِ و
وَحَرِّ الْقَبْرِ وَ أَعْدَاءِ مَنْ عَتَبَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ در صحیح کبیر
بر روایت زافع بن زید الله عنه که چون رسول الله صلی الله علیه و سلم
ماه نو بودی حال اخص تا آخر ماه را فرمودی سفاقت این ماه
حبی و رشادت ایا با رجای از نیکی این ماه سفاقت و نیکی
قله خجرام و دیدی این ماه و بنی ناهم اللهم أَرْزُقْنَا خَيْرَ
أَمْرٍ وَ بَرٍّ وَ كَلَامٍ وَ قَوْلٍ وَ فِعْلٍ وَ فِعْلٍ وَ فِعْلٍ وَ فِعْلٍ وَ فِعْلٍ و
بماده وَكَلَامٍ وَ بَرٍّ وَ كَلَامٍ وَ قَوْلٍ وَ فِعْلٍ وَ فِعْلٍ وَ فِعْلٍ وَ فِعْلٍ
و کما یک در کتاب دعا این روایت و مستدرک ابنی است بر
علی بن ابی حمزه الله عنه که چون رسول الله صلی الله علیه و سلم ماه نو
بودی اللهم أَرْزُقْنَا نَافِعَ خَيْرِ مَعْرَفَةٍ ایا با رجای خیر این
و فصل این ماه و فوفا این ماه را روزی کن ویدی این ماه و دیدی
له بعد اوست بنی ناهم و ان أَرْزُقْنَا إِلَى الْفَرَجِ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ
و من خَيْرِهَا الشَّامِ در سنن ترمذی و مسند ابی یوسف
مطابقت این شد بنما می خدا که چون کسی سبانه نظر کند بر

اگر با الله تا آخر بود معاف است بخدا شایان دیدی امره که تا بیک
کلمات چون بی تو که در میان کسوف داراست بحدوث بخیر
این جمله **اللهم صل علی محمد و آل محمد** و **اللهم صل علی محمد و آل محمد**
و **اللهم صل علی محمد و آل محمد** و **اللهم صل علی محمد و آل محمد**
عاشق و غایب که چون غیبت قلند را بدید پس هر که **اللهم صل علی محمد و آل محمد**
تا آخر گوید ای باری تعالی تو بی غش کنده که عفو را دوست داری
از من عفو کن و اگر نفع و جفا **اللهم صل علی محمد و آل محمد** صل علی محمد و آل محمد
خوبی **اللهم صل علی محمد و آل محمد** برایت این مسود و غایب
و در کتاب دعا می آید برایت عاشق و غایب **اللهم صل علی محمد و آل محمد** و **اللهم صل علی محمد و آل محمد**
روی مبارک خود را در آینه دیدی **اللهم صل علی محمد و آل محمد** و **اللهم صل علی محمد و آل محمد**
این ای بار خدای تو صورت مبارک خود را در آینه دیدی پس صل علی محمد و آل محمد
اللهم صل علی محمد و آل محمد و **اللهم صل علی محمد و آل محمد** و **اللهم صل علی محمد و آل محمد**
و در کتاب دعا می آید برایت عاشق و غایب **اللهم صل علی محمد و آل محمد** و **اللهم صل علی محمد و آل محمد**
صلی الله علیه و آله و سلم و در آینه دیدی **اللهم صل علی محمد و آل محمد** و **اللهم صل علی محمد و آل محمد**
ای بار خدای باشا چه صورت مبارک در پی برایت مبارک است و **اللهم صل علی محمد و آل محمد**
مبارک و رحیم که در آن **اللهم صل علی محمد و آل محمد** و **اللهم صل علی محمد و آل محمد**
صوتی و در آن **اللهم صل علی محمد و آل محمد** و **اللهم صل علی محمد و آل محمد**
برایت این دعا که در آن **اللهم صل علی محمد و آل محمد** و **اللهم صل علی محمد و آل محمد**
در آن **اللهم صل علی محمد و آل محمد** و **اللهم صل علی محمد و آل محمد**

[illegible]

المواصلة في
تكملة الجواهر
بما يقابلها

والتصوير والخط جدار است
والتصوير والخط جدار است

ایں

انهم

نظم حركات بدن كلمات تعبدية يابى كبرياء الله
 السلطان العظيم والحق القديم والرحم الكريم وفي
 الحكومات الثابتات والدعوات الشريفة عافى الله
 المؤمنين عن الضيق والهم والافسوس وان اجبت احديهم
 من جن وعنه بين يدي محمد يا باقر يا محمد يا علي
 يا الفضل والعهدة والعهدة والعهدة والعهدة
 الى آخر البقرة وسجد الله الامة وانهم الله في الاخرة
 الله الى آخر الميثاق وعشر من اول الصلوات لا يفي ولا يفي
 من اجل الشكر انه تعالى الاله من الجن والانس الله احد والمؤمنين
 من جميع مستديرك وستن ابن ماجة وستند امام احوال بر
 الى كتاب رضى الله عنه كجود على وادى على سبب جود
 اوله بطن خور بهند وروخوانه فاحمد والعهدة للكتاب
 والعهدة الى تآنية وآية الكرسي والله في السموات والارض
 سورة بقره شهد الله انه تآنية وانهم الله در سورة اعرف
 تآنية فعلى الله فالخروج المومنون وده آية ان اول الصلوات
 تآنية وسد آية ان اخر سورة حشر وآية انه تعالى اتسعة
 جن وتلهوا الله وسورة تان فانه در اوارت بروايت
 بن مسعود رضى الله عنه كاهد ركوش ستلاى با در صبح
 خواند در حالان ستلاى هوش آمد سر لعل الله عليه

والم الى العبد
 وما في الاصل

سورة

نظم

اي هذا الله جده خاى كبرياء الله
 فرموده كبرياء ي بكن ابن آية را با بين خود خواند كن انجا
 خورده وركبه وركبه المومنون يا باقر يا محمد يا علي
 عتبه كاهل خستيا جرح برآهده ثم قتلهم در سبيل
 ده وده وده است بروايت عفاة بن عمار له رسول الله
 عليه وسلم ديوانه والافسوس بقا بقوسد وازن هرياد
 و شيا كاه خواند ي هو كاه فاحمد تاه كبرياء خري واقف
 كبرياء منق اللطيف يا باقر يا محمد در احوال است بروايت
 ابو سعيد خدرى رضى الله عنه كرسول الله عليه وسلم
 كزينة مارا بصلواته افسوس كبرياء سبب سرات هفت بار
 دلرخت دينى صلى الله عليه وسلم عتبه وهو يلى فلما فرغ
 قال لعنه الله العتبه لانه لم يسلما ولا عتبه ثم دعا بياء ولى
 خيل يسوع طيها كبرياء عزابها الصكازون وذا اخذ برين
 الطلق وذا اخذ برين انتاس در جميع بقرات برين
 عتبه صلى الله عليه كاه بصلواته عليه وسلم را در حال ساز كاه
 كبرياء ان ساز فارع شد فرمود لعنت خدائى كن دم را كاه
 كاه رفس رسول الله عليه وسلم آب دنيا طلبيد ودر
 انون كبرياء وركبه خود سريخت وركبهاى كاه كبرياء بود سخ
 ميكرده وركبه سون جفا فانه در حيقه الحيوان است كاه

نظم

نظم

نظم

نظم
 نظم
 نظم
 نظم

نظم

قنادر و سمان و زمزم است چنانچه روح تو در آستانه حسن
 خود را در زمزم نهست و عکاهان را با یار خود تو بی بردار
 با گمان پس فریاد برین در شفا می آید شفا شود و روحی
 از حق خود زیاده ازین بدتر شد و ارجح یا ناضع
اعنه الله یا ذی الشان یا ذی الشان یا ذی الشان یا ذی الشان
یا ذی الشان یا ذی الشان یا ذی الشان یا ذی الشان یا ذی الشان
 در هیچ مسلم است برایت عاشقانه روحی که کعبه که درین
 با جری بری رسول صلی علیه و سلم آورد و کعبه را درین
 آنکه کعبه سبزه خود را بخوبی کرده و برین نهاده پس بر آشتی
 درین حال که کعبه شریفه تا افسوس بود پس چرا حق پس کرد
 معنی ایست از خاک زمین را مخلوط بخوبی معنی است تا کعبه
 و در برضعا را باذن بر بردار که در این است که شیخ نورالدین
 ذکر کرت است اشارت بر خال خلت آدم علیه السلام و ذکر
 دیده اشارت بر نطفه آدم علیه السلام که خلت فرماید
 است پس چنانکه که اخسار کنیز بر آن حالت تعجب میکند ای
 ببرد که او را اصل او را با چنانکه آفریدی و فرزندان از آن
 میگردید پس تو را آسانست که بچنین کشمحت دبی و قاضی
 ناصر الدین گوید که خوی را در نفع و تبذیر شرح در خلاص
 خلاص من را در حفظ شرح و دفع نقصان خسارت تا نرسد

ادب علاج

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰

[illegible][illegible][illegible]

Handwritten text in a cursive script, likely a list or index, with some words underlined.

الآداب
اداب اذ وقع

في المستقبل من الزمان والوقت
فان المقدس والامس واليوم والغد
الحي

١٠٠

ای که است بروایت عثمان رضی الله عنه که گفت بارک الله
او اعوذ بوجه الله وقلوبهم علی کفری وبقدر الجحیم
مرآت یضع تحت الیوم در سنن ابی داود و ترمذی
بروایت کتب بن مالک و رضی الله عنه اعوذ بوجه الله وقلوبهم
هفت بار بگوید و البسم الله اعوذ بوجه الله وقلوبهم
من شر ما بعد من وجهی و من شر ما یرفع ید من یدها در سنن
ترمذی است بروایت انس رضی الله عنه که یالکسم الله اعوذ
تا هفتاد که بگوید خرد را از کف در بردارد و چون باز
خواند باز دست بر آن نهید و بقرآن علیه السلام بالمؤمنین و
بالمؤمنات در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و
داین ماجه بروایت عائشه رضی الله عنها که یا معزات حق
و برد آن خود مد مراد از سعادت قل ما بها الکافرون
و معزاتین است و ما صابده رعد اللهم متقی بصری
اجعله العارث منی واری فی العود تأوی و انصرنی علی من
طلبنی در صحیح مسلم و کتاب علی الیه
و الیل است بروایت انس رضی الله عنه که کعبه در دجتم
رعد اللهم متقی تا آخر که در معراج است که مرا بچشم
بر خور داری ده و چشم مرا باقی بگردان و برانصرته بر
که ستم بر من کرده است و من حصلت له حقی یقول اللهم

در سنن ابی داود و ترمذی
در سنن ابی داود و ترمذی
در سنن ابی داود و ترمذی

در سنن ابی داود و ترمذی

در سنن ابی داود و ترمذی

الکبیر اعوذ بالله العظیم من شرک عرق نقار و من
شرک خائن در صحیح مسلم و در صحیح ابی داود
بروایت ابن عباس رضی الله عنه که کسی را که تب حاصل کرد
بسم الله الکبیر تا آخر که در معراج است می بینم
بخدای تعالی که عظیم است از بوی مرچ بنده و از بوی گری
آتش دوزخ و از بوی عرق حریم الحیوة فلا یشتی الموت
کتاب لا ید فاعلا فلیقل اللهم احیی ما کانت الحیوة
خیرالی و توفیقی اذ اکانت الوفاة خیرالی در صحیح
در صحیح بخاری و مسلم و سنن ابی داود و کتاب ابو الیه
بروایت انس رضی الله عنه و اگر کسی برسد فی رویه
از حیات پس آرد شهادت و یا پس از آن باشد ناجا را
از روی برنده موت را پس که بگوید ای بار خدای زنده دار
سأمدام که باشد حیات به تروی می و سپردن مرا و فی
که باشد شهادت و اذاعا و میضا قال لا یا من علم و
اذا شاء لا یا من یطهر ان شاء الله در صحیح بخاری
و سنن ترمذی است بروایت ابن عباس رضی الله عنه و هرگاه آنحضرت
صلی الله علیه و سلم عبادت مریض میفرمود میگفت یا کاف
بر توها شد این بیماری پاک کنند ترا از گناهان اگر خواهی
خدای بسم الله تریه ارضنا و رقیه بعضی ازین

در سنن ابی داود و ترمذی

در سنن ابی داود و ترمذی

الکبیر

یا اهلای ما و فرزندان ما از عتقهای خداست عزوجل که کوارا
اند و از عاقبتی قرار است که در دست گرفته شده است نزد
ما بخورد ای یکیکم با آن ها تا ما ندان که شمرده شده است و
ستاند آنها را در وقت معلوم پس آنان فریضه کرده اند
بر ما شکنجه ها که بد و درد فریضه کرده است بر ما صبر
و تقوی و بیایمانی ما را با ناپسندیدنی آن بخشوده خدا
تعالی که خوب بود و بد و عاقبتی قرار است کرده شده بود نزد
تو بخورد ای داد بود تو را و در حالی که از روی بود
با و خوش حالی میکردند با و گرفت او را از فریضه عظیم
و برکت رحمت در صحن دانه نمودن که از طوبی آن کجایی
صبر کن و باطلان را جمع و فریضه تو را با نپایان شوی
بدان بدرستی که جنت و فریضه یکدیگر چه چیز بود و نشود
از حد و او چیزی که نازل شوند است پس گویا واقع شد بر ما
نیست در جنت و سلامتی بر تو یاد و تو بر تو سلامتی صبی
الله علیه و سلم هر قسم الملائکة السلام حکیم در حصه و برکات
آن ذاب عزائم کن و حصه و علقه شکلا فایت فایده
فتوا و آیه و ارجو فاما الله و من جنة القرب و السلام
حکیم در حصه الله و برکات در دست در حکم است بر دایت
ما بر دایت عتق که آن حکم که وفات کرده رسول صلی الله

218

کردی

مرده بران کشته یعنی بر اسلام ثابت بود تا وقت سرنوشت
درآمد و در بهشت و اگر چه در آن کشته و اگر چه در آن
کشته باد تکوین و در هر حال اینها یک کشته و یک
یار سوگند و کینه بخور و اینها تا قاتل کشته و
خون خور لا اله الا الله در ستر احد و کتاب طهرانی
است بر روایت ابی و در که رسول صلی الله علیه و سلم پیش بود تا ز
سازید ایما و خود را احباب کنند یا رسول الله بعد کینه
تا زه کنیم ایما و خود را فرمود که بسیار گوید کینه طیب را
نفس لقا و در الله جبار حق تخلص الیه در جامع
است بر روایت عبد الله بن عمرو که فرمود صلی الله علیه و سلم
نیت بر آن کینه طیب را نزد خدا هیچ جای تا میرسد و
حق بی ذکر تو لها لا یتوکد و ثناء لا یشبهها عی
ست و یک حکم است بر روایت ام هانی بنت ابی طالب رضی الله
که بنام بر فرمود صلی الله علیه و سلم کینه طیب نیکو است
و هیچ گاه می دانی ما ند با و هیچ عی یعنی کینه آن کینه به
عنه است قرآن اهل المسوان الشیخ و الا و فی السی فی کینه
ولا اله الا الله فی حقیقه نالت بهم در جامع
و مین ششانی و ابی داود است بر روایت ابن عمر و ابو سعید
رضی الله عنه که بنام بر فرمود صلی الله علیه و سلم اگر بکینه

اول هفت انسان و اول هفت زمین یا شش در بهشت لا اله الا الله
در بهشت دیگر کران آید بر ایشان تا فاهما عبد قط تخلص الیه
له انی ابی النساء حتی تخلص الی انفس منی ما اجتنب الکبائر
در جامع ترمذی و سنن ششانی و مستدرک حکم است
بر روایت ابی هریرة رضی الله عنه که بنام بر فرمود صلی الله علیه و سلم
آن کینه را چه بزرگ و زمین هرگز در آن حالی که خالص کرده باشد آنرا
نیکو شده کرده باشد برای او در آن انسان تا میرسد و ششانی
خدا ما دام که در وی چیزی از کبائر لا اله الا الله و سنن لا یشترک
له الملك و له لیس یحیی و یمیت و هو علی کل شیء قدير
عشر برایت کان کثر انفس و انفس من و کثر استماع
در جامع ترمذی و سنن ششانی و مستدرک
احسن بر روایت ابی ایوب انصاری که بنام بر فرمود صلی الله علیه و سلم
کینه که گوید این کینه را ده بار باشد آن تا بلی مثل کسی که آنرا در
جوار فقر از فرزندان اسماعیل علیه السلام و معنی کینه مذکور
شده و مرقه العین فسیه در مستدرک و مصنف ابی ابی
شعبه است بر روایت بر بن عازب که گفت آن کینه بلیا و مانی
آنرا کردن کینه آدمی است و ما کینه کشته که بلیا و مانی
کینه آدمی است و مانی کینه کشته با کینه کشته و کینه کشته
بن الشیطان و کینه کینه با فضل بنما و لا اله الا الله علی کل

بعده

عشر

[illegible]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُحُبَاتُ الْغَمَامِ وَتُرَاةُ الْبُلْبُلِ وَالْمَدِينَةُ وَالْمَدِينَةُ
الْمَدِينَةُ وَالْمَدِينَةُ وَالْمَدِينَةُ وَالْمَدِينَةُ

عَوْدُهُ تَاخُلِقُ فِي الْأَرْضِ
أَوْ أَوْفَلَ

[illegible]

ما خلق سبحانه خلقا مثله
و سبحانه و تعالی

اهد علیه وسلم فرمود افضل کلام سبحان ربی و بحمد
 بارئ صلی الله علیه و آله و سلم و سبحان ربی و بحمد
 و تسبیح الله تعالی و سبحان ربی و بحمد
 است بر دایت ابو مالک اشجری رضی الله عنه که رسول
 الله علیه و سلم فرمود سبحان الله و بحمد الله بر یکصد
 بشو آب جانی تا که میان آسمان و زمین است و بحمد الله
 بر یکصد بشو آب جانی از حسنات أحب الکلام الی الله ارجح
 الله و بحمد الله و لا اله الا الله و الله اکبر لا یشرک
 بالله شیء **در هیچ مسلم و زیدی مذکور است بر دایت**
سیره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم در
کلام موسی خدای تعالی چهار دست یکی سبحان الله و دوم
و بحمد الله سیم و لا اله الا الله چهارم و الله اکبر پنجم
کلام که آغاز کنی ترا باین نکت که حق افضل الکلام بعد
و هن من الصراط در سند امام احمد است بر دایت حمزه
 رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم این چهار رکعت
 مذکور در افضل کلام است بعد قرائت و این از قرآن است من
 قالها کتب له بهکثر من عشر حسنات **در هیچ کس**
 بر دایت ابو عس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم
 فرمود هر که این چهار رکعت مذکور گوید بعد هر حرفی ده نیکی برای

در بعضی نسخ
 چهار

او بنویسد

او بنویسد لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله
در هیچ مسلم و زیدی مذکور است بر دایت ابو هریرة
 رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر آنکه گفت
 این چهار رکعت دو ستر است سوی من از آنچه آفتاب بر زمین
 آمد است از این لحظه طیب القربة عذبة الماء و انهار
 قلیما و لا یجف اشها حقه **در سنن ترمذی است بر دایت**
 ابی مسعود رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم خاک
 بهشت خوشی است آب بهشت شیرین است و زمین بهشت
 همواره است و دو خنق بهشت این چهار رکعت اند
 یفرس که بکشد و اجله شجرة فی الجنة **در سنن**
 ابی ماجه و صحیح مسلم و صحیح ابی داود است بر دایت ابو هریرة
 رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود برای تو هفت
 از این چهار رکعت در حق بهشت نشاء شده شود خداوند و چنانکه
 من الشا و تو کو یعنی هدی قانعت یا نین یوم القیامة
 عجبات و تعقبات و طهر الباقیات الصالحات و در
 تسبیح و سجده و رکعت معجم معجم است بر دایت ابی
 هریرة رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود از
 آتش سپر خود گیر این چهار رکعتی مذکور که هر که

فرمود

در بعضی نسخ

مختوم

بسته باشند قرابت خزان کسی را که قرآن خواند نتواند
هر که آنرا بگوید پس بدرستی که او دست خود را از نیکی
برکوبد و در شکوه است که عبدالله بن ابی اوفی روایت کرده
که پیش رسول صلی الله علیه و سلم آمد گفت ای رسول
خدا ی قرآن خواند فیتوانم مراجعزی یا موه که بسته
فرمود سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر
ولا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم گوای که گفت کویار
خدا ی این خدا ی قرآنی را مت مراجعت فرمود اللهم ارحم
واهدنی کو معنی او چه نماز گذشت و در آن انشاء صراحت
نمود و باز که الله یس علیکم ملک فقهون و فقهون
و سید یونس که یونس علی جمیع الممالیک الا سمرقند
یا یطیون خدی یطی یطی و بعد الرحمن و در کتاب دعاء
ابن مردویه و مسند ابی بکر است بروایت ابن سعید
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که
و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة
الا بالله و تبارک الله گوید فرشته ای که کتاب را وقت کند
و زبیر یا زدی خود دارد و بر آسمان رود بر فرشتگان که
بکنند تا که این دعا را شنود خوانند تا که آن فرشته بدین
دعا تا که دستش کند آن دعا الله اعظمی من الکلام

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

بقلا وها که مقبول باشند در جمیع کتب است که در
حکایت دج کنند که لا اله الا الله قلنا ما بين السماء
والارض **در سنن نسائی و ابن ماجه و صحيح مسلم**
و سند امام احمد و صحيح کبير است بروایت ام هانئ
رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
تولوا لا اله الا الله بن حکمت جانی بلکه میان آسمان
و زمین است نه بخ پیغمبر ما اُنزلت في الدنيا لا اله الا الله
قلنا الله و سجدنا لله و طعنا الله و الله اكبر و اقول ان
يتوفي فلنمزيه المسلم **در سنن نسائی**
و صحيح ابن خبات و مستدرک و مستدرک و مستدرک امام احمد
و صحيح کبير است بروایت ابی سلام و ابی بکر رضي الله
عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود اخ اخ به حج که چه کراه
کون کرد سزاوارتی لا اله الا الله دویم سبحان الله سیم
و الحمد لله چهارم گفته اکبر بن پیغمبر فرزند صالح که از سقا
پیرد و او بیعت طلب اجر می کند انما نزلت **در سنن نسائی**
بن جابر رضي الله عنه و سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
سبع و عشرون مرة و من قالها في يومه كذا و في ليله كذا
بصلواتها انما يحب احدكم ان ياتوه اولا يزل من يرك

الصلوة

جابر

در بعض کتب آمده است که در روز قیامت هر کس این دعا را بخواند...

در سنن نسائی و صحيح مسلم و صحيح کبير است بروایت
نعمان بن بشير رضي الله عنه که رسول صلی الله علیه
وسلم گفته بود حق که از آنچه شان ذکر عظمی خداوند
نیکی نیست که سبحان الله تا آخر گوید این کلمات کرد
عرش میگرداند و آوازی همچو آواز کیس انگبین می زند
بصاحب خود ملا اعلی را یا دسید یا نند تا فرشتگان او را
آرزو می خواهند باز رسول صلی الله علیه وسلم فرمود یا
بنی ان شان دوست ندارد که ملا اعلی را بدو هشتاد و
هشتاد و شصت و نه بار یا قیامت الصالحات الله اکبر و لا
اله الا الله و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و لا قوة
الا بالله **در سنن نسائی و صحيح ابن خبات** است بروایت
ابو سعید رضي الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود
که بسیار گوید یا قیامت الصالحات و که آن الله اکبر و لا
اله الا الله تا آخر است قل لا حول و لا قوة الا بالله یا نعمان
بن کنان فنجی **در اصول و مستدرک امام احمد و ابن**
و صحيح کبير است بروایت ابی موسی اشعری رضي الله عنه که رسول
صلی الله علیه وسلم او را یادگیری و اکنت لا حول و لا قوة
الا بالله بگو بدستی این دعا کنی است از گنجهای بهشت باب
مد ابواب الجنة **در مستدرک امام احمد و صحيح کبير**

در بعض کتب آمده است که در روز قیامت هر کس این دعا را بخواند...

[illegible]

نفس مناسباتیجا :
در آرد

فیرد سوگند ان خدای که نفس منی بقدرة اوست هرانده
بدوستی که فرشته بران شایسته از همه عرایس اندک توان
آرا بپوشد اما ندانند که چه طریق آرا بپوشد تا که
آرا بپوشد عینه عرض داد من بپوشدای قنای فرمودی
چنانچه بداند که گفتد است و قد علمت **سید ابی سعید**
و بدی که شد است سید استغفار در سه صلی تکبار استغفار
از بخاری و صفی نسائی و مسند بزار و باریت سید الدین
رضی الله عنه و ان ایست اللهم انت کفی لاله الا انت
خلفی قال انت ابن شروع و دیان استغفار است
ای لا استغفر الله و اقرب الی یوم الیوم تسبیح من
درست باری یعنی بر صلی و همج اوسط است باریت
ای صریح یعنی الله عزه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که
بدوستی من در روز هفتاد بار استغفار از خدای قنای
استغفار من **سید ابی سعید** در صلی بخاری و صفی
و از سید مسند و همج اوسط است باریت ای صریح یعنی
که رسول صلی الله علیه و سلم که روزی صد بار استغفار
میخواند اقرب الی باریکم قالی اقرب الی یوم الیوم
یا که مرتبه در صلی اربعه است باریت ابن عمر
الله عزه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود توبه کنید

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

سوی خالق خود من در روزی صد بار توبه میکنم تا آخر
 این استغفر و آن عا د فی الیوم سبعین مرتبه در سن
 ای واد است بر دایت اعز الم فی که رسول صلی الله
 علیه وسلم فرمود که صبریت در کتبه کسی استغفار کند
 و اگر چه باز کرد و بکتابه در روزی هفتاد بار الله
 لیکن الله علی یوم و ان لا استغفر الله فی الیوم یا که سه
 و در هیچ مسلم و سن ای واد و نسا می است که
 رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که بر دل من پوششی می
 بینی فتنی و غفای از کس میشود و بدستی که من در روزی
 صد بار از سرش میخوانم و الیوم نفسی بید که لخطا
 ان تخطی ثلث خطایا کم ما یبیت السماء و الارض ثم
 استغفر ثم الله لغفرکم و الیوم نفسی بید که لخطا
 خطیون اجاء الله یوم خطیون ثم یستغفرون یغفر
 لهم و در سند امام احمد و ابویات ابی
 که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که سوگند آن خدای که
 نفس من بید قدرت اوست اگر شان کتبه میگردین تا کدی
 کتبه شان میان آسمان و زمین را بر چسبند پس بید
 میخواند و خداوند خدای تعالی شان را از سر بید و پس
 آن خدای که نفس من بید قدرت اوست اگر شان کتبه نیکار

هر این خدای تعالی قومی را می آورد که کتبه میگردند پس از آن
 آنرا میخواند و مستغفر تعالی ایشان را می آورد و الیوم
 بید که لخطا ان تخطی ثلث خطایا کم ما یبیت السماء و الارض ثم
 استغفر ثم الله لغفرکم و الیوم نفسی بید که لخطا
 خطیون اجاء الله یوم خطیون ثم یستغفرون یغفر
 لهم و در هیچ مسلم و سن ای واد و نسا می است که
 رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که بر دل من پوششی می
 بینی فتنی و غفای از کس میشود و بدستی که من در روزی
 صد بار از سرش میخوانم و الیوم نفسی بید که لخطا
 ان تخطی ثلث خطایا کم ما یبیت السماء و الارض ثم
 استغفر ثم الله لغفرکم و الیوم نفسی بید که لخطا
 خطیون اجاء الله یوم خطیون ثم یستغفرون یغفر
 لهم و در هیچ مسلم و سن ای واد و نسا می است که
 رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که سوگند آن خدای که
 نفس من بید قدرت اوست اگر شان کتبه میگردین تا کدی
 کتبه شان میان آسمان و زمین را بر چسبند پس بید
 میخواند و خداوند خدای تعالی شان را از سر بید و پس
 آن خدای که نفس من بید قدرت اوست اگر شان کتبه نیکار

خداوند تعالی قومی را می آورد که کتبه میگردند پس از آن
 آنرا میخواند و مستغفر تعالی ایشان را می آورد و الیوم
 بید که لخطا ان تخطی ثلث خطایا کم ما یبیت السماء و الارض ثم
 استغفر ثم الله لغفرکم و الیوم نفسی بید که لخطا
 خطیون اجاء الله یوم خطیون ثم یستغفرون یغفر
 لهم و در هیچ مسلم و سن ای واد و نسا می است که
 رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که بر دل من پوششی می
 بینی فتنی و غفای از کس میشود و بدستی که من در روزی
 صد بار از سرش میخوانم و الیوم نفسی بید که لخطا
 ان تخطی ثلث خطایا کم ما یبیت السماء و الارض ثم
 استغفر ثم الله لغفرکم و الیوم نفسی بید که لخطا
 خطیون اجاء الله یوم خطیون ثم یستغفرون یغفر
 لهم و در هیچ مسلم و سن ای واد و نسا می است که
 رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که سوگند آن خدای که
 نفس من بید قدرت اوست اگر شان کتبه میگردین تا کدی
 کتبه شان میان آسمان و زمین را بر چسبند پس بید
 میخواند و خداوند خدای تعالی شان را از سر بید و پس
 آن خدای که نفس من بید قدرت اوست اگر شان کتبه نیکار

فرشته که موصی است بشعرون کتا آن تاسه ساعت
کند یعنی کناه او شویند پس او اگر درین سه ساعت
خواهد خدای تعالی آن فرشته را اطلاع برکناه او بدهد
و او را بپوز قیامت عذاب نکند إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ
لَكَنَ كُفَرٌ و عَزَّكَ رَبُّكَ لَعَلَّكَ لَا تَعْلَمُ أَخْرَجَ
آلَ آدَمَ مِنْ جَنَّاتٍ مَقَامُكُمُ فِيهَا وَجَلَّالِي لَا أَهْرَجَ
نُفُوسَ مَا اسْتَغْفَرُونِي و در ستادام این و ابوابی بر صحت
بودایت ای سعید رضی الله عنه که ابلیس ملعون و پروردگار خود
عن مجلد دکت بسو کن عزت و عظمت تو که فرزندان آدم را
هسته که راه کرد ام تا که ابراج در ایشان باشد و چنان
عن و بی خود بسو کن عزت و عظمت من همیشه ایشان را
آدم تا که ایشان از من آمرزش خواهند و تقدیم خود پیش
الرَّحْمَنِ الَّذِي جَاءَ إِلَى الْبَيْتِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَنُفِّلَ
رَأْسُ بَيْتِ وَقَدْ أَسَدَ دَرْبِ بِأَن قُبْرِهِ عَدِيدَ سُرُورِي بِجَدِّ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت وای بر کناه من فرمودند
که اللهم متفرک تا آخر بگویند تا من جافطین بر نماز
إِنِّي أَلَهُ فِي يَوْمِ تَجِيزَةِ قَبْرِي فِي أَوَّلِ الْحَجَّةِ وَفِي
آخِرِهَا اسْتَعْفَا وَرَأَى قَالَ تَبَا دَكَ وَقَالَتِ مَدْعُونَتُ
لَعْنَتِي تَابِينَ ظَلَمَ فِي الْحَقِيقَةِ وَدَمَسَ بِنَاوَا سَ

بروایت این رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
فرمود دو فرشته نگاه دارند احوال بنو کسان را پس
حق تعالی مصیبت را بر بندارند و بدو بیست حق صافی در
اول مصیبت و در آخر مصیبت استغفار بکنند و بدو حق
بدرستی بخشیدم برای بنده خود کناه که میان دو طرف
مصیبت است إِنِّي اسْتَغْفِرُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ كُتِبَ لِلَّهِ
كَهْ يَكُنْ مُؤْمِنِينَ وَمِنْ بَنِي سَكَنَ در معجم کبریا
بروایت عبادۃ رضا الله عنه که رسول صلی الله علیه و
فرمود هر که برای سراف و زلفان من آمرزش خواهد
خدای تعالی او را بدهد هر چه ورنه نیکی بنویسد و تقدیم
بَيْنَ كُلِّ بَيْنِي وَحَسْبُ لِي وَبَيْنِي وَحَسْبُ لِي وَحَسْبُ لِي وَحَسْبُ لِي
از منقول در سنن ابی داود و نسائی است و این ماجه
و صحیح ابن حبان بر دایت ابن عباس رضی الله عنه که
رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که هر که استغفار و
لازم گیرد و بسیار استغفار کند خدای تعالی او را از
تنگی بیرون آورد و از غم و اندیشه برهانند و زنی او
از جای که معلوم نباشد از آنجا بدهد و تقدیم من
اسْتَغْفِرُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ كُلَّ يَوْمٍ الْحَقِيقَةِ

پیش گرفته است متولد از حیم و کبیر بروایت ابراهیم
 رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که
 پیش و پشت یا بپشت و پیش یا در جای مردان در آن زمین
 امرزش خواهد بود و او سقیاب گردد و میرکت او اهل آن
 را بداند و برسد و توفیق مرحمت از رحمتی چنانچه صلی
 الله علیه وسلم فرمود یا رسول الله انما یزید فی فقال
 یزید علیه السلام قال ثم یستغفر الله و یسئد قال یغفر له
 و پیش گرفته است متولد از حیم و کبیر بروایت
 عقبه بن عامر رضی الله عنه فرمود هر که پیش و پشت
 الله علیه وسلم آمد و گشت ای رسول خدای یکی از ما کناه
 کند فرمود برو بنویسد گفت پس آمرزش خواهد بود و غریب
 کند فرمود که آمرزیده کرد و رسول الله صلی الله علیه وسلم
 ما یزید فی و یزید فی غفرت له علی ما کان منکم
 و لا یأثم فی این آدم فی بطنه خذ فی بطنه غنای المساء ثم
 استغفر فی غنای له یا این آدم تو انی بشارت
 از درین خطایانم یعنی لا شریک فی شئنا لا یتکلم بها
 متغیر است در سخن تفرقی است بروایت انس رضی الله عنه
 که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود خدای عزوجل میفرماید ای
 فرزند آدم تا که من خدای و اسید آمرزش من داری ترا بشارت

بر می

بهر خدای که باشی و با کناه نام ای فرزند آدم اگر کناه آن تو
 را صاحب آسمان یا تابعین آسمان در سید بی پس آمرزش
 از من خواستی ترا آمرزیدی ای فرزند آدم اگر تو بری
 زمین پیش من کناه آوردی و ملاقات من بی شریک
 من بری زمین پیش من مغفرت می آوردم ای عبد الله
 ذنب فقال ذنب آدم ذنب فاعف فی فقال الرب
 اعف عیدی ان کله ربنا یغفر الذنوب یا خذ سه
 غفرت لعیدی ثم کله ما شاء الله ثم اصاب ذنبا
 آخر فاعف فی فقال اعف عیدی ان کله ربنا یغفر
 الذنوب یا خذ سه غفرت لعیدی فلما فلیتمل ما شاء
 در هیچ بخاری و مسلم و سنن نسائی است بروایت
 ابی ریحان عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود بنا
 کناه کرد پس گفت ای پروردگار کناه کردم مرا بیا سر
 خدای قشای که ایامند من ذنبت که مراد پروردگار
 هست که کناه مرا می آرد و بکنایه میگوید پس بنده خود را
 آمرزیدیم بان آن بنده کناه را کرد بان آمرزش خواست
 همان فرمان میسر شد طریقی این و جز فی تفسیر است
 کبیر است در سنن ابن ماجه است بروایت عبد الله
 الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود نیکی و حسن

ربی الذنب

فقال اذ ذنب ذنبا

ثم یسئد الله ثم ساء ذنبا فقال
 ربنا اوسن ذنبا آخر فاعف فی فقال
 اعف عیدی ان کله ربنا یغفر الذنوب یا خذ سه
 غفرت لعیدی

است

استغفر الله و اتوب اليه كبري که آن دروغ باشد بلام اللّٰه
اعترفت و توبت علي كويد آن دروغ و گناه تبت سوال و تابت
تبت بخلافه بعض ايه ما فهم كرده است كه استغفار و توب
در دوع بلك من بلكوم كه آن گناه است كه اوجوه ازل
عالم آفرش خواهد كه استغفار طلب مغفرت ندارد
القباسي خاني قنلي بلك خود تبت پس گناه است كه
آن حرمان از آفرش است و تبت مذكور هم قول واجب
است و حقيقه الله كه تبت استغفار ما محتاج بسوي استغفار
پس اوست اما چون اتوب الي الله كويد و توبه نكرده است
بلاي في شل اين دروغ است و اما دعا بفسقه و توبه اكر
چه بفسقه باشد و توبه را در پايد كه تبت كودد تبت اكر
در راه بسيا ر كويد توب باشد كه در آيد و ظاهر بكنديان
مذكور و بسيا ر گفت رسول صلي الله عليه وسلم استغفار
و اد رجس واحد از دمار و قطع كردن آن صلي الله عليه
وسلم با توبش مرگي را كه استغفر الله و اتوب اليه
كويد اگر چه از قتال بگداي سه بار كرخند با توبش
هوشيار شد كه برده براي تو دور كرده باشد براي
نفس خود آنچه تراوشن صكره فضل القرآن العظيم
و كبريه و آيات اين شوع در بيان فضل القرآن العظيم

بِغُفْرَانٍ فَإِنَّهُ مِمَّا ذُكِّرُوا وَلَئِنْ سَأَلْتَهُ

و فضل و صفتها و آیات قرآن است اقرئ القرآن فإنه يأت
ببركته و آيات شريفاً لا تحصى به در هیچ مسلم است بربوبیت
و نبوت او بعد که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که قرآن بخوانید
بدرستی که قرآن روز قیامت اصحاب بخواند و شفاعت کند بمؤمنان
الله سبحانه و تعالی من شئت القرآن عن فراقی و من اتق
اعطیت فی الدنیا و الاخری و انما اعطی الله لیس فی القرآن
سائر الکلام کما فی الله تعالی علی خلقه در سنن
ترمذی و مستدرک است بروایت ابو سعید خدری که رسول
صلی الله علیه و سلم فرمود خدا از من بجهل میفرماید که کسی را
که قرآن از ذکر من و سوال من شنود کرد او را من جزای
قرآن خواند که ذکر و سوال کردن نتواند و او بهشت دهم
از آنجا است الا ما یهدیهم و فضل کلام خدای تعالی بر ذکر کردن
هیچ نعمت خدای است برخلاف تعلی القرآن و اقرئ
قال رسول الله آیه بنی سلمه فقرأ لا و قام به کثیراً
تلی سکر یلوح ربه فکرمه و من من یسلمه
تسیر قد و هو فی حرمه کثیر چه از آنکه علی بن
در سنن ترمذی و نسائی و ابن سابع و صحیح ابن
حبان است بروایت ابی حمزه رضی الله عنه که رسول الله
فرمود قرآن بیاهوین و بخوانید فراق که مشکلی که قرآن

بیاورد و بخواند و بر آن عمل کند مثل مشکیات که
که پیشک است که خوشبوی آن در هر صبح می دهد و مثل
کسی که قرآن آموزد پس خواب کند یعنی بخواند و قرآن در
شکم اوست مثل شکم است که دهان او بسته شده است خوشبوی
او شنیده می شود قرآن حرقا من حکما ب الله علیه علیه السلام
فلله تبارک و تعالی لا اقول الا حرف الف حرف الدال و لا امر
حرف و میم حرف در سنان تمیزی است بر او است این
سود رقی الله علیه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود
هر که یک حرف از قرآن خواند پس سراورایک نیکی است و نیکی
برده ما خداست نیکی بود که الم یک حرف است و لیکن الف
حرف است و لام حرف است و میم حرف است لا تحسک الا
فی التین تجد اناء الله الصراط فقی یقوم به اناء اللیل
و اناء النهار و تجد اناء الله نالا فهو یضعه اناء و
اللیل و اناء النهار در هیچ بخاری و مسلم است بر
این حدیث که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود و حسن شد
جز در روزی که یکی سر می که خدای تعالی او را قرآن
و در اوقات شب و روز میخواند و بدان عمل میکند
دویم سوره است که خدای تعالی او را مال داد و است
پس او در اوقات شب و روز میخواند و اتفاق میکند بقال

صاحب القراءات اقرا و ارق و رقی کتابک است و تبارک
فی الدنيا فان من قتلک عند آخر ایه تقرأ **م** در
سخن ابی داود و ترمذی است بر اویت عبد الله بن عمر
الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود بگویند در
قیامت برای صاحب قرآن که در دنیا قرآن خوانده است و
و بر آن عمل کرده که قرآن بخواند و بالاء درجه ای
بهشت برای و آهسته خواند چنانچه در دنیا آهسته
نویس که من قرآن خواندم آخر ایست اگر بسیار خواند
روی و اگر نه هر چاک قرآن تو آخر شود و بسیار
منزل است الذي یقرأ القرآن و هو ماهر به مع
السفرة الکتاب المبرور یقرأه و یشتمع فیو و هو
علیه شاک که آخری **م** در هیچ بخاری و مسلم است بر
عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که
آنکه قرآن بخواند و او را حفظ باشد و بجای حفظ
قرآن برود شهادت کرده و با فرشتگان رسید یا با فرشتگان
کتاب مطهران پروردگار باشد و کسی که قرآن بخواند و توبه
در قرآن کند و قرآن برود و دنیا را بکند و در آن آخر کرد
یکی از قراءت دوم اجر ده که قرآن او از ماه پیشتر
باشد که ماهر با فرشتگان کرام است و قرآن تفسیر حفظ

والتین

او با استقامت الطائفة اعظم سورة القرآن هي السبع
المشافي والقرآن العظيم **در صحيح بخاري** وسمي وسنه
ابي داود وسمي و ابن ماجه است برواي ابو سعيد ابن
المعالي يعني عنه كه رسول الله عليه وسلم فرمود كه فاطمه
بن كثرين سوره فاه از قرآن است فاطمه سبع مثاني است و
قرآن عظيم است سبع مثاني از آن ميگويند كه هفت آيت است
و در بار و در نماز ميخوانند ياك دهيان فاذل كس شرا
فاطمه الكتاب من تحت القوس **در صحيح مسلم** كه است
بروایت مسلم بن يساد كه رسول الله عليه وسلم فرمود
كه اذا شدد سرا فاطمة الكتاب و انزل بر عرش بيتا حين ليك
فاطمه عند النبي صلى الله عليه وسلم سيم نعتا من خروجه
نماضه فقال هذا ملك نزل لا دمن كم يتركه فطر لا اليوم
فسمك فقالا بئرا يودون او يتهمنا لم نزلت حسنا يعني
فلك فاطمة الكتاب و خواتيم سورة البقرة كن نقباء
صفي برهما الى اعليهنه **در صحيح مسلم** و صنف فسا
است بروایت ابن عباس يعني عنه كه جبريل نزل رسول
صلي الله عليه وسلم نشسته بود كه تا كاه از بالاى خود اورد
نشيد جبريل سر خود را بر داشت و گفت اين فرشته كه بر تو
اندر خدا مرون كايي نازل شده است پس فرشته مكدوب

توفي
ابن
وايش

رسول صلي الله عليه وسلم سلام خواهر و گشت ابي رسول
باشند بدو نور كه داده اند هيچ بشير بشير و اخاه
يك فاطمه و دوم آخر سورة بشير كثر في الزايف
مكره كه ترا آنه حق بدهند حق بسقي طري است يعني
هر طري كه خواهي آنچه ديانت طري است ترا دهند اگر فاطمه
از اخات و هدايت دهند و اكرا من الرسول خواهي آنچه
در انت از غفراة و جز آنه دهند و اكرا هرده خواهي
آنچه در زهره و هت بدهند البقرة اين شروع بيان سورة
يقرا است اذ المشطاة يقر من البيت الذي يقرأ فيه
البقرة **در صحيح مسلم** و سفي ترمذي و سافي است
بروایت ابي هريرة يعني عنه كه رسول الله عليه
وسلم فرمود بدو سفي كه شيطان بگردد از خانه كه در آن
بشر خوانند اقلها فابت اخقها بكككك و ككك
ككككك ولا يمشطها البقرة **در صحيح مسلم** است بروا
ابي امامه يعني عنه كه رسول الله عليه وسلم فرمود
بدو سفي كه شيطان بدو از خانه كه در آن سورة بقره
خوانند خداوند آن بركت است و ترك آن بشيماي و
ساحران اين خوانند **در صحيح مسلم** و سفي
و سنام القرآن البقرة **در صحيح مسلم** و سفي و صحيح

القرآن
سورة
نفلت

سورة

و هیچ شیطان است بروایت ابو حمزه رضی الله عنه که رسول
 صلی الله علیه وسلم فرمود هر چیزی را بپندری است و بپند
 قرآن سورة بقره است مِنْ شَرِّ مَا يَلِدُكُمْ يَدْخُلُ الشَّيْطَانُ
بَيْنَ يَدَيْكُمْ وَيَخْلُقُ مِنْ حَيْثُ لَا تَحْكُمُ لَهُ أَفْئَتُهُ كُنُوزٌ
لَا يَسْأَلُ عَنْهَا ثَمَرًا در هیچ این حیاست بروایت سهل
 که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر که سورة بقره در شب
 بخواند شیطان سه شب در خانه او در نیاید و هر که سورة
 بقره در روز بخواند شیطان سه روز در خانه او در نیاید
أَعْلَيْنَ الْبَقَرَةِ مِنَ الذِّكْرِ الْأَوَّلِ در هیچ مستند
 بروایت محفل بن یسار رضی الله عنه که رسول صلی الله
 علیه وسلم فرمود سورة بقره را از ذکر اول داد انداخت
 دارد که ذکر اول ذکر انبیا یا ذکر ترشکان باشد که بدان
 ذکر میکنند یا مراد از ذکر اول کتب مقدمه باشد الْبَقَرَةِ
 و آن عسران این مشهور در بیان فضل سورة بقره است
 و آن عسران است أَقْرَبُ الزَّهْرَانِ وَالْبَقَرَةِ وَالْعَمْرَانِ
فَانْهَسَا تَابَتْ لَهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِائَتَا نَفْسًا و آن
غِيَاثَانِ أَوْ كَانَتْ لَهَا فَرْقَانِ مِنْ طَيْرِ صَوَاتٍ يَحْتَاجَانِ عَنِ
أَحْوَالِهِمَا در هیچ مسلم است بروایت امام رضی الله
 که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که روشن کنندگان

فایده

البحرین
سورة
بقره

نحوه

نخوانند که سورة بقره و آن عسران است زیرا که بدستی این
 هر دو سورة روز قیامت هجود را بر یا هجود و سایر
 یا هجود و حیاست بر ندکانه که بازوی خود را کش
 کرد با یکدیگر چسبندند سایه کنان پیدا شد و آن
 خود حجت کنند و عذاب دفع کرد اند آیه الْكَافِرِينَ
بِئْسَ الْكُنْفَاءُ در هیچ این حیاست بروایت
 ابی داود است بروایت ابی بن کب رضی الله عنه که رسول
 صلی الله علیه وسلم فرمود آیه الْكَافِرِينَ بزرگترین آیه
 است در کتاب خدای تعالی سُورَةُ آيَةُ الْقُرْآنِ
 در سنن ترمذی و هیچ این حیاست و مستدرک است بروایت
 ابو حمزه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود آیه الْكَافِرِينَ
 بزرگترین آیه است لَا تَقْرَأُهَا عَلَى مَالٍ وَلَا لَوْ لَكَ
شَيْطَانٌ در هیچ این حیاست بروایت سهل که رسول
 صلی الله علیه وسلم فرمود نهی تو آیه الْكَافِرِينَ را بر
 و بر بنی شیطان نزد یک مالد و فرزند تو شود أَوَّلًا
 این بیان فضل دو آیه آخرین سورة بقره است أَسْمَاءُ
بِنْتُ أَبِي قُحَيْشٍ لَأَقْرَبُ فِي ذِئَابِهَا لِيَاكُ فَيَقْرَأُهَا
شَيْطَانٌ در سنن ترمذی و نسائی و هیچ این حیاست
 و مستدرک است بروایت خوان بن بشیر رضی الله عنه که

از

در هیچ

الکافی
فصل

ل
ابو حمزه
فصل

صلی الله علیه وسلم فرمود در هیچ خانه سه شب است
 تا آخر عمر اندک شیطان سه شب نزد یک آن خانه نشین
 ان الله لیسر بان یمن اعطانی فیما یرزقکم فی الزمان
 عربیه فمکنوا وعلوهم شاةکم وایاتکم
 فانه صلو وقرآن و دعا است در هیچ مسجدی بر و
 جبرین نعلی دهی الله عنه که رسول صلی الله علیه و
 فرمود که خدای تعالی ختم کرده است سوره بقره ابد
 آیه و داد مرا حق تعالی آن هر دو آیه را از کعبه که در
 بین شما آنرا بیاورید و زبان و فرزند آن خود را بیا
 بردستی آن استغفار است زیرا که غفران در آن و آن
 است صلو یعنی استغفار است زیرا که غفران در آن و آن
 است صلو یعنی استغفار آمده است که صلو ملائکه
 یعنی استغفار است و بدینست که آن قربت سوی رسول
 صلی الله علیه وسلم است که عطف و المومنون بر رسول
 است و بدینست که آن دعا است که و اعننا تا آخر و آن
 و اداست و ضمیر جمع راجع بر جماعت هر چه حروف است
 الا تمام این بیان فضل سوره انعام است لما نزلت سبح
 رسول الله صلی الله علیه وسلم قال لکشف هذه
 السورة بین الملائکه ما سئل و الا فک در هیچ مسجدی

انعام

بروایت ابن عباسی الله عنه که هرگاه که سوره نازل شده
 رسول صلی الله علیه وسلم سبحان الله گفته پس
 فرمود که پس روی کرده این سوره را چند از قرآن
 که اگر آنها ای اسان را بستاند الکشف این بیان سوره
 کشف است من قرأها يوم الجمعة أضاء له من الثواب
 ما یاید لیستغفر در هیچ مسجدی بر و است این
 خدای که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هر روز
 سوره کف خواند برای او نوری باشد از هدایت و نور
 تا جمعه و یک من قرأها لیکه للجمعة أضاء له من الثواب
 فیما بین قرین البیت النبوی در کتب دعا
 این سوره و مست و ارجی است که رسول صلی الله
 علیه وسلم فرمود هر که شب جمعه سوره کف خواند برای او
 نوری بیان او و میان کعبه روشن کنند عتیق قدیم
 و ادا شده گویند من قرأها کعبه انزلت کتابت له نور
 من مشابه الی مکة و من قرأها یشرایا یا بنی ابرها
 فخرج الذی جالکم یسلط علیه در سنن نسائی
 و هیچ مسجدی است بروایت ابو سعید دهی الله عنه
 که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که سوره کف
 چنانچه نازل شده است بخواند برای او نوری از حق

انعام

الانعام
سورة
نفسیات

او تمامه باشد و هرگاه آیه از آخر آن سوره بخواند
 پس در جلد بیرون شود بر سبط نیکو کرد. من قراء
 سورة الكهف كانت له نوراً يوم القيامة من مقابله
 الى مكة ومن قرا بعشر آيات من آخرها لم يخرج
 الدجال لم يقم **در هیچ** او سبط است بر روایت
 ابی سعید رضی الله عنه که بخواند سوره کهف یا
 او یا نوری از مقام او تا که در روز قیامت و کسی
 ده آیه یا آخر آن سوره و او اگر در جلد یا یا بدین
 هیچ زیان رساند بخواند من حفظ عشر آيات من
 أوّلها هم من قسمة الدجال **در هیچ** من و سوره
 ایداد و ترمذی و نسائی است بر روایت ابی الدرداء
 رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هرگاه
 ده آیه از اول سوره کهف بخواند از خنده دجال
 محفوظ باشد **در هیچ** انکه انکال فلیقرأ علیه قوا
 الحديث **در هیچ** سلم و چهار سوره است بر روایت
 نواس بن سمان رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
 وسلم فرمود هرگاه دجال یا بدین که که آنها او این
 سوره کهف بخواند یا آنها چهار کلمه من قسمة
 در سنن ابی داود است که بدو سنی اول آنها کهف

من حفظ عشر آیات من قسمة الدجال
 ترا من الاثر فيهم من قسمة الدجال
 ۴ در سنن ترمذی و نسائی و ابی الدرداء
 من قسمة الدجال است

بقره

ان

شریانی است از قسمة دجال اعطيت طه والطوايين في
 النور **در هیچ** انواج مرسى **در هیچ** سبط است بر روایت
 حمید بن یسار رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم
 فرمود که خدای تعالی مرا سوره طه و دو طسم و یک طس
 و هفت خم از الواح منی علیه السلام داده اند قلب
 القرآن من لا یقرأها رجل یرید الله والدار الآخرة
 إلا غفر له **در هیچ** انکه انکال فلیقرأ علیه قوا
 و ابی داود و ابن ماجه و صحیح ابن حبان است بر روایت
 رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود هرگاه
 سوره بین است هر مردی از غمخواری دیان حال که رضا
 حق تعالی و در آخره خواهد مکر که خدای تعالی او را بیا
 بخواند این سوره را بر مردگان خود **در هیچ** این بیان فضل
 سوره فتح است **در هیچ** انکه انکال فلیقرأ علیه قوا
 در هیچ بخواند و ستن نسائی و ترمذی است بر روایت غیر
 رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود سوره
 فتح دوست تر است سوی من از آنچه آتای پرورمان
 تبارک الملك ثلاثون آية شغفت برجل حتى غفر له **در هیچ**
در هیچ ابن حبان و چهار سنن و صحیح سبط است بر روایت
 ابی هریرة رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود

شغفت

و انما
 سورة طه
 فصلت

بقره
 سورة طه
 فصلت

الفصح
 سورة طه
 فصلت

الثالث
 سورة طه
 فصلت

با شد که بر آن عمل کند تا چادر رسد و در آن بماند و بعد از آن
شاید است قضیه رجلی را که است مکرر و او تمیز را چید
با شد الکافرون و مع القرآن در سنن ترمذی است
بروایت ابن عباس که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود
توایب سوره الکافرون توایب و مع قرآن است توایب و مع القرآن
در سنن ترمذی و صحیح مسلم و است بروایت ابن عباس
و معناه آنست که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود سوره الکافرون
برای توایب و مع قرآن است بسم الله الرحمن الرحیم هَذَا نِعْمَ الْبَيْتُ
الْمُكَتَبُ قَوْلُ الْفَجْرِ الْكَافِرُونَ وَالْإِخْلَاصُ
در صحیح ابن حبان است بروایت عائشه رضی الله عنها که
رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود نیک اند و سوره که آنرا
دو سنت غیر متعین اند یکی سوره الکافرون دوم سوره
الاخلاص قل هذا الله احد تلك القرآن این در صحیح
بخاری و صحیح مسلم و سنن ترمذی و ابن ماجه است
بروایت ابی هريره رضی الله عنه که رسول خدا صلی الله علیه و سلم
فرمود قل هو الله احد تلك قرآن است توایب تلك القرآن
در صحیح بخاری و سنن ابی داود و ترمذی و ابن ماجه و
صحیح مسلم و است بروایت ابی سعید رضی الله عنه که قل
هو الله احد با تلت قرآن بر او میشود یعنی توایب او بر

اذا جاء داعي الله من القرآن

ابی داود

تلت قرآن است و قال عز وجل كان يقرا بها اخصا بيه
الاصحاح الأخير من القرآن في صحیح بخاری و صحیح مسلم
و سنن ترمذی است بروایت عائشه رضی الله عنها که رسول
الله علیه و سلم هر یک را برین کی امیر ساخته بودند او را
خود را اما است میگرد و در هر نمازی بعد فاتحه قل هو
الله احد میخواند و چون با نگشتند رسول صلی الله علیه
و سلم را خبر کردند رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود
این بهتر است که هر یک را جدا جدا بخواند و او گفت درین
صحیح است و سنن ابی داود است میفرماید پس هر یک
که خداوند تعالی ترا دوست میدارد دوستی من ترا دوست
دارد که توایب و نعت دهد و دوستی بزرگانه آنست که استقامت
بر طاعت او یا تنبوی و صحبت کند و قال عز وجل كان
يقرأ بها من غير ما في المسكوة حبك اياها اذ كان
تلفتة در صحیح بخاری و سنن ترمذی است بروایت
ابن عباس رضی الله عنه که هر یک را قرات قل هو الله احد یا
دیگر بلزوم خوانند چون او را ازین حال پرسیدند گفت
گفت یا رسول الله این سوره را دوست میدارم رسول
علیه و سلم فرمود دوستی تو با من صورت ترا دوست دارد
آورد و مع زجل و قل هو الله احد و جبت قل هو الله احد

مسند

ابی داود

در صحیح مسلم و سنن ترمذی و موطا و سنن نسائی و صحیح
ستورکت بروایت ابی هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود را شنید که **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مِثْلًا** و پس
فرمود این مرد را بپشت واجب شد **وَالَّذِي فَعَلَنِي بِكَ اللَّهُ**
لَتَقُولَنَّ لَهُ الْعَرَّانِي در صحیح بخاری و سنن ابی داود و
نسائی است بروایت ابی سعید رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم فرمود پس گفت آن خدا را که نفس من بید قدرت
راست بپوشید که **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** بر تکیه قرآن است خدا را
أَن تَنَامَ عَلَى فَرْشِهِ فَنَامَ عَلَى بَيْتِهِ ثُمَّ خَرَّ عَلَى رَأْسِهِ مَرَّةً عَلَى
هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ إِذَا كَانَ قَوْمٌ الْفِتْيَانِ يَقُولُ اللَّهُ يَا
عَبْدِي أَذْخَلَ عَنِّي نَبِيَّكَ إِلَهَهُ در سنن ترمذی است
احمد بن حنبله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود وقتی
کسی که خوابد که بر سر خواب کند پس بر بیداری راست خود
بخشد و صد بار **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** بخواند چون روز قیامت
خداوند شای فرماید ای بنده من جانب راست خود در بپشت
در آیی چون اطاعت رسول نمیکردی و بر جانب راست
خفتیدی و سودی که در آن صفات منت خواندی پس
تو صاحب یسین از جانب چپ خود در بپشت و **وَالَّذِي**
النَّاسُ این بیان فصل سورة الفلق و سورة الناس است

قال في نسخة
من اوراقها

یمنی

وَالَّذِي فَعَلَنِي بِكَ اللَّهُ در سنن ابی داود
و نسائی است بروایت عقبه بن عامر رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه و فرمود ای عقبه ترا تعلیم کنم بهترین دوسوی
که خوانده اند یعنی معوذتین **أَقْرَبَ مَعَنَا وَ أَوْثَقَ بَيْنَنَا**
در سنن نسائی و صحیح ابن حبان است بروایت جابر
رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود این هر دو
سورة را بخوان و هر گز بشک آن نیخوانی و **كَانَ صَلَواتُ**
رَبِّكَ مِنَ الْخَافِ وَ عَيْنِ الْأَنَسِ وَ حَقِّ نَزَلَتِ الْمَعُودَاتِ
أَقْرَبَ مَعَنَا وَ أَوْثَقَ بَيْنَنَا در سنن ترمذی
و ابن ماجه است بروایت ابی سعید رضی الله عنه که رسول
صلی الله علیه و سلم پیش از نزول معوذتین از آسیب پری
و چشم انسان بپوشد دیگر تعویذ میکردند چون معوذتین
نازل شد آنرا گفت و معوذتین تعویذ میکردند **كَانَ**
وَلَا اسْتِغَاثَةَ سَتَعِيلُ بَيْنَهُمَا در مصنف ابویکرات است
عقبه بن عامر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم
فرمود پس بپشت تو هیچ حاجتی ندارد و است و هیچ پناه
بنا و بپشت **أَقْرَبَ مَعَنَا وَ أَوْثَقَ بَيْنَنَا** و مصنف
ابویکرات است بروایت عقبه که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که
هر که هر خواب کنی و هر که از خواب بیداری معوذتین بخوان

طه و شعرا

اَقْرَأْ بِالْحَمْدِ بِرَبِّكَ الْفَلَقِ مَا يَدْرُكَ كُنْ لَعْنَةُ جَسَدِهِ وَجَسَدِ لَعْنَتِهِ
وَأَيْلَاحُ عَشْرًا بِهَا ثَابِتٌ اسْتَلْكَ أَنْ لَا تَقْعُدَكَ فَاسْتَلْ وَرَجَعِ
سِتْرَكَ بِرَوَايَتِ عَقِبَةَ وَفِي لَحْدِهِ كَمَا رَوَى سُلَيْمَانُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ قَرَمَهُ إِذْ عَقِبَهُ تَلَا خُذْ بِرَبِّكَ الْفَلَقِ خُذْ بِرَبِّكَ الْفَلَقِ
هَكَذَا نَحْنُ فِي سِوَرَتِي دُوسْتِ سِوَرَتِي خَدَائِ تَعَالَى وَأَيْلَاحُ اِزْوَ
نَدِ خَدَائِ تَعَالَى بِرَأْيِ دَفْعِ بَدِي بِسِوَرَتِي كَمَا تَرَاهُ فَوَيْتُ فَوَيْتُ
خُذْ بِرَبِّكَ الْفَلَقِ خُذْ بِرَبِّكَ الْفَلَقِ خُذْ بِرَبِّكَ الْفَلَقِ خُذْ بِرَبِّكَ الْفَلَقِ
وَلَا يَسْأَلُ الْيَوْمَ وَاللَّيْلَةَ بِرَوَايَتِ عَقِبَةَ وَفِي لَحْدِهِ
وَمِنْ هَاصَاتِ أَلْفِ تَرَايَاتِ تَرَايَاتِ الْفَلَقِ لَمْ تَرَسْلَهُنَ قَطُّ
الْفَلَقِ وَالنَّاسِ دَرَجَتِ سَلَمِ وَسَانِ تَرَايَاتِ دَسَاخِ اسْت
بِرَوَايَتِ عَقِبَةَ وَفِي لَحْدِهِ كَمَا رَوَى سُلَيْمَانُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرُكُمْ
تَرَايَاتِي كَمَا اسْتَبَدَّ وَرَدَ أَمْرُهُ كَمَا تَطْبِئُ أَنْ تَرَاهُ كَمَا أَنْ سَوْرَةَ
الْفَلَقِ وَسَوْرَةَ النَّاسِ اسْتَبَدَّ وَرَدَ أَمْرُهُ الْفَلَقِ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ
بَعْدَ وَلَا يَسْأَلُ الْيَوْمَ وَاللَّيْلَةَ كَمَا تَرَاهُ كَمَا تَرَاهُ كَمَا تَرَاهُ
وَأَنْ رَوَى سُلَيْمَانُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِأَطْلَاقِ فِي تَجِيدِ الْفَلَقِ
الْفَلَقِ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ
الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ
بَقِيَّةُ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ
بَقِيَّةُ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ

بِس

ادعیه و سوره
نور و سبب

خطای

خطای بنام النور و نور بنی بن الخطایا کما
بقی القرب لا یبین من الدنس و یاجد سبی و بین
خطایا کما یأخذت بین المشرق و المغرب و در
ست است بروایت عایشه و فی لَحْدِهِ عَشْرًا كَمَا رَوَى سُلَيْمَانُ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ
انصاهی و از سِتِ بیری و اخذین و از کتا و از شر
نشد تَوَا فَلَکَرِ بَدِیْنِ کَمَا تَقَاخِرُ وَطَبِئَانِ کَمَا
دَرَسَاخِ الْفَلَقِ و از شَرَفْتَهُ فَعَدَّ کَصَدِّ بِرَأْيِ کَمَا
وَطَعِ دَرَسَاخِ اِشْتَانِ بِلَا دَمِ وَصَرِ بِرَأْيِ الْفَلَقِ خَيْرُكُمْ
سَوَّیْتُ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ
بَقِيَّةُ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ
بَقِيَّةُ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ
بَقِيَّةُ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ الْفَلَقِ

اعوذ

من غلای و افق
و اعوذ بک

در

خطای

بدستی که بتوی پناهم از صفتی بلا که در ستاره ای آن تجدید
 که صاحب آن سر که خواهد بیتی کس بود مرا د ازین کتابت مال
 و کثرت عیال است و پناه میجویم بتو از رسیدن بدستی
 و از بدی سوزی قضا و از غرض شدت و دشمنان اللهم
 اعوذ بک من شر ما عذت و من شر ما لم اعزل **در حدیث**
 در حدیث مسلم رسیده از ابو داود و نسائی و ابن ماجه است
 بر روایت عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه و سلم
 دعا مذکور میخواند صفتی بشت ای بار خدای بدستی که بتوی
 می پناهم از بدی آنچه کرده ام و از بدی آنچه کرده ام **در حدیث**
 اللهم اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا عَلِمْتُ وَ مِنْ شَرِّ مَا لَمْ اَعْلَمْ
در حدیث در حدیث مسند که در حدیث ای بکرت بر روایت عایشه
 رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه و سلم دعا مذکور میخواند
 صفتی بشت ای بار خدای بدستی که بتوی پناهم از بدی آنچه
 داشته ام و از بدی آنچه نداشته ام اللهم اِنِّیْ اَعُوْذُ
 بِکَ مِنْ ذَوَالْ یَؤْسَ وَ مِنْ شَرِّ مَا عَلِمْتُ **در حدیث** مسلم و
 سنن ابی داود و نسائی است بر روایت ابن عمر رضی الله عنهما
 که رسول صلی الله علیه و سلم دعا مذکور میخواند صفتی
 ای بار خدای بدستی که بتوی پناهم از ذوال یؤس تو که بر من
 و از کشتن عاقبت تو که در من است و از شتای خشم تو

و فیما یؤس و فیما یؤس

که بلائی شتاب دشوار تر است از بدی غضب که با هستی
 رسد و از جمیع غضب تو اللهم اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ شَرِّ
 شَرِّ شَرِّیْ وَ مِنْ شَرِّ یَؤْسَ وَ مِنْ شَرِّ یَؤْسَ وَ مِنْ شَرِّ یَؤْسَ
 شَرِّ یَؤْسَ وَ مِنْ شَرِّ یَؤْسَ **در حدیث** در حدیث مسند که
 داود و نسائی و صحیح مسند که است بر روایت مسند که
 رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم دعا مذکور میخواند
 صفتی بشت ای بار خدای بدستی پناهم از شتای غلبه کند
 و در حدیث از ابو داود اللهم اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ الْفَقْرِ وَ الْفَقَاةِ
 وَ الْاِزْدِیْ وَ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ اَنْ اُظْلِمَ اَوْ اُظْلِمَ **در حدیث**
 داود و نسائی و ابن ماجه است بر روایت ابی هریره رضی الله عنه
 که رسول صلی الله علیه و سلم دعا مذکور میخواند صفتی
 بشت ای بار خدای بدستی پناهم از فقر و فاقه و خوارگی
 بتوی پناهم ازین که ظالم یا ضعیف یا غلبه بر شوم اللهم اِنِّیْ
 اَعُوْذُ بِکَ مِنْ الْهَقَمِ وَ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ التَّزِیْ وَ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ
 الْفَرَجِ وَ الْحَرِّ وَ الْقَمَرِ وَ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ اَنْ یُخْطِیَ الشَّطْرَانِ
 یَعْنِ الْمَدِیْنَتَیْنِ وَ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ اَنْ اَمُوْتُ فِی سَبِیْلِهِ مُذِلًّا وَ اَعُوْذُ
 بِکَ مِنْ اَنْ اَمُوْتُ لَوِیْعًا **در حدیث** ابی داود و نسائی و صحیح
 مسند که است بر روایت ابو الیسر رضی الله عنه که رسول صلی
 علیه و سلم دعا مذکور میخواند صفتی بشت که ای بار خدای

بکرم بکرم

و فیما یؤس و فیما یؤس

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بنوی پنجاهم ازین که دریا و یا سستی یا جران برین آمد
و ازین که در چاه یا از بلندی افتد و ازین که غرق شود
و ازین که با تشبیه و ازین که بهایت پیروی برسم ازین
مذکور پنجاه جفت با آنکه در آن مرتبه شهادت است زیرا که آن
اشیاء سخت است و صبر بر آن دشوار است شاید که شیطان
درین فرصت یابد و در کمال ساختن او شتابد و بنوی پنجاهم
ازین که شیطان نزد صورت مرآت بکشد و ایسان مرآت
سازد و بنوی پنجاهم ازین که از راه توبه توبه داد
یعنی وقت غز کرد و بکسرت و کشت شوم و بنوی پنجاهم
که از کنیزان گرفته بپریم شل مار و گزدم و غیره بدانکه این
هم تعلیم برای است است و اگر نه او سستی الله علیه و سلم
ازین همه محفوظ است اللهم اقمی احوالنا من سكرات
المخلاق و الاغصان و الاغصان و الاغصان در ستن
تندیب و صحیح ابن حبان و مستدرک است بروایت قطبیه بن
رفعی الله عنه که رسول الله دعا کند کور میخواند معنی اینست که ای
بار خدای بنوی پنجاهم از مکررات و از قبیحات اقوال و افعال
و خواسته های دل و پیمانها و رخصت های و لغزشها و
در ستن بر مبدی است بروایت ابو امامه رقی الله عنه اللهم
انا نسألك عن خیر ما سألک منه نبيك محمد صلی الله

عليه و سلم و انت المستعان و عليك اقبال و لا حول و لا قوة الا بالله
در ستن ترجمه اینست بروایت ابو امامه رقی الله عنه
که دعا کند کور میخواند معنی اینست که ای بار خدای از تو میجویم
آن نیکی آنچه بنام محمد صلی الله علیه و سلم خواستد و میپا
بتوانش آنچه بنام تو محمد صلی الله علیه و سلم بخواهد
چسبته و از یارها میطلبم و برکتست رسانیدن یاری و از
کنایه باز ما فتنه و قوت طاعت جز باری تو نیست اللهم
اعوذ بك من حجاب المسوء في الدنيا والآخرة فان حجاب الآخرة
يغفل عنه و در ستن نسائی و صحیح ابن حبان و صحیح
مستدرکست بروایت ابی هریرة رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه و سلم دعا کند کور میخواند معنی اینست که ای بار خدای
بنوی پنجاهم از همسایر بد سراي اقامت پس بدستی که هست
پا دیر متعلق میشود احوال ما لله من نصرة خير الدين
در ستن نسائی و صحیح ابن حبان و مستدرک است بروایت ابی
رفعی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم دعا کند کور میخواند
معنی ظاهر است اللهم اقمی احوالنا من غلبه الدين و غلبه
العدو و شانه الاغصان در صحیح مستدرکست و ابن حبان
بروایت ابن حنبل و صحیح ابن حبان و مستدرکست و علامه
میخواند معنی اینست که ای بار خدای بنوی پنجاهم از غلبه

وعلیه دشمن و غیره حال دشمنان اللهم انی أعوذ بك من
لا ينجي قلب لا ينجي دعاء لا ينجي ونفس لا ينجي
در هیچ سوره که در مصنف ابی بکر است بر روایت ابن مسعود و غیره
که رسول الله صلی الله علیه وسلم دعا مذکور میخواند و من آنرا
گفته بود لبني با لله بنش العنجه در هیچ سوره
و مصنف ابی بکر است بر روایت ابی هریره رضی الله عنه که رسول صلی الله
علیه وسلم این کلمات مذکوره برده است قدم زیاده کردی
معنی است که بتو می پناهم از هر سگی زیرا که سگی دشمن بنا
لی رسول الله بنش العنجه و من الکسل و الفج و الفکر
و الفهر و من اذ لی ذلی القهر من بنش الذی یفعل
انقر و من بنش السما و المات اللهم انما انا لک عراب
مخبر بک و منجیات امین و الملائه من کبر اسم و
الغنیمة من کبر و الفور یا بنش و الفجاء من النار
در هیچ سوره است بر روایت ابن مسعود که رسول صلی الله
علیه وسلم برده است قدم این دعا مذکور بن زیاده کردی
سفایت که می پناهم بتو از خیانت باقی معنی گذشت اللهم
انی انا لک عراب و انا لک عراب و انا لک عراب و انا لک عراب
حیاست بر روایت جابر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
و دعا مذکور میخواند معنی است که ای بار خدای از تو طلب میفرمایم

وعلیه دشمن و غیره

آن

علم نافع میخوانم
و بنویسد

پناه

می پناهم اللهم انی أعوذ بك من علم لا ينفع و عیب لا يرفع
و قلب لا ينجي و فؤاد لا ينجي و روح لا ينجي و جوارح لا ينجي
در مصنف ابی بکر است بر روایت امیر رضی الله عنه که رسول صلی
الله علیه وسلم دعا مذکور میخواند و معناه او گذشت اللهم
نعوذ بك ان ترجع علي أعقابنا أو تعقبن عن ربنا
در کتاب دعا ابن مسعود و هیچ بخاری و مسلم است بر روایت
ابن حنبله رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعا
مذکور میخواند معنی است که ای بار خدای بتو می پناهم از این
که بر پا نشدنی پای خود سوی کفر باز گردیم یا فتنه
ازد بر خود شویم این تعلیم برای امت است نعوذ بالله من
عذاب النار نعوذ بالله من الفتن ما ظهر منها و ما بطن
نعوذ بالله من فتنه الزمان در هیچ ابی حواته
بر روایت زید بن ثابت رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه
و سلم دعا مذکور میخواند معنی است که بخدای تعالی می پناهم
از عذاب آتش و از فتنه ظاهر و باطن و از فتنه دجال
اللهم انی أعوذ بك من علم لا ينفع و من قلب لا ينجي
و من نفس لا ينجي و من دعاء لا ينجي اللهم انی أعوذ
بك من هو لا ادرج در مصنف ابی بکر است بر روایت
ابن عباس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم دعا

آنا

ابن

مذکور خواندی معنا و بالا گذشت اللهم انی اعوذ بک
من الخوف لا یستع ولا یخشع و نفس لا یستع و نفس لا یخشع و در هر
کبر است بروایت جریبر روی الله عنه که رسول صلی الله علیه و آله
دعا مذکور خواندی معنی گذشت اللهم انی اعوذ بک
من الکسل و الغفم و یقین العسر و عذاب القبر و در
مجم کبر است بروایت ابن عباس روی الله عنه که رسول صلی الله
علیه و سلم دعا مذکور میخواند معنی گذشت اللهم انی اعوذ
بک من یوم السوء و من جبار السوء و من الخفاة و در
مجم کبر است بروایت عقیقه روی الله عنه که رسول صلی الله
علیه و سلم دعا مذکور میخواند معنی ای بار خدای یزدانی
می پناهم از روز بد و از شب بد و از ساعت بد و از صاحب بد
بد در سوره اقامت اللهم انی اعوذ بک من الخوف و من السوء
و من الخفاة و در سنن ابوداود و نسائی و معتزلی
و کبری است بروایت اضر روی الله عنه که رسول صلی الله علیه و آله
دعا مذکور میخواند معنی ایست که ای بار خدای یزدانی
میستی سبزو از یستی ریزند و از بدی اسرار و پیا ردهای
سخت اللهم انی اعوذ بک من الخفاة و الخفاة و سوء الا
خفاة و در سنن ابوداود است بروایت ابوهیرا که رسول صلی
الله علیه و سلم دعا مذکور میخواند معنی ایست که ای بار

در هر کبر است
بروایت جریبر
روی الله عنه
که رسول صلی
الله علیه و سلم
دعا مذکور میخواند

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
مذکور پناهیم از خوف حق و عذاب حق و عذاب حق و عذاب حق
اعوذ بک من الخوف لا یستع ولا یخشع و نفس لا یستع و نفس لا یخشع و در هر
کبر است بروایت جریبر روی الله عنه که رسول صلی الله علیه و آله
دعا مذکور میخواند معنی گذشت اللهم انی اعوذ بک
من الکسل و الغفم و یقین العسر و عذاب القبر و در
مجم کبر است بروایت ابن عباس روی الله عنه که رسول صلی الله
علیه و سلم دعا مذکور میخواند معنی گذشت اللهم انی اعوذ
بک من یوم السوء و من جبار السوء و من الخفاة و در
مجم کبر است بروایت عقیقه روی الله عنه که رسول صلی الله
علیه و سلم دعا مذکور میخواند معنی ایست که ای بار خدای یزدانی
می پناهم از روز بد و از شب بد و از ساعت بد و از صاحب بد
بد در سوره اقامت اللهم انی اعوذ بک من الخوف و من السوء
و من الخفاة و در سنن ابوداود و نسائی و معتزلی
و کبری است بروایت اضر روی الله عنه که رسول صلی الله علیه و آله
دعا مذکور میخواند معنی ایست که ای بار خدای یزدانی
میستی سبزو از یستی ریزند و از بدی اسرار و پیا ردهای
سخت اللهم انی اعوذ بک من الخفاة و الخفاة و سوء الا
خفاة و در سنن ابوداود است بروایت ابوهیرا که رسول صلی
الله علیه و سلم دعا مذکور میخواند معنی ایست که ای بار

در هر کبر است
بروایت جریبر
روی الله عنه
که رسول صلی
الله علیه و سلم
دعا مذکور میخواند

مسئله الله علیه و سلم دعا مذکور میخوانند چنانچه ایست که ای
 یا بخدا ای پیاپی بر ما ایست کنایه و که در آن کسی بخورم
 و کنایه را بخاطر از من صادر شد و کنایه را که خدا کردم
 و جمیع آن مذکور نزد من است یعنی بدین مذکور متصفم این
 این و ایرای تعلیم است فرموده اند یا از جهت قواضع و شکستن
 نفس علی بنی خدا عتد میفرماید که رسول صلی الله علیه
 فوت کمال و ترک اولی را گناه شمرده است و بعضی گویند
 مباد ازین دلالت پیش از نبوت است اِنَّهُ الْمُتَّقِيَةُ وَ اِنَّهُ
الْمُؤْتَمِرُ وَ اِنَّهُ كَتَبَ نَبِيٌّ قَدِيرٌ در هیچ بخاری و سلم
 بروایت عایشه رضی الله عنها که رسول صلی الله علیه و سلم
 برده عا سابق این کلمات مذکور و زیاده میگرد معنی است
 قوی پیشه کننده سویی رحمت خود کسی را که بخواند و توبه
 پس آرنده از رحمت خود کسی را که بخواند اِنَّهُمُ الْمُتَّقِيَةُ
جَدِي وَ هُنَّ فِي وَ خَطَابِي وَ عَتِدِي وَ كَتَبَ ذِكْرِي
 در مصنف ابوبکر است بروایت ابی موسی که رسول صلی الله
 علیه و سلم دعا مذکور میخوانند معنی که شد اَللّٰهُمَّ اَعِزَّنِي
بِعِزَّتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَ اَلْبِرِّ وَ تَقِيْ بَيْنَ لِحْظَايَا كُنَا
تَقِيْتُ الْقُرْبَانَ لَا يَبِيضُ مِنْ الْقُدْسِ وَ بَا جَدِّيْنِ وَ بَنِي
خَطَايَايَ كُنَا تَاْعُدُونَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ در

خطبه

میخوانند و سلم است بروایت عایشه رضی الله عنها
 که رسول صلی الله علیه و سلم دعا مذکور میخوانند معنی
 یا لا اله الا انت اللهم تعزني القلوب من قلوب الناس
 در هیچ سلم رسول صلی الله علیه و سلم است بروایت عید الله
 بن عمر رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم دعا
 مذکور میخوانند معنی ایست که ای یا بخدا ای کرد اندک
 و لها و ما را بر طاعت خود بگردان اَللّٰهُمَّ اَهْدِنِيْ وَ
سَبِّحْنِي در هیچ سلم است بروایت علی رضی الله عنه
 که رسول صلی الله علیه و سلم دعا مذکور میخوانند
 ایست که یا بخدا ای هدایت و راستی من زیاده گردان
اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ سَاكِدٌ اَهْدِيْ وَ اَسْأَلُكَ در هیچ سلم
 بروایت علی رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم
 دعا مذکور میخوانند معنی ایست که ای یا بخدا ای از تو زیاده
 هدایت و زیادت ماسق میخوانم اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ
اَلْهَدْيَ وَ التَّقِيَّ وَ الْعَفَا وَ الْاِنْتِصَارَ در هیچ سلم
 و سخن نرندی و این ما چه است بروایت ابن مسعود
 رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و سلم دعا مذکور میخوانند
 معنی ایست که ای یا بخدا ای میخوانم از تو زیادت هدایت
 و تسلیم از تو زیادت تقوی و زیادت پاک دامنی

در هیچ سلم

و زبان مرا راست کن و دعا مرا مستجاب گردان
و تصدیق مرا ثابت دار و زبان مرا راست کن تا بهر حق
و صدق بخنبد و دل مرا برادر و راست ثابت دار و گوشت
سینه من بکش اللَّهُمَّ اعْقِلْنَا وَارْحَمْنَا وَارْزُقْنَا
عَقْلًا وَرَحْمَةً وَرِزْقًا بَنی النّار و اَمَل
لنا شانتا که **ج** و دست این ماجده و ایدار و است
بر و ایت این امامه و خانی الله عز و کرسول صلی الله علیه
و دعا مذکور یعنی اند معنی ایت گدای یار خدای مرا جبارم
و بر ما رحمت کن و از ما نشوید یا ش و عیاقبول
کن و ما را در بهشت در آور و ما را از آتش و زخم و هائی
دو و همد ککارهای ما راست اللَّهُمَّ اَلْفَ بَيْنَ دِلَانَا
وَأَصْرَانَا ذَاتِ بَيْنِنَا وَاهْدِنَا سُبُلَ السَّلَامِ وَخُجَّانَ
إِلَى الْقُرْبِ وَجَبِّتْنَا الْفُجُورَ اجْعَلْ مَظْهَرَنَا كَمَا نَرَاكَ قَدْ
فِي أَسْمَاعِنَا وَابْصُرْنَا وَتَعْلَمْنَا قَدْ وَارِثًا وَدَرِي
وَسَبَّ عَلَيْنَا اَلَّذِي اَتَى الْوَلَدَ الرَّجِيمَ وَجَبَّتْ سَاكِرِي
بَيْنَتَيْنَا سَتَيْنَا بِنَا لِيْلَا وَابْنَتَانَا عَلَيْنَا **ج**
در دست ای داد و دمیج بن جان و سند در و معجم گبر است
بروایت این سوره و خانی سوره کرسول صلی الله علیه و
دعا مذکور یعنی ایت معنی ایت ای یار خدای ما را دعا

الطفاية

[illegible]

خداوند بن حسین رضی الله عنه که رسول الله علیه وسلم دعا
میکرد و میخواند و سنی اینست که ای بار خدای مرا از بدی و نفس من بپا
دار و مرا بر کار خود من قصد و سعی روزی کن ای بار خدای برائی من
کنایه که بخواهم و گناه که انکار کردم و گناهی که بپوشا کردم و گنا
که بپوشا کردم و گناهی بنادانی کردم **اَسْأَلُ اللهَ التَّائِبَةَ وَالتَّائِبَةَ وَالتَّائِبَةَ**
وَرَسُولَهُ ترندی است که رسول الله علیه وسلم فرمود که از خدای
عائنه در دنیا و آخرت میخواهم در شکوه است روایت ابو بکر
رضی الله عنه که رسول الله علیه وسلم بر من ایستاده بگریست و
از خدای غنی و غایت خواست که هیچ بعد از یقین بعد از غایت
خارج گوید که ای و صلی الله علیه وسلم ازین برود که بهیچ دانست
است در غایت شوق و فتنه خواهد افتاد و در هر صبح جمعه احوال
خواهند گوشتید پس امر کرد بدین که انشای بسوی کبر کرد و گریست
و غنی و غایت از خواست **اَسْأَلُ اللهَ التَّائِبَةَ وَالتَّائِبَةَ وَالتَّائِبَةَ**
وَرَسُولَهُ ترک الکراهات و غایت المساکین و آن شوقی و ترندی و اذ
از دست بفرستند **فَمَنْ فِي غَيْرِ مَقَرٍّ وَاَسْأَلُكَ تَحِيَّةً وَحَسَنَةً**
مَنْ يَجِبُكَ وَحَسَنَةً يَجِبُكَ اِلَى حَيْثُكَ ترندی و ترندی و ترندی
ستدر گشت بر روایت مسافین جیل رضی الله عنه که رسول الله علیه وسلم
دعا میکند و میخواند و سنی اینست که ای بار خدای از تو میخواهم فعلی که
و ترک بویها و حب مسکینان و آمرزش و رحمت از تو میخواهم

و چون خواهی که قومی یاد داشته اندازی پس مرا شوقی داشته زده
مستوفی سازی و از تو میخواهم حب تو و حب کسی که آن ترا دوست
میداند و حب عملی که آن بسوی حب تو را نزد یک خداوند **اَسْأَلُكَ**
اَسْأَلُكَ حَسْبَكَ وَحَسْبُكَ اَلْغَنَى الَّذِي يَكْفِي اِلَى حَيْثُكَ
اَللّهُمَّ جَمْعُ حَسْبِكَ حَسْبُكَ اِلَى حَيْثُكَ اِلَى حَيْثُكَ اِلَى حَيْثُكَ
اَللّهُمَّ ترندی و ترندی و ترندی است روایت ابو ابراهیم
رضی الله عنه که رسول الله علیه وسلم دعا میکند و میخواند
معنی اینست که ای بار خدای از تو میخواهم دوستی دوستی دوستی
که ترا دوست میدارد و از تو میخواهم توفیق عملی که این
سرا بسوی دوستی تو ای بار خدای برگردان و دوستی خود را
سوی من از نفس من و اهل من و از آب سرد دوستی
ترسد و دان **اَللّهُمَّ اَرِنَا حَسْبَكَ وَحَسْبُكَ مَنْ يَنْتَعِي حَسْبَكَ**
عَلَيْكَ اَللّهُمَّ وَحَسْبَكَ وَحَسْبَكَ مَنْ يَنْتَعِي حَسْبَكَ
بِئْسَ مَا يَجِبُكَ اَللّهُمَّ وَمَا زَيْتُ عَنِّي بَسَا اَجِبُكَ فَاَجْمَلْهُ
فَاَجْمَلْهُ بِيَسَا حَسْبَكَ ترندی است روایت عبدالله
بن یزید رضی الله عنه که رسول الله علیه وسلم دعا
میکرد و میخواند و سنی اینست که ای بار خدای مرا روزی کن
دوستی خود و دوستی کسی که مرا سوره کند دوستی او نزد
تو ای بار خدای جنانچه مرا روزی کردی از انچه من دوست

نقاره

خدای از تو میخواهم یک سواد و یک دستکاری و یک
عمل و یک آداب و یک از تو کفای و یک مرک و سراسر
ثابت دار و از روی یک کنگره آن و پادشاه سراسر
و استوار کن در وجه مرا بر دار و نماز مرا قبول کن و یک
سویا مرا و میخواهم از تو درجهای بلند از بهشت این
ملا - قبول کن و کنده مرا بیاور و میخواهم ای بار خدای
از تو میخواهم اولاد یکی و آخرت یک و ظاهر یکی و باطن یکی
و درجهای بلند از بهشت این دعا مرا قبول کن ای بار خدای
از تو میخواهم خود ظاهر و سواد تو و خودی خود بکنم
من و خودی ظاهر و باطن و درجهای بلند از بهشت این
دعا مرا قبول کن ای بار خدای از تو میخواهم اگر در
پردای و بارگاه من فرو نهی و کرامت و است آری
و در سوا پاک سازی و قریح مرا بکنم و دایمی در دل من
کفی و کنه مرا بیاور و میخواهم از تو درجهای بلند از
بهشت این دعا مرا قبول کن ای بار خدای از تو میخواهم
اگر مرا در گوش من و چشم من و روح من و خلقت و قول
من و اهل من و از تو کفای و مرک من و عمل من و مرکب
و خدایت مرا قبول کنی و از تو میخواهم درجهای بلند از
بهشت این دعا مرا قبول کن اللهم اجبت او سمع و عمل

[illegible]

روزگار و نسی ترسد از کردارش روزگار رسد
 شدارها و کوهها و بیابانها دریاها و شمار قطرها
 باران و شمار کهای درختان و شمار چین ها که بر
 شب تابیدی کند و روز بران روشنایی کند و نسی شد
 دریا چین بر که درنگ اوست و نسی شود که چیز بر که
 درون سختی اوست و کسره اند بهش بر و نسی من کسر
 او و بهش بر غلی من آخرین عمل من و دیگران بهش بر
 روزها و سز و نسی که ملاقات کنم با تو دوان روز نیا
 و نسی سلام و کسره شیتی به کسره الناکه در مجسم
 کسره طبرانی است بروایت اش که رسول صلی الله علیه
 و سلم این دعا میخواند دوست دادا سلام و اهل سلام
 نایت دارم با آن اسلام تا زمانی که ملاقات کنم با تو یعنی
 بسم الله **سَأَلْتُكَ الْإِلَهَ بِالْقَضَاءِ وَبِرَدِّ الْقَبْضِ بِمَدْلُوكِ**
وَلَدَةِ النَّظَرِ إِلَى جِدِّكَ وَ الشَّوْقِ إِلَى لِقَائِكَ وَ غَيْرِ ذَلِكَ
نَجْوَى وَ لَا يَسْتَعِينُ بِغَيْرِكَ در مجسم کسره و اوسط طبرانی
 است بروایت فضاله بن عبید که رسول صلی الله علیه و سلم
 این دعا میخواند ای بار خدای میخوانم از تو رضا بخوا
 تو خوشی عیش را پس از سرک و لذت نظری پس بخوا و تو
 و از روندی بسوی لقاء تو در حالی که باشم در غیبت

در مجسم کسره و اوسط طبرانی

که ضربه کند باشد و غیره گفته که گواه کند باشد
اللَّهُمَّ أَحْسِنْ غَائِبَتَنَا فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا وَأَجْنِبْنَا مِنْ
بُخْرِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ در مجسم کسره و اوسط طبرانی
 کسره طبرانی است بروایت بشر بن ابی اوطاه که فرمود
 صلی الله علیه و سلم که این دعا میخواند ای بار خدای
 نیکو گردان عاقبت ما را در جمیع کارها و پناه ده مرا
 از خوارگی دنیا و غلبه باطنی من **كَانَتْ قِيلَ أَفَاقِي يَمِينُهُ السَّلَامُ** در مجسم کسره طبرانی
 است بروایت بشر مذکور هر که باشد این دعا از کسره
 خواند که او میرد پیش از آنکه بر او پلانی برسد اللهم
سَأَلْتُكَ غِنَايَ وَ قَبْضَتِي لَكَ در مجسم امام احمد و مجسم
 کسره طبرانی است بروایت ابی هريرة مازنی انصاری که گفت
 صلی الله علیه و سلم این دعا میخواند ای بار خدای بد
 که من میخوانم از تو بی نیازی خود را بی نیازم و مستغنی
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَيْتِكَ نَعِيمَةً وَ بِبَيْتِكَ سُوْدَةً
نَزَلَ عَنْ نَعْبَتِي وَ لَا فَرْجَ در مجسم طبرانی است بروایت
 عبد الله بن عمرو رضی الله عنه که پناه میخواست به خدای
 و سلم این دعا میخواند ای بار خدای بدستی که میخوانم
 من از تو زندگانی پاک و سر دینی مستور بر وجه نیکو

کسره

وای نهایت رحمت ما طلب از برای اله این که ضعیفی بدین
 مرا پادشاه دوزخ نم بود و که نه بدین فلان لعنت عظم
 جانکاه ضعیف فلان لعنت بدین که تا عذبت فلان ملعون
 ربنا و جنتی آید و رحمتی و جنتی اعظم اله و عظیمی که
 انقلی الله علیه و آله ما قطع ربنا و لعنتی ربنا و لعنتی
 و لعنتی المظفر و لعنتی المظفر و لعنتی المظفر و لعنتی
 الدن و لعنتی الدن و لا یجوزی بالآیة احد ولا یبلغ یلعنتک
 قول فایلی **مرحله** در ستاد ای بی بی صلی و لعنتی ای بی بی
 بروایت علی بن ابراهیم که بنیامین صلی الله علیه وسلم این دعا را
 میخواند از سببی ایست شام است نورش پس راه نموی خلق را
 بان نور پس سرتراست سعد بزرگ است علم تو پس در گذشتی
 بان حلم از کناه خلق پس سرتراست حمد کشته کردی
 و سرت خود را پس خطا دهی بعد از خلایق پس سرتراست
 بن و در کار و جده تو بر کنیت وجود است و جاه تو بر کنیت
 جاها است و عطاء تو فاضل ترین عطاها است و کول را ترین
 آنها است طاعت کرده میشتوی پروردگار پس سرتراستی شوی
 با دانستی پس سرتراستی فرمائی شود بتو پروردگار پس سرتراستی
 از اوجا بستی کفی عا جز و در اندیشه و یکسانی من و در این از
 دی و شفا دهی نو پس در این و سرتراستی کنایه را و قبول میکنی توبه

و شکر شکو کنایه ری نکند حق استگار است بر تو
 تو هیچ یکی و پشیم بد ستایش ترا کفایت هیچ کولنده اللهم
 ای آسلاک من فضیلت و رحمتی که نه لا یملکک الا انت
 در محکم کی بر طبری است بروایت عبد الله سمور رقی
 که بنیامین صلی الله علیه وسلم این دعا میخواند برای بار
 بر سببی که من میخوانم از فعلی نهایت تو و رحمت
 تو غایت تو پس بدستی که مالکیت ترا هیچ یکی مگر تو اللهم
 اعظم فی دنیانا و ظلمنا و هزلنا و جددنا و خطانا و ازلنا
 و کفله **مرحله** در ستاد احد و رحیم کی بر طبری است
 بروایت عبد الله بن عمری که بنیامین صلی الله علیه وسلم
 این دعا میخواند برای بار خدای بیامر از کناهات ما را و
 بیا د ما را و هزل ما را و جدد ما را و خطاها ما را و ازلنا
 ما را و همه این چیزها مذکور نزد ما است **اللهم اعظم**
و اعظم فی دنیانا و ظلمنا و هزلنا و جددنا و خطانا و ازلنا
ما اعظم فی دنیانا و ظلمنا و هزلنا و جددنا و خطانا و ازلنا
 طبری است بروایت ابی بن کعبه بنیامین صلی الله علیه وسلم
 این دعا میخواند برای بار خدای بیامر از سر خطاها ما را و ازلنا
 ما را و هزل ما را و جدد ما را و هزل ما را و خطاها ما را و ازلنا
 جدد ما را و خطاها ما را و ازلنا و جدد ما را و خطاها ما را و ازلنا

این دعا را بنیامین صلی الله علیه وسلم میخواند
 برای بار خدای بیامر از کناهات ما را و
 بیا د ما را و هزل ما را و جدد ما را و خطاها ما را و ازلنا
 ما را و همه این چیزها مذکور نزد ما است
 اللهم اعظم و اعظم فی دنیانا و ظلمنا و هزلنا و جددنا و خطانا و ازلنا
 ما اعظم فی دنیانا و ظلمنا و هزلنا و جددنا و خطانا و ازلنا

حضرت دادی موالی الله استحقاق فی سبیل الله
 در سند اجود سند ابی یعلی موصی است بروایت احمد
 زعی الله عنه که پشامری علی الله علیه وسلم این دعا بخواند
 یا رب خدای من که یی آفرینش بر این پس یک گردان سیرت
 مرا ربه **یا رب افرینش بر این پس یک گردان سیرت**
 سند انوار احمد و ابی یعلی است بروایت ابن مسعود و یعلی
 خنسا که رسول صلی الله علیه وسلم دعا میخواند پیش از رفتن
 ایست که ای پروردگار مرا پارس و بر من سحر کن و مرا گرد
 راست و استخوان بفرست **اللهم انما اريدك ان لا**
تتركني في يوم من الايام **اللهم انما اريدك ان لا**
تتركني في يوم من الايام در سنده ترمذی و نسائی و ابن ماجه و صحیح ابن حبان و سند
 حاکم است بروایت ابی یعلی حدیث زعی الله عنه که رسول صلی
 الله علیه وسلم حدیث مذکور بر من فرمود معنی گذشت
اللهم انما اريدك ان لا تتركني في يوم من الايام
اللهم انما اريدك ان لا تتركني في يوم من الايام
اللهم انما اريدك ان لا تتركني في يوم من الايام در معجم کبر است بروایت عیاسود
 گفتن ابی رسول الله سراجی بی موز که خدای عز و جل را
 بدان شوا تم فرمود از خدای شای عاقبت بخوان باز بعد از

البرکات

خدا

یا رب

چند روز آمد گفتن ای رسول خدای سراجی بی موز
 که خدای شای را بدان شوا تم فرمود ای هم من از خدای
 تعالی عاقبت دنیا و آخرت بخوان **اللهم انما اريدك ان لا**
تتركني في يوم من الايام در معجم کبر است بروایت عیاسود که رسول صلی
 علیه وسلم عیاسود فرمود ای هم دعا قیت بخوان **اللهم انما اريدك ان لا**
تتركني في يوم من الايام سند
 بنی راس بروایت ابی الدرداء رضی الله عنه که رسول صلی
 علیه وسلم فرمود که بخوانستند این پندگان از خدای تعالی
 چیزی بهتر از آمدنش و عاقبت یاد رسول الله است **اللهم انما اريدك ان لا**
تتركني في يوم من الايام دعا دعا بفرستی قال یلی قولی اللهم رب الیوم
 تغفر لی ذنوبی و اذهب غیظ قلبی و اجر لی من عیالک
 الفیقه الحلیت و دست امام احمد است بروایت ام سلمه
 رضی الله عنها که ای رسول خدای بی موز دعا بخوان که میخواند
 خود را دعا کنم فرمود آری بی موز دعا بخوان پیش از رفتن
 آنست که ای بار خدای ای پروردگار و بفرستی که بفرستی
 بی موز دعا بخوان من و بر خشم دل من و ناما دام مرا
 ز شو نگاه دار ای از فتنها **اللهم انما اريدك ان لا**
تتركني في يوم من الايام گفتن عیاسود **اللهم انما اريدك ان لا**
تتركني في يوم من الايام گفتن عیاسود **اللهم انما اريدك ان لا**

از کلام سید المرسلین استاصفا به علیه و سلم و روایت
یکشنبه بعد از ظهر بیست و دوم ماه ذی الحجه سنه احدی
و تسعین و سبع مایه داخل دمشق در مدرسه خود که بر
راه عیان ساخته بود عیان نام کویت خارج دمشق
تجلیع ابواب دمشق بملقه بل مشیده بالا حجاب و الخلا
تستیعون علی لا سوار و الناس فی جهده فطیبت
لخصار و المیاه مقطوعة و لا یرقی فی الله تعالى بالتبرع
مرفوعة و قد اعرفنا ظاهر الیل و هی اکثره و کل انه
خاتمت علی یقینه و اهل و ماله و کل من یزید و سوز
اعماله و قد تحسن بما یقینه علیه جعلت هذا جمیری
و توکل علی الله و هر چیزی و نعم الوکیل این کتاب
را تصنیف کردم و حال این بود که جمیع درهای دمشق بسته
بودند بلکه بر آن بنا سنگها بر آورده بودند و خلق بر دروا
خا فریاد می میخواستند و آب سیری منقطع شده بود و
خلق بتضرع دست دعا بر آورده بودند و بیرون شهر نرفته
و اکثر آن تهب کشته و هر یک خائف بر نفس و اهل و مال خود
کشته و ترسیده از کناه و سوز اعمال خود بود و هر یک بمقدار
توانش خود پناه گرفته بود پس من این کتاب را بنام خود
کردم و توکل بر خدای تعالی آوردم که خلا و تدبیر است

در ساختن مساجد من و وکیل نیست که کار دنیا و آخرت
را با و می باید سپرد و قد اجزت اولادی ابوالفتح محمد
و ابی القاسم علیا و ابی الفیض محمد و فاطمه
و عائشه و سلمی و خدیجه روایت عقی مع جمیع تاریخ
روایت و کذا که اجزت اهل عصری بدوستی که اجازت داد
پس آن و دختران و اهل آن عصر خود را بروایت این کتاب از من
یا روایت آنچه روایت آن مرا جایز است اللهم اغفر لولی
و کاتبه و لمن قرأه فیه و لمن دعا له و لیسائر المسکین
و لخدمه و لخدمه و لیسائر المسکین و لیسائر المسکین
الله و نعم الوکیل این بار خدای بیا بر مؤلف و کاتب و قارئ
این کتاب را و کسی را که برای ایشان دعا کند و همه مسلمانان را
و جمیع ستایش و ثناء مرخص و ندر است که تنهاده کلمات است
و درود و سلام کند بر رسول خود که محمد است صلی الله علیه
و بر آله و حق تعالی نیک وکیل است و آمرزنده کناهان نجاء
محمد الله کبار المقلد غایه فی الاختصار جاسم الصبیح
المخبر الم یؤلف شله فی الاغصار جمع الذکر النبوی و الخدی
المصطفوی و لیسائر الدینوی و الاجر الاخری و لو کتب بنام
الذهب لکان من حقّه ان یکتب به بل بسواد الاخلاق
لا استحقاق امد این کتاب بحمد الله بزرگه ان شاء الله

در اختصار نهایت و جامع برای هیچ احادیث که مثل او در
زمانهای گذشته تالیف نشده زیرا که جامع است برای ذکر
نبوی و حدیث مصطفوی و خیر دنیوی و اچن اخروی
اگر این کتاب را باب در بنویسند پس حق است و اگر بیست
چشم بنویسند هر چند سزاوار است **لِلْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي**
هَذَا قَائِمًا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنَّ هَذَا تَابَ اللَّهُ وَأَنَّهُ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ بَنِي الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَسَلَّمَ كَلِمًا ذَكَرَ التَّائِبِينَ وَكَلِمًا غَفَلَ عَنْ
ذِكْرِهِ النَّاسُ فَلَقِّنْتَهُ تَت



